

# با امام تا به آخر علیه امپریالیسم امریکا

سال اول - بیست و دوم آبان ۱۳۵۸

۳۵

# رخبر

تک شماره ۱۰ ریال  
ارگان مرکزی سازمان انقلابی

لانه جاسوسی، در پوشش سفار تخانه

در صفحه ۶



## کارگران شیلات «آشوراده» چه میخواهند؟

### از مواضع ضد امپریالیستی، ضد فئودالی و ضد بوروکراسی شورای انقلاب قویاً پشتیبانی کنیم

### «استعمار و استعمار بیگانه و وابستگی به امپریالیسم شرق و غرب و قدرتهای سلطه گر اجنبی بهر شکلی که باشد باید ریشه کن گردد.» از قطعنامه راهپیمائی ناسوعا و عاشورای ۵۷

## خط امام

### واقعیت آن و تفسیرهای گوناگون

تحریر نمایند. چرا که عملکرد و مواضع عمیق استقلال طلبانه امام در طول ۱۵ سال گذشته بیانگر قاطعیت و مرز بندی روشن او علیه کلیه امپریالیستها و عمال داخلی آنها بوده است. نگاهی به گذشته صحت این ادعا را ثابت می کند.

امام در نطق تاریخی خود علیه کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۲ گفتند: " امریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از امریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از همه بدتر و همه از هم پلیدترند، لیکن امروز سر و کار ما با امریکا است."

امام در طول این سالها به درستی با مرز بقیه در صفحه ۶

دراهم ادامه انقلابند و شورای انقلاب به هرسی آنها برخورد کرده است. ما معتقدیم در این سه زمینه نکات زیر را باید برای مبارزه ای بهتر با این سه دشمن مورد توجه قرار داد: در مبارزه علیه سلطه و تجاوز خارجی و همبستگی با ملل ستمدیده، باید تمرکز آتش و حمله را بروی دو ابر قدرت آمریکا و شوروی گذارد و بویژه باید نسبت به انحراف تکیه و بقیه در صفحه ۷

### ضد انقلاب را در کشورهای خلیج افشاء کنیم

نوشته زبیرایی از خوانندگان ما از اوضاع و احوال کویت و ایرانیان آنجا و توطئه های ضد انقلابی موجود در آنجا تهیه کرده و برای ما فرستاده است. ما با چاپ آن امیدواریم دولت مسئولین به بخشهایی که مربوط به برخورد آنها با زحمتکشان ایرانی مهاجر میشود، توجه جدی نمایند و فرصت سوء استفاده را از ضد انقلاب سلب کنند.

موقعیت خلیج فارس و اوضاع و احوال آن دیار از نظر ارتباط مستقیمی که با اوضاع کشور ما دارد بسیار حائز اهمیت است بخصوص اینکه صدها هزار نفر از زحمتکشان شهر و روستای ما در آنجا بکار مشغولند اصولاً پس از انقلاب شگوهمند مردم ایران کشورهای خلیج بخصوص امیر نشین کویت بصورت مرکز فعالیت برای ضد انقلاب و ساواکیها شده که اکثراً در حیووحه

بین المللی با ملل ستمدیده و مبارزه، با سلطه جوتی و تجاوز امپریالیستها. برنامه عمومی شورای انقلاب برنامه ای اساسی، انقلابی، مردمی است که در صورت پیاده شدن میتواند تحولات مهمی در حیات کشور ما بسود انقلاب بوجود آورد و از اینرو مورد حمایت سازمان ما قرار دارد. غارت و سلطه امپریالیستی، بقایای فئودالیسم و سرمایه داری دولتی سه مانع بزرگ

در روز شانزدهم آبان ماه، شورای انقلاب پس از فرمان امام برای اداره مستقیم امور مملکت رئیس برنامه عمومی خود را طی اعلامیه ای منتشر ساخت. این برنامه شامل است بر ترتیب همه پرسه قانون اساسی، استفاده از جوانان در امور کشور و ایجاد تغییرات بنیادی، پاکسازی وزارتخانه ها، طرح های ضربتی برای بهسازی وضع زحمتکشان، مبارزه با فئودالیسم و حل مسئله زمین، و همبستگی

## اوج گیری مبارزه برای استقلال و انقلاب

میهن ما در هفته گذشته شاهد تحولات بزرگی بود که اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی و تحولات درد دولت از تلبورات مهم آن بودند. اوضاع سیاسی هنوز هم شدیداً متغیر است و تحولات جدیدی را نوید میدهد.

این تحولات ناشی از چه عوامل و تضادهای بوده و مسیر حرکت اوضاع به چه سو می رود؟ برای پاسخگویی به این سئوالات اساسی باید وضع عمومی کشور را پس از پیروزی قیام بهمن ماه در خطوط کلی آن - مورد بررسی قرار داد، چه تغییرات کنونی ریشه در فعل و انفعالات و تضادهای گذشته دارد.

در متن این دو جریان بزرگ تاریخی انقلابی و ملی بود که دولت بازرگان سرکار آمد و کارکرد و در طی ماههای گذشته گامهای معینی برای برآوردن خواسته های این دو جریان برداشت، اما

میهن ما در هفته گذشته شاهد تحولات بزرگی بود که اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی و تحولات درد دولت از تلبورات مهم آن بودند. اوضاع سیاسی هنوز هم شدیداً متغیر است و تحولات جدیدی را نوید میدهد. این تحولات ناشی از چه عوامل و تضادهای بوده و مسیر حرکت اوضاع به چه سو می رود؟ برای پاسخگویی به این سئوالات اساسی باید وضع عمومی کشور را پس از پیروزی قیام بهمن ماه در خطوط کلی آن - مورد بررسی قرار داد، چه تغییرات کنونی ریشه در فعل و انفعالات و تضادهای گذشته دارد.

در خصوص منی آن مورد بررسی قرار دادیم و تغییرات کنونی ریشه در فعل و انفعالات و تضادهای گذشته دارد.

تحولات هفته اخیر نتیجه رشد دوجریان بزرگ تاریخی و اجتماعی ریشه دار در جامعه انقلابی ما بودند:

۱- جریان بزرگ مبارزه ضد امپریالیستی، بواسطه حاکمیت امپریالیسم آمریکا در زمان رژیم طاغوت ادامه نفوذ و توطئه‌های آن، اوج‌گیری مبارزه ضد امپریالیسم آمریکا که نمایانگر خواست

و منی بوسیلهٔ برخورد سرمد و س و در مورد و در طی ماههای گذشته گامهای معینی برای برآوردن خواسته‌های ایندوجریان برداشت، اما بعلاوه در پیش گرفتن سیاستهای صحیح و انقلابی، عدم قاطعیت، عدم تکیه به توده‌ها در مبارزه با امپریالیسم و ایجاد تحولات انقلابی و در عوض تکیه به ماشین دولتی به‌ارث رسیده، نتوانست به خواسته‌های اساسی خلق در بریدن وابستگی و ایجاد تغییرات انقلابی بسود خلق جواب گوید.

بقیه در صفحه ۲

امیر نشین گویت بصورت مرکز فعالیت برای ضد انقلاب و ساواکیها شده که اکثرا "در حیووحه بقیه در صفحه ۳

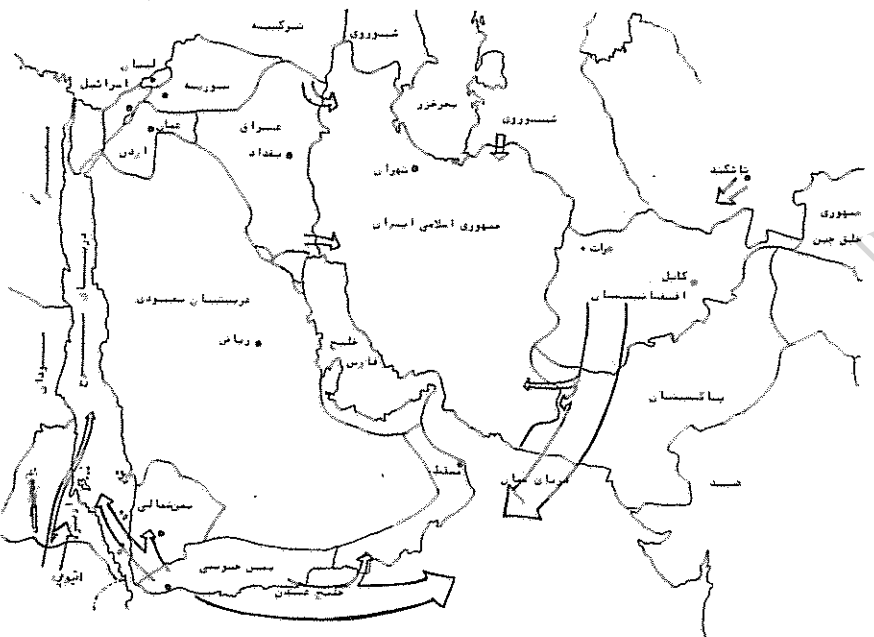
ارقام، شواهد و واقعیات گویا هستند، گویای واقعیتی خشن و هشدار دهنده. سوسیال امپریالیسم روس در تمام جبهه‌های منطقه حساسی که میهن ما در آن قرار دارد به سرعت پیشروی می‌کند و گستاخانه دست به تجاوز می‌زند. در حالی که خلق ماضربات پیاپی خود را بر امپریالیسم آمریکا وارد می‌آورد، روسها جا پای خود را در منطقه (از شرق تا غرب، از شمال تا جنوب) محکم می‌کنند و به سوی مواضع جدید خیز بر می‌دارند. در حالی که هر حرکت مشکوک و سلطه‌جویانه آمریکا با مقابله وسیع توده‌ها روبرو میشود، سوسیال امپریالیسم روس در پناه موج ضد امریکائی پیشروی خود را با آرامش خاطر ادامه می‌دهد.

# تهاجم شوروی و مبارزه برای استقلال

در یمین جنوبی: تعرض وسیع نظامی - سیاسی شوروی در منطقه

در تاریخ ۲۵ اکتبر ۷۹، به دنبال سفر طولانی عبدالفتاح اسماعیل، رئیس جمهور یمین جنوبی، به شوروی و کشورهای اروپای شرقی (بلغارستان، مجارستان، آلمان شرقی) قرار دادی میان او و مقامات کرملین بسته شد. این قرار داد ۲۰ ساله که یمین جنوبی را، پس از کوبا و ویتنام، به سومین ژاندارم منطقه‌ای شوروی تبدیل می‌کند، دارای نکات عمده زیرین است:

- \* ۷۳۰ میلیون دلار "کمک اقتصادی" شوروی به یمین جنوبی.
- \* افزایش نظامیان کوبائی و روسی از ۹۰۰۰ به ۱۵۰۰۰ نفر قبل از پایان سال مسیحی جاری.
- \* افزایش تعداد ارتش یمین جنوبی از ۲۵۰۰۰ نفر به ۵۰ هزار نفر.
- \* ادغام ارتش یمین جنوبی در ارتشهای پیمان ورشو زیر نظارت و فرماندهی بوداپست (مجارستان).
- \* استفاده قوای روسی از پایگاههایی که روسها در یمین ساخته‌اند (از جمله پایگاه معظمی در نزدیکی عدن و پایگاه هوایی حضرا لموت).
- \* استفاده از ارتش یمین جنوبی و نیروهای شوروی و کوبائی و غیره برای تشکیل "نیروی ویژه ضربتی" شوروی (بخش دیگر این نیروی ویژه که شامل ۷ لشکر است در تاشکند و بلغارستان مستقر میباشد).



سوسیال امپریالیسم در غرب (کردستان) بلوا به پا می‌کند تا در شرق (افغانستان) نیرو پیاده کند. در شمال آشوب می‌افکند تا در جنوب (یمین) بزرگترین پایگاه نظامی برون مرزی خود را برقرار سازد.

حرکت گازانبسری ابر قدرت شوروی در سراسر منطقه به سرعت گسترش می‌یابد. پیشروی نیروهای اشغالگر روس از افغانستان به سوی جنوب، به سوی آبهای گرم اقیانوس هند یک شاخهٔ این گاز انبر عظیم را تشکیل میدهد. شاخهٔ دیگر آن از یمین جنوبی شروع شده و به سوی شرق و شمال شرقی، رشد می‌کند. بدین ترتیب، از یکسو بلوچستان ایران و پاکستان مورد تهدید جدی قرار دارند و از سوی دیگر عمان و عربستان سعودی، یمین جنوبی در جبههٔ شمال غربی نیز با حرکت نیروهای اشغالی روسی و کوبائی در اتیوپی و ارتش این کشور در تهاجم به اریتره همگام می‌شود تا با پیشروی در کرانه‌های دریای سرخ به سوی کانال سوئز، تسلط بر باب المندب تکمیل شود و حوزهٔ نفتی خلیج فارس و شاهراه نفتی به کلی در محاصرهٔ سوسیال امپریالیسم قرار گیرد.

بدین ترتیب، حلقهٔ محاصرهٔ ابر قدرت شوروی به‌کرد عربستان سعودی و عمان و پاکستان این آخرین پایگاهها و متحدین ابر قدرت آمریکا در منطقه، و به‌گرد جمهوری اسلامی ایران، این پایگاه استقلال ملی علیه سلطهٔ شرق و غرب هر لحظه تنگ‌تر می‌شود. برای مقابله با این وضعیت، سعودی و عمان می‌کوشند که همچنان به آمریکا و غرب تکیه کنند تا در برابر تعرض شوروی مصون مانند.

بقیه در صفحه ۴

## مبارزات ضد امپریالیستی مردم و جنبال «ضد امریکائی» کمیته مرکزی حزب توده دو موضع، دو هدف

اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان "پیرو خط امام" و بالا گرفتن موج عظیم تظاهرات ضد امریکائی مردم میهن ما، فرصتی به دست دار و دسته کیانوری داده است تا یک کارزار وسیع تبلیغاتی را برای منحرف کردن این حرکت عظیم و توده‌ای و قراردادن آن در مسیری که به امپریالیسم روسیه خدمت کند، براه بیندازند.

سئوالی که مطرح می‌شود این است که آیا میان مبارزه ضد امپریالیستی مردم میهن ما با مبارزه "ضد امریکائی" دار و دسته کیانوری هیچگونه پیوند و رابطهای وجود دارد و آیا این دو مبارزه به یک هدف خدمت می‌کند؟ به اعتقاد ما هیچگونه پیوند و رابطهای بین این دو مبارزه وجود ندارد. برای اینکه مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما، که در حال حاضر به صورت یک مبارزه ضد امریکائی تظاهر کرده است، انعکاسی از خواست مردم میهن ما برای ادامه انقلاب ضد امپریالیستی، تامین استقلال کشور و زدودن آثار و بقایای وابستگی به قدرتهای

امپریالیستی بوده و یک جریان خلقی، اصیل و ملی است، در حالی که "مبارزه ضد امریکائی" دار و دسته کیانوری ناشی از تضاد منافع دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی و کوشش شوروی برای انحراف جنبش ضد امپریالیستی مردم با سوء استفاده از آن به مثابه ابزار برای رقابت روسیه با آمریکا و سلطه بر میهن ماست. بنابراین مردم ما در جریان مبارزه خود نباید هشیاری خود را نسبت به امپریالیسم روسیه و عمال داخلی آنها یعنی دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده از دست بدهند. هر گونه تصور غلط در این زمینه که نمی‌توان همزمان در مقابل هر دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی ایستاد. و یا ضمن مبارزه با ابر قدرت آمریکا می‌توان از ابر قدرت روس غافل شد و یا. برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا باید به امپریالیسم روس تکیه کرد، نتیجه و حاصل دیگری جز انحراف شکست انقلاب و بر باد رفتن تمامی دستاوردهای آن و قرار گرفتن به بقیه در صفحه ۵

## استعفای دولت بازرگان بر وحدت پافشاری کنیم

به انقلاب و رهبری آن است. زیرا این برخورد را بسیار مثبت و آموزنده یافتیم. و این در حالی است که شیوه برخورد به دولت بازرگان از جانب برخی از نیروهای سیاسی و جناح‌ها شیوهی درستی نبوده است.

بر خورد بازرگان دو نکته مثبت و آموزنده دارد:

بقیه در صفحه ۷

استعفای دولت بازرگان در متن اوضاع متلاطم و متغیر کشور رخ داد و به خاطر همین، صرف نظر از علت‌های دیگر، بسیار بحث‌انگیز شده است. ما در اینجا خیال نداریم به این گونه بحثها درباره ضعفها و علل استعفای دولت بپردازیم. آنچه کمی خواهیم در اینجا برجسته کنیم برخورد بازرگان در پایان کناره گیری اش

### اوج گیری مبارزه

این مهمترین کمبود دولت بود و عامل اساسی ناکامی های دولت بازرگان گردید. اما علت اساسی دیگری هم در کنار رفتن او وناتوانی هایش موجود بود و آن فرقه گرایی در میان حاکمین ، انحصار طلبی ، قدرت طلبی و حرکت از منافع گروه محدودی بود که موجب شد دولت نتواند بمتابعه مرکز قدرت مملکتی عمل کند و حتی آن برنامه های محدود خود را نیز پیاده نماید . در این میان انقلابی گری کاذب که شعارهای ضد سرمایه داری میداد ، در عین حقیقت مبارزه اش علیه امپریالیسم آمریکا و تبلیغ تغییرات انقلابی ، سرمایه داری ملی را هم مورد حمله قرار داد و به امر وحدت خلق نیز ضربه زد و عملاً " به نیروئی بازدارنده و تفرقه افکن تبدیل شد . انقلابی گری کاذب که در پوشش های "چپ" و مذهبی بروز کرد ، عامل اخلاقی بود که عملاً در خدمت فرقه گرایی انحصار طلبان قرار گرفت و به امر اتحاد بزرگ ملی ضربه زد و راه گشای سیاست سازشکارانه با ابرقدرت روس در پوششی "انقلابی" شد . در چنین اوضاعی است که ما در سطح جهانی و منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مواجه با یک تعرض بزرگ امپریالیسم روسیه بوده ایم . تعرضی که خود را در جنگ امپریالیستی روسیه علیه خلقهای افغانستان ، تحکیم پایگاه تجاویزی خود در یمن جنوبی ، سرکوب خونین خلق اریتره و بالاخره در وقایع کردستان و قیام ضد انقلابی عوامل روس علیه دولت مرکزی نشان میدهد . در این تعرض بزرگ منطقه ای روسیه ، ایران ما بعلت موقعیت مهم سوق الجیشی خود و ثروتهای طبیعی و انسانی اش ، لقمه ای لذیذی برای

روسیه بوده و هست و از سوی دیگر انقلاب اسلامی مستقل و متکی بخود و ضد دوا بر قدرت مامچون سدی در سر راه نقشه های منطقه ای روسیه و توطئه های او برای سلطه بر میهن ما قرار دارد و از اینرو امپریالیستهای روسیه سیاست دوگانه ای را در پیش گرفته اند ؛ یعنی ضربه زدن به جمهوری اسلامی (کردستان) از یکسو و نفوذ در جنبش و منحرف کردن مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما به مبارزهای فقط علیه آمریکا و سوار شدن بر آن (اخلال گری های کمیته مرکزی حزب توده در ماه های گذشته بویژه هفته گذشته) از سوی دیگر . مجموعه ای این تحولات ، یعنی سیر حرکت جنبش ضد امپریالیستی و بریدن از غرب ، خواسته های انقلابی و مطالباتی توده ها ، رشد فرقه گرایی همراه با اخلال انقلابی گری کاذب ، با عدم قاطعیت انقلابی دولت در جوابگویی به ایندورشته خواسته های اساسی خلق (استقلال و انقلاب) قدم بقدم تضاد بیشتری پیدا کردند و با اشغال سفارت آمریکا به نقطه ای تحول خود رسیده و دولت بازرگان مستعفی شد و شورای انقلاب اداره ای امور مملکت را بدست گرفت . از اینرو می بینیم که سیر اوضاع ، تحول دوگانه ای را در بر داشته است و تحولات هفته اخیر نیز این دوگانگی (مثبت و منفی) را نشان میدهند . معیار ما در تعیین مثبت و منفی ، خط مشی راستین اتحاد بزرگ ملی علیه دو ابرقدرت آمریکا و روسیه است و با این معیار است که تحولات اخیر را دوگانه (مثبت و منفی) ارزیابی می کنیم . حرکت ضد امپریالیسم آمریکا و تاکید بر ایجاد تغییرات انقلابی بسود خلق جنبه ای مثبت تحول اوضاع را تشکیل میدهند و تشدید فرقه گرایی تا برکناری نخست وزیر ملی ، رشد

انقلابی گری کاذب علیه سرمایه داری ملی ورشد زمینه برای فعال شدن عمال امپریالیسم روسیه و رشد سیاست مماشات نسبت به او جنبه ای منفی راه تاکید بر بریدن از غرب و ایجاد تغییرات انقلابی دستاورد است و تضعیف سرمایه داری ملی و رشد زمینه برای امپریالیسم روسیه کمبود . به گجا خواهیم رفت و سیر تحول اوضاع چگونه خواهد بود ؟

ما معتقدیم که دو جریان بزرگ ضد امپریالیستی و انقلابی فوق الذکر ، بعلت تضاد با امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت ، با سرمایه داری وابسته سرمایه داری دولتی و بقایای فئودالیسم ، کماکان ادامه خواهند یافت و بعقل اخلال امپریالیستهای بویژه عمال ابرقدرت روس ، فرقه گرایی و اخلال انقلابیون کاذب ، یعنی بعقل سیاستهای درست و نادرست و التقاطی در دو زمینه ای اساسی مبارزه ضد امپریالیستی و اتحاد بزرگ ملی ، اوضاع کماکان بصورت دوگانه تحول پیدا خواهد کرد .

از اینروست که معتقدیم آینده سیاسی کشور شاهد مبارزات سیاسی بزرگ میان مشی استقلال طلبانه ضد دوا بر قدرت با خط مشی مدارا جویانه با ابرقدرتها بویژه ابرقدرت روس و هم چنین شاهد مبارزات اقتصادی و سیاسی گوناگونی در زمینه روبیدن ارثیه شوم طاغوت (بقایای فئودالیسم و سرمایه داری بزرگ دولتی و وابسته) خواهد بود .

خط مشی راستین اتحاد بزرگ ملی علیه دوا بر قدرت تنها زمین توان مبارزه ی طبقاتی و سیاسی است که میتواند راه بجلو بگشاید . با شرکت فعال در این مبارزات تاریخی به پیشواز آینده ای نوید بخش میرویم .

### شوروی کشوری...

اما خلق خمر زیر بار حکومت دار و دسته خائن لون نول نرفت . به زودی جبهه آزادی بخش خمر به رهبری حزب کمونیست کامبوج تشکیل شد و یک دولت متحد ملی به رهبری پرنس سیهانوک در مناطق آزاد شده خاک کامبوج اعلام گردید . این دولت در مدت کوتاهی از طرف بیش از ۶ کشور به رسمیت شناخته شد .

حال ببینیم بر خورد سوسیال امپریالیستهای روسیه به کودتای امپریالیستی لون نول چگونه بود . دار و دسته برژنف - کاسیگین نه تنها دولت متحده ملی خلق خمر را برسمیت نشناختند بلکه کوشیدند تا سایر کشورها را هم از این کار منع نمایند . مثلاً به دولت دمکراتیک خلق کره " نصیحت " کردند که از قطع رابطه با دار و دسته خائن لون نول خود داری کند چون " بیرون کشیدن سفارت خانه آسانتر از وارد کردن دوباره آنست " . در جواب این منطق سوسیال - امپریالیستی ، رفیق کیم ایل سونگ رهبر جمهوری خلق کره اظهار داشت " کامبوج بدون سیهانوک را ترک کردن بهتر از باقی ماندن در کامبوج با لون نول است " ( رجوع شود به نشریه " ستاره سرخ " ، شماره ۴۲ ، سال ششم ، فروردین ۱۳۵۴ ) سوسیال امپریالیستها برای توجیه به رسمیت نشناختن دولت متحده ملی کامبوج دست به نفی جنبش انقلابی خلق کامبوج زدند و گفتند که مقاومت و مبارزه میلیونها توده زحمتکش خلق در مقابل امپریالیسم آمریکا و دار و دسته خائن لون نول " بی اهمیت " است . آنها پیشنهاد تشکیل یک کنفرانس زنو را برای دست یابی به یک " راه حل سیاسی " مطرح کردند تا در طی این کنفرانس از این نمذ کلاهی هم برای خود بدوزند . این پیشنهاد مورد موافقت امپریالیسم آمریکا هم قرار گرفت ولی به علت مخالفت شدید جبهه آزادی بخش خلق کامبوج و پشتیبانی سایر خلقهای هند و چین از آنها به جایی نرسید . سوسیال امپریالیستها که از بروی کار آمدن یک دولت مستقل در کامبوج وحشت داشتند به سرعت به تقویت دولت لون نول پرداختند و کوشیدند تا از این طریق راه را برای تشکیل یک حزب علنی رویزیونیستی هموار نمایند .

دار و دسته برژنف - کاسیگین در سال ۱۳۵۱ یک قرار داد مالی با رژیم لون نول بستند و سال بعد ۸۵ نفر از معلمین روسی استیجائی تکنولوژی پنوم پن را که در شوروی بودند مجدداً به پنوم پن باز گرداندند تا علاوه بر کمک به دار و دسته لون نول برای نفوذ خود در آنجا زمینه سازی کنند . سوسیال امپریالیستها به منظور خوش رقصی ، کشتیهای باربری را که از رود مگونگ برای دار و دسته خائن لون نول اسلحه و مهمات جنگی حمل می کردند توسط یکی از شرکت های بیمه خود ( شرکت گسترخ ) بیمه کردند ( رجوع شود به نشریه " ستاره سرخ " ، سال ششم ، شماره ۴۲ ) . وقتی در سال ۱۳۵۱ در کنفرانس یونسکو قطعنامه ای برای بیرون راندن دار و دسته لون نول از کامبوج طرح شد نماینده سوسیال امپریالیستهای روسیه به آن رای مخالف داد ( همانجا ) و بالاخره هنگامی که ارتش آزادی بخش کامبوج از طریق یک جنگ توده ای بیشتر خاک کامبوج را آزاد کرده بود سوسیال امپریالیستها کوشیدند تا یک " نیروی سوم " را از طریق تشکیل یک حزب علنی رویزیونیستی بوجود آورند . سوسیال امپریالیستها از طریق برادر لون نول که خود مامور سازمان جاسوسی سیا و تاجر هروئین بود با دار و دسته خائن لون نول وارد مذاکره شدند . آنها پیشنهاد کردند که این حزب جدید که قرار بود عنوان " حزب کمونیست " هم داشته باشد به رهبری رئیس دانشکده هنرهای زیبای پنوم پن و با شرکت دانشجویان کامبوجی باز گشته از شوروی و عده ای از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا تشکیل شود ( همانجا ) این پیشنهاد با استقبال رژیم لون نول روبرو شد . برنامه سوسیال امپریالیستها این بود که حزب باصطلاح کمونیست جدید به عنوان نماینده " اپوزیسیون " با دار و دسته خیانته کار لون نول " دولت ائتلافی " تشکیل داده و با این ائتلاف به رژیم لون نول رنگ یک نیروی سوم را بدهند تا شاید وحدت جبهه متحد ملی و خلقهای هند و چین در هم بشکند و از سقوط حکومت لون نول جلوگیری شود . اما این توطئه به زودی توسط جبهه متحد ملی کشف شد و با افشای گری وسیعی که انجام گرفت نقشه سوسیال امپریالیستها مواجه با شکست گردید .

امپریالیسم آمریکا مدت پنج سال ( ۱۹۷۵ - ۱۹۷۰ ) با منتهای نیروی خود ، به کمک بمباران ، فرستادن سلاح و سربازان ارتشهای پوشالی کوشید تا خلق خمر را سرکوبی کند و در این راه سوسیال امپریالیسم شوروی نیز با تمام نیرو از این امپریالیسم جهان خوار پشتیبانی کرد . ولی جبهه آزادی بخش ملی کامبوج بالاخره موفق شد تا ارتش لون نول را در هم بشکند و سرتا سر خاک کامبوج را آزاد کند . اما از آنجا که دولت انقلابی کامبوج بر مواضع استقلال طلبانه خود سر سخنانه پا فشاری می کرد و به هیچیک از دوا بر قدرت دولت اجازه نمی داد تا جای پائی برای خود در کامبوج بوجود آورد . آمریکا و شوروی برای سرنگون کردن دولت انقلابی کامبوج دست بدست هم دادند . نمایندگان امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روسیه در ابتدا دست به یک جنگ تبلیغاتی وسیع علیه دولت کامبوج زدند . کیسینجر جنایتکار بزرگ آمریکا تخلیه پنوم پن توسط دولت انقلابی را که در دوره حکومت لون نول به علت فرار ۲/۵ میلیون نفر از روستا به آن جمعیتی بالغ بر ۲/۱ میلیون نفر پیدا کرده بود و در آن روزی ۳۰۰ نفر از گرسنگی می مردند به راه انداختن " حمام خون " نامید . مک گاورن نماینده باصطلاح جناح لیبرال امپریالیستهای آمریکائی حتی پیشنهاد کرد که یک نیروی بین المللی جهت دخالت در کامبوج و سرنگونی دولت انقلابی این کشور تاسیس شود .

سوسیال امپریالیستهای روسیه هم علاوه بر این اتهامات با سر و صدای زیاد شروع به پخش

### انقلابی گری کاذب...

تواند به حیات خود ادامه دهد . تعداد طرفداران این راه حل چندان فراوان نیستند و ظاهراً اکثریت قریب به اتفاق نیروهای سیاسی طرفدار بریدن از غرب و ایجاد یک اقتصاد مستقل و متکی بخود که هر چه بیشتر به منافع و خواسته های توده ها پاسخ گویند هستند اما این نیروها هر چند در این مطلب یعنی - گسستن از غرب منتقد القولند اما برای اینکار دو راه کاملاً متفاوت عرضه میکنند :

راه شرقی و راه متکی بخود و مستقل از غرب و شرق

اقتصادی که بیانگرا تکه توده ها و وحدت طبقات مختلف خلق در یک جبهه متحد ملی علیه امپریالیسم است . عامل هدایت کننده آن ، اقتصاد سوسیالیستی دولتی تحت رهبری طبقه کارگر بوده و سرمایه های ملی بویژه سرمایه های کوچک و متوسط می توانند در چارچوب موازینی که از سوی دولت تعیین میشود رشد کرده و بسهم خود در شکوفائی اقتصادی و ایجاد پایه های ضروری برای یک اقتصاد ملی و مستقل نقش ایفا کنند . در این اقتصاد به رشد اقتصاد تعاونی زحمتکشان بویژه دهقانان فقیر و میانه حال و شکل گیری و گسترش هر چه بیشتر تعاونی ها و موسسات با مالکیت همگانی توجه کامل میدول میشود . و رشد تعاونی ها و اشکال مالکیت همگانی ، شرایط گذار تدریجی به اقتصاد سوسیالیستی را فراهم می آورد . این نظام اقتصادی ، بدلیل رهبری طبقه کارگر ، اتکاء به توده ها و بسیج آنها و وحدت منافع خلق در یک جبهه متحد ، تنها نظامی است که می تواند بطور قطع استقلال امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم تاملین نماید . اما در شرایط کنونی که حاکمیت سیاسی امپریالیسم از جامعه ما برچیده شده است ، شکوفائی و رشد یک اقتصاد ملی و مستقل ، نه تحت رهبری طبقه کارگر بلکه تحت حاکمیت یک حکومت ملی مرکب از بورژوازی ملی و خرده بورژوازی صورت میگیرد .

مستقل ، حین ، شایسته ، برای نامبر ، راه مستقل

بی گیر علیه سرمایه داری امپریالیستی بهیچ وجه مخالف رشد معقول سرمایه داری ملی نبوده و به آن در شرایط کنونی بعنوان یک عامل مهم تحکیم استقلال ملی می نگرند . با این مقدمه اکنون می توان درک کرد که چرا کمیته مرکزی حزب توده در تمام تبلیغات خویش بعد تیز حمله را علیه بورژوازی ملی متوجه ساخته و برای ایجاد یک اقتصاد دولتی وابسته به شوروی تلاش و تبلیغ می نماید . این عاملین روسیه بخوبی متوجه شده اند که رشد سرمایه داری ملی در شرایط کنونی یکی از عوامل حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی بوده و با هدف و برنامه آنها برای وابسته ساختن اقتصاد ایران به روسیه ( از طریق راه رشد غیر سرمایه داری و بوسیله ایجاد یک اقتصاد دولتی وابسته به شوروی) در تضاد کامل قرار دارد .

در چنین اوضاعی است که می بینیم سخنان بظواهر انقلابی کسانی که علیه سرمایه داری ملی شعارهای داغ طرح می نمایند ، صرف نظر از انگیزه متفاوت آنها دز دار و دسته کیانوری بطور عینی در خدمت خط گرایش به شرق قرار می گیرند . زیرا :

۱) آنها با اینکه علیه وابستگی به غرب مبارزه می کنند ، اما علیه وابستگی به شرق کمتر ، صاف ، انحاء نقد دهند .



به سوی سوسیالیسم سوق دهیم. تصویب این بر روی روسیه  
تحقق سوسیالیسم در این کشورها نه بعهدہ  
طبقه کارگر و منوط به رهبری او بلکه بعهدہ -  
بورژوازی و خرده بورژوازی این کشورها قرار دارد.  
آنهم وظیفه‌ای که نام انقلاب توده‌های  
تحت‌رهبری پرولتاریا، بلکه بلطف "کمک" های  
معجزه‌سای شوروی و بدست بورژوازی و خرده  
بورژوازی امکان پذیر است.

این راه نهم استقلال اقتصادی میانجامد و  
نه به سوسیالیسم. این راه نه راه استقلال  
اقتصادی، بلکه راه حاکمیت یافتن سرمایه‌داری  
دولتی بزرگ وابسته به شوروی، به جای سرمایه‌داری  
دلال وابسته به غرب برکشورماست. این راه نه  
راه حرکت توده‌های خلق جهت ساختمان اقتصادی  
کشور و اتکا به خود، بلکه راه حاکمیت یافتن  
یک طبقه یا یک قشر بر جامعه ما در ارتباط با  
خدمتگذاری شوروی و تامین منافع این ابر قدرت  
است. این راه نه راه سوسیالیسم، بلکه راه استقرار  
حکومت‌های تحت نفوذ، وابسته و حتی فاشیستی  
وابسته به سوسیال - امپریالیسم شوروی بجای  
حکومت وابسته به امپریالیسم آمریکا است. ما -  
اکنون نمونه‌های فراوانی از این به اصطلاح  
سوسیالیسم را در پیش چشم داریم، "سوسیالیسم"  
کاسترو، "سوسیالیسم" لیبی، "سوسیالیسم"  
اتیوپی، "سوسیالیسم" یمن جنوبی و سرانجام  
"سوسیالیسم" افغانستان. استقرار یک حکومت  
سرکوبگر وابسته به روسیه، ایجاد یک اقتصاد  
وابسته به اقتصاد روسیه و تبدیل شدن به زائده  
آن، این همان بهشت موعودی است که دارودسته  
کیانوری برای خلق و کشور ما تدارک می بینند.

راه مستقل و متکی بخود  
راه ایجاد یک اقتصاد مستقل و متکی بخود  
یعنی راه بریدن از غرب، ترفتن بسوی شوق و  
ایستادن بر سرپای خود، راه قطع مناسبات وابسته  
ساز اقتصادی با غرب، اتکا به نیروی خود و  
پی‌ریزی میانی یک اقتصاد متکی بخود و مبارزه  
با نفوذ استیلای سوسیال امپریالیسم شوروی.  
طرفداران این راه را میتوان به دو دسته  
تقسیم نمود. ۱- نیروهای سیاسی که از منافع  
طبقه کارگر و زحمتکشان دفاع می کنند. راه -  
پیشنهادی این نیروها راه دمکراسی نوین است.  
۲- نیروهای سیاسی ملی غیر پرولتاری که طرفدار  
ایجاد تحکیم یک جامعه سرمایه‌داری ملی هستند.  
۱- در صورتیکه طبقات خلق، تحت رهبری  
طبقه کارگر قدرت سیاسی که در اختیار می‌گرفتند،  
در آن صورت راه حل اقتصادی جامعه برای ایجاد  
یک اقتصاد مستقل و متکی بخود، چیزی جز یک  
اقتصاد دمکراسی نوین نمی بود.

اقتصاد دمکراسی نوین اقتصادی است که  
حاکمیت اقتصاد امپریالیسم از کشور را قطع کرده  
و بر پایه در نظر گرفتن منافع تمام خلق و تحت  
رهبری طبقه کارگر قرار دارد. در این نظام -

طبقه کارگر بلکه تحت حاکمیت یک حکومت ملی  
مرکب از بورژوازی ملی و خرده بورژوازی صورت  
میگیرد و در چنین شرایطی برای تامین راه مستقل  
و متکی بخود، تکیه یکجانبه بر بخش دولتی  
اقتصاد، یا بر بخش خصوصی، هر دو انحرافی  
است. حالت اول، سبب رکود اقتصاد خصوصی  
بورژوازی ملی و عدم استفاده از تمام ظرفیت‌های  
آن، رشد نامتناسب و غیر معقول بوروکراسی و  
جلوگیری از شکوفایی اقتصاد سرمایه ملی خصوصی  
و تعاونی میشود. این حالت همانگونه که بعداً  
خواهیم دید راه را برای نفوذ سوسیال امپریالیسم  
هموار می کند.

حالت دوم یعنی رشد بدون کنترل بخش  
خصوصی نیز نادرست است. این بخش باید  
در عین برخوردار از آزادی عمل لازم و کافی،  
تحت نظارت عمومی قرار گیرد. دولت باید بخش  
های کلیدی اقتصاد را تحت کنترل خویش قرار  
دهد، و همین‌اين بخش و بخش خصوصی اقتصاد  
ملی روابط صحیح متقابل برقرار نماید. آزادی  
بدون قید و شرط و نامحدود بخش خصوصی می  
تواند بنوبه خود زمینه گرایش به امپریالیسم را  
فراهم نماید. علاوه بر این دو بخش، بخش  
تعاونی اقتصاد نیز باید هر چه بیشتر رشد یابد  
این بخش میتواند از فعالیت و توان تولیدکنندگان  
حداکثر استفاده را بعمل آورده و نقش مهمی را  
در اقتصاد بعهدہ گیرد.

کمونیست‌ها و سرمایه‌داری ملی  
رشد سرمایه داری ملی در چارچوب فوق، نه  
تنها به زبان کشور ما نیست بلکه یکی از ارکان  
حفظ و تحکیم استقلال ملی است. سرمایه‌داری  
ملی ایران از فرصتی که برای اولین بار پس از  
سالها بدست آورده باید استفاده کند و بسهم  
خود در جهت ایجاد یک اقتصاد ملی و مستقل  
از امپریالیسم کوشش نماید. این تلاش بدون  
شک باید مورد پشتیبانی تمام انقلابیون را ستین  
و مارکسیست - لنینیست‌ها باشد. پشتیبانی  
مارکسیست - لنینیست‌ها از رشد سرمایه‌داری ملی،  
نه صرفاً "به معنای دفاع از بورژوازی ملی، بلکه به  
معنای دفاع از مصالح زحمتکشان نیز هست زیرا یک  
اقتصاد ملی خودکفا، یک شرط اساسی حفظ استقلال  
اقتصادی و سیاسی کشور است. کسب استقلال اقتصادی  
کشور در شرایط فشار و تجاوزات امپریالیسم بویژه  
دو ابر قدرت آمریکا و روسیه، نه تنها بسود بورژوازی،  
بلکه بسود پرولتاریا و زحمتکشان نیز می‌باشد.

بدون شک کمونیست‌ها و انقلابیون راستین  
حتی در شرایط کنونی نیز علیه سرمایه‌داری  
مبارزه می‌کنند. اما این سرمایه‌داری، سرمایه  
داری امپریالیستی است، یعنی آن سرمایه‌داری  
که جلو رشد سرمایه‌داری ملی را سد می نماید.  
کمونیست‌ها در شرایط کنونی در عین مبارزه

۱) آنها باینکه علیه وابستگی به غرب  
مبارزه می‌کنند، اما علیه وابستگی به شرق  
کمترین مبارزهای انجام نمی دهند و حتی  
خیالات واهی نسبت به آن دارند.  
۲) آنها باینکه علیه بوروکراسی بازمونده  
از رژیم گذشته مبارزه می‌کنند ولسی از طریق  
خواست ملی کردن همه چیز، خود مبلغ  
بوروکراسی جدیدی تحت حاکمیت خرده  
بورژوازی هستند که اجباراً "محمل مناسبی برای  
نفوذ سوسیال امپریالیسم روس خواهد بود.

۳) آنها باینکه ظاهراً "طرفدار یک  
اقتصاد مستقل هستند اما از طریق مبارزه علیه  
سرمایه ملی به تضعیف اقتصاد ملی کمک کرده  
و از طریق از میدان بدر کردن بورژوازی ملی،  
زمینه حاکمیت بلامنابع خرده بورژوازی، تضعیف  
و حذت خلق و نفوذ سوسیال امپریالیسم را  
فراهم می‌سازند.

طراحان خرده بورژوازی این شعارهای تند  
و تیز علیه سرمایه‌داری، دچار این تسوهم  
هستند که خرده بورژوازی قادر خواهد بود  
نظامی مستقل از امپریالیسم را برقرار سازد. اما  
هیچکدام از تجارب تاریخی چنین چیزی را  
تائید نمی‌کند. تمام این نظام‌های خرده  
بورژوازی نه تنها به نتیجه نمی‌رسند بلکه  
سرانجامی جز ایفای نقش هیزم کش یا جاده  
صاف کن نفوذ و سلطه سوسیال امپریالیسم  
روس را ندارند. طراحان این شعارهای ضد  
سرمایه‌داری ملی و متوسط آنجا که ریشه در  
سرمایه‌داری کوچک دارند، در دام توهمات  
این سرمایه‌داری کوچک نیز اسیرند. تضاد  
آنها با سرمایه داری بزرگ وابسته به غرب -  
از آنجا که خود قادر به ایستادن بر پای خود  
نیستند و سوسیال امپریالیست‌ها هم وعده کمک  
اقتصادی میدهند. اگر هوشیار نباشند آنها را  
لاجرم به پیوند بسا سوسیال - امپریالیسم  
هدایت می‌کند. این خرده بورژوازی و نمایندگان  
سیاسی آن برای جلب نیرو بخاطر مبارزه با  
سرمایه‌داری بزرگ یک سلسله شعارهای ظاهراً  
انقلابی میدهند تا براین خواست انقلابی و  
ذاتی توده‌های زحمتکش برای نیل به سوسیالیسم،  
سوار شوند. این سوسیالیسم خرده بورژوازی  
منحرف شده، با شعارهای کاذب خود تلاش  
دارد سوسیالیسم پرولتاری کارگران را منحرف  
نماید و از اینرو باید از طرف طبقه کارگر مورد  
انتقاد و طرد قرار گیرد.

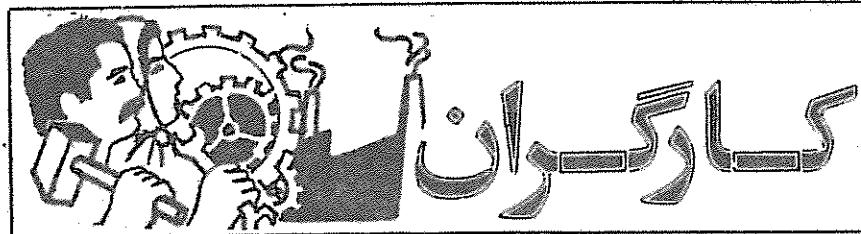
بدون تردید این انقلابی‌گری کاذب  
خرده بورژوازی علیه منافع طبقاتی کارگران و  
سرمایه‌داری ملی بوده و می‌تواند به وحدت خلق  
یعنی وحدت میان سه جریان اسلام مبارز، ملی  
گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی لطامت  
سنگینی وارد سازد و از طریق سوق دادن کشور  
بسمت سوسیال - امپریالیسم روس، استقلال

انقلابی این کشور تاسیس شود.  
سوسیال امپریالیست‌های روسیه هم علاوه بر این اتهامات با سر و صدای زیاد شروع به پخش  
شایعاتی در مورد تجاوز خرده‌های سرخ به ویتنام و کشت و کشتار مردم بی گناه و غارت و چپاول  
آنها در این منطقه کردند و باین طریق زمینه را برای تجاوزات بعدی خود و متحدینشان به ویتنام  
مهیا ساختند. آنها از طریق جاسوسان ویتنامی خود در مدت ۳ سال ۶ بار دست به کودتا در  
کامبوج زدند که همگی با شکست مواجه شد. به تحریک و تشویق و پشتیبانی سوسیال امپریالیست‌های  
روسیه، رویزیونیست‌های ویتنام در بهار و پائیز سال ۱۳۵۵ دو بار به کامبوج لشکر کشی نمود که  
هر دو به علت مقاومت سر سخاتنه خلق و ارتش کامبوج با شکست مواجه گشتند. و بالاخره دار و  
دسته برژنف - کاسیگین با سرازیر کردن سیل سلاح‌های مدرن به ویتنام و توسعه ارتش ویتنام  
از ۲ میلیون به ۶ میلیون نفر نیروی تجاوز گر ویتنامی را برای اشغال کشور کوچک کامبوج آماده  
کردند. روز ۱۲ آذر ۱۳۵۷ ویتنام "جبهه" متحد ملی برای نجات کامبوج " را بر رهبری جاسوس  
خود " هنگ سامرین " تشکیل داد و دو کشور روسیه و آلمان شرقی هم بلا فاصله آن را به رسمیت  
شناختند. سه هفته بعد یعنی در ۴ دی ماه ۱۳۵۷ ارتش ویتنام زیر پرچم قلبی "جبهه" متحد  
ملی برای نجات کامبوج " از سه طرف به خاک کامبوج هجوم برد. ( برای جزئیات بیشتر رجوع  
شود به "رنجبر" شماره ۳۴). دولت کامبوج که با ارتش کوچک خود قدرت مقاومت در مقابل  
سیل عظیم سربازان ویتنامی را نداشت بار دیگر شهرها را تخلیه کرد و به روستاها رفت تا با  
دست زدن به یک جنگ توده‌ای ارتش تجاوز گر ویتنام و روسیه را از خاک کشورش بیرون براند.  
این جنگ با وجود تمام کوشش‌های سوسیال امپریالیست‌ها برای سرکوبی خلق کامبوج بعد از گذشت  
بیش از ده ماه از آغاز آن هنوز با منتهای شدت ادامه دارد.

ما را به مخاطره جدی دچار نماید.  
این "رادیالیسم" کاذب که در بطن  
خود سازشکاری حقیقی با روسیه رانفته دارد  
اکنون بصورت یک انحراف جدی سیاسی در میان  
برخی نیروهای سیاسی، چه مذهبی و چه غیر  
مذهبی در آمده است که مبارزه جدی با آن یک  
شرط ضروری ادامه انقلاب و حفظ استقلال کشور  
است. این جریان انحرافی هم تحت چهره  
مارکسیستی، هم چهره اسلامی و هم چهره ملی  
گرائی بروز کرده است. شعارهای به اصطلاح  
رادیکال مشابهی که هم از سوی چپ‌نماها و  
هم از سوی انقلابیون خرده بورژوازی اسلامی  
علیه سرمایه‌داری ملی طرح می‌شود همسراه با  
سیاست تطهیر آشکار و پنهان ابر قدرت روس که  
از سوی هردو دسته دنبال میشود. بوجود یک  
انحراف واحد در این زمینه دلالت دارد. انحرافی که  
از تعلق به یک پایه طبقاتی واحد یعنی تعلق  
به خرده بورژوازی منشاء می‌گیرد.  
نتیجه عینی این سیاست، زدن بخشی

**ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید**

بانک ملی ایران  
تهران - شعبه خیابان ایران شهر  
به حساب بانکی زیروارز نمائید:  
شماره حساب ۴۵۳۶۸



# کارگران شیلات «آشوراده» چه میخواهند؟

خبرنگار رنجبرگزارشی از یکی از کارگاههای شیلات ناحیه گرگان تهیه کرده است که در زیر می خوانید :

کارگران شیلات این کارگاه به علت بی عدالتی ها و جپاولگریهایی که از طریق روسای این شرکت به آنها می شود، شدیداً ناراضی هستند و به شیوه های ضد کارگری که آنها اعمال می کنند و هنوز هم می خواهند به شیوه های فاسد رژیم گذشته در کارگاهها ادامه دهند ، تقاضای رسیدگی دارند .

کارگران ضمناً اسامی افرادی را که از زمان طاغوت و به قول کارگران از " فاسدان رژیم گذشته " هستند ، به ما داده اند که به نظر آنها باید هر چه زودتر پاکسازی گردند . چون اینها عامل اغتشاش و تحریک هستند .

کارگران در مورد اجحافات که از طریق سرپرست و مدیر عامل و دیگر مسئولین میشود شکایاتی به مقامهای مختلف ارسال داشته و حتی هشدار داده اند که ممکن است اعمال این افراد باعث اتفاقاتی شود . این افراد بجای رسیدگی به خواسته های به حق کارگران دست به کارهای خود سرانای می زنند و از جمله حکم اخراج نماینده سندیکای کارگران " رحمت الله اصغر پور " را که نماینده واقعی ۳۵۰ نفر کارگر این شرکت است صادر می کند .

اخراج " رحمت الله اصغر پور " هم درست به خاطر این است که او تصمیم می گیرد بهر قیمتی شده است به کمک دیگر کارگران حقوق از دست رفته آنها را از این مسئولین باز ستاند و عواملی را که در محیط شرکت اخلال می کنند پاکسازی نماید و مفسدین کارگاه هم چون مناقشان در خطر می افتد ، با نظر حسب زنی " اخلال گری " و " بر هم زدن نظم اداره " و ... حکم اخراج او را صادر می کنند .

در مورد اینکه کارگران چه می گویند و خواسته های اساسی آنها چیست با چند نفر از کارگران جزیره آشور آده گفتگو کردیم که در زیر خلاصه نظرات آنها را می خوانید . و ما هم مصرا از دولت می خواهیم که هر چه سریعتر به تمام خواسته های آنها به طور کامل رسیدگی نماید .

— عوض صادقی ( ۲۷ سال سابقه کار ، فرمانده مکانیک کرجی موتوری ) : " هنوز

— شیروبه عباسی ( شغل آتش کارگرمابه ) : " من ۱۵ سال هست که دارم کار می کنم و ۱۲ سال سابقه برای من گذاشته اند . برای این سابقه من ۶۰ تومن حقوق دریافت می کنم . ۸۰ سرعائله دارم . من با این ۶۰ تومن چکار کنم ؟ به هر کسی می گویم انگار نه انگار " .

— امامقلی بشیری ( ۱۹ سال سابقه کارگر کروی صید ماهی ) : " ما دو نفر هستیم یکی دیگر به نام " قدیر جعفری " که به خاطر اینکه به ما دستور داده بودند ماهی ۲۸۰ کیلوئی و ۲۵۰ کیلوئی را روی ماشینهای خارجی بار بزنیم و این کار را نکردیم ، بعداً متصدی صید کروی ما را تا ۶ ماه تنبیه کرد . در این ۶ ماه نه فوق العاده دادند نه اضافه کار ، حقوقمان را هم کسر کردند فقط به خاطر اینکه ما زیر بار زور نرفتیم و اعتراض کرده بودیم این کار برای ما سنگین است . تا به حال از قدیر جعفری ۲۸۰۰ تومن و از من ۲۲۰۰ تومن از حقوقمان کسر کرده اند . وقتی این پول را کسر کردند ما از متصدی صید به خاطر اینکه بتوانیم خرج خانه بدهیم ، ماهی ۲۵۰ تومن نزول گرفتیم و ماهی ۵۰ تومن هم نزول دادیم . من مجبور بودم این کار را بکنم و قدیر جعفری تا به حال ۱۲۵۰ تومن به او نزول داده و سفته های آن هست " .

— اسماعیل قربانیان ( ۱۵ سال سابقه تکنیسین برق ) : در مورد تقسیم خانه های سازمانی بی عدالتی شده است . یک درپ اطاق به من داده اند که دارای دو فرزند و به آینه آندان فکری نمی کنم . من آرزو دارم این بچه ها را سالم تحویل جامعه دهم . این اطاقی که بهم داده اند رطوبتی و نمناک هست . این اطاق آینده بچه هایم را به خطر می اندازد . قبل از من کس دیگری بچه اش روماتیسم قلبی گرفت . چندین بار به اداره اطلاع دادم لیکن توجهی نکردند . حال من با بچه هایم در این خانه نشسته ایم و در فکر آینده هستم که بچه های فلج به اجتماع تحویل دهم . استدعا دارم فکری به حال خانه های سازمانی شود ...

— براتعلی فیاضی گلستان ( ۲۰ سال سابقه سر آتش نشان ) : " معلوم نیست ما از نظر شغلی کارگریم یا کارمند . آمدند طرحی پیاده کردند که ما را از طرح طبقه بندی باین صورت جدا کنند که کارمند باشیم . در حالی که نه حکم کارمندی داریم نه تبدیل عنوان ، فعلاً بر سر دو راهی هستیم ، نه از مزایای کارمندی استفاده می کنیم نه از مزایای کارگری . اصلاً ما چنین تقاضائی نکرده بودیم که کارمند باشیم ، فعلاً ما را تحت فشار گذاشته اند که از حق قانونی خود صرف نظر کنیم . اینها می خواهند حکمی صادر کنند که از تاریخ ۵۸/۷/۱ ما را کارمند بشناسند ولی مزایای آنرا از تاریخ ۵۸/۱/۱ به ما بدهند . ما می گوئیم به ما سند بدهید به چه دلیل باید مزایای خود را ببخشیم . من ۲۰ سال دارم کار می کنم و ۱۲۰۰ تومن دارم حقوق می گیرم . مسئولین زیر بار قانون کشور نمی روند . ما وقتی جمعها کار می کنیم ۸ ساعت می دهند وقتی کار نمی کنیم هیچی نمی دهند . تقاضای ما این است طبق

— اسفندیار میرزائی ( مکانیک با ۲۷

## طبقه کارگر و امپریالیسم (۳)

مبارزه جدی با دولتهای امپریالیستی کشور خودشان نمی کنند .

بهر حال در بین همه آتیه های کاه غارت امپریالیسم ضرر می بینند ، به طبقات کارگر و دهقان کشور زیر سلطه و وابسته ، بیش از همه لطمه وارد می شود . چرا ؟ برای اینکه امپریالیسم وقتی می خواهد در یک کشور سرمایه گذاری کند یا مثلاً مواد خام آن کشور را استخراج بکند احتیاج به کسانی دارد که برایش کار بکنند . این افراد کس دیگری جز کارگران و دهقانان نیستند . البته کارگران و دهقانان به خاطر فقر حاکم بر مملکت و برای اینکه از گرسنگی نمیرند مجبور هستند برای امپریالیستها و سرمایه داران بیگانه کار بکنند و در مقابل ، مزد بسیار کمی دریافت دارند . تازه مزد نا چیزی هم که به کارگران داده می شود دوباره به جیب همان امپریالیستها بر می گردد . چرا ؟ برای اینکه اجناس مصرفی هم از طرف همین امپریالیستها وارد می شود و کارگران آنچه را که به عنوان مزد دریافت کرده اند باید بابت خرید این اجناس وارداتی و یا مونتاز به امپریالیستها پس بدهند .

از طرف دیگر برای اینکه امپریالیستها بتوانند اجناس مصرفی خود را وارد کنند ، کاری می کنند که کشوری که تحت تسلط آنهاست خودش نتواند این اجناس را تولید نماید . این کار صنعتگران و پیشه وران و خلاصه سرمایه داران ملی این کشورها را در فشار می گذارد و به آنها لطمه می زند . به همین دلیل است که بعضی از سرمایه دار های کوچک و متوسط کشورهای فقیر که به آنها سرمایه دارهای ملی می گوئیم ، با امپریالیسم مخالفتند و با آن مبارزه می کنند .

پس امپریالیستها نه تنها کارگران و دهقانان کشورهای تحت سلطه و وابسته ، بلکه تمامی خلقهای آن کشورها را مورد فشار و ستم و استثمار قرار می دهند . منتها بیش از همه این ستم و استثمار به طبقه کارگر و دهقانان وارد می شود .

ما در شماره های آینده عملکرد امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه را باز هم بیشتر توضیح خواهیم داد .

ما در دو شماره گذشته بعضی از خصوصیات امپریالیسم را به طور مختصر توضیح دادیم و فهمیدیم که امپریالیسم چیست . البته امپریالیسم خصوصیات دیگری هم دارد ، یکی از مهمترین خصوصیات امپریالیستها ، جنگ افروزی و بر افروختن جنگهای جهانی است . ما در شماره آینده درباره خصلت جنگ افروزی امپریالیستها بیشتر توضیح خواهیم داد .

اما حالا که مقداری از خصوصیات امپریالیسم را شناختیم ، خوبست درباره رابطه آن با استثمار شدید کارگران کشورهای وابسته توضیح بیشتری بدهیم .

### ۳- امپریالیسم و استثمار کارگران

گفتیم که یک کشور امپریالیستی مثل دوران استعمار قدیم خاک کشورهای دیگر را ظاهراً به خاک خود ضمیمه نمی کند . ولی بسا سرمایه گذاری های هنگفت در آن کشورها ، از مردم آن بهره کشی می کند و ثروتهای آنها را به یغما می برد .

این عمل امپریالیسم به تمام مردم یک کشور اعم از کارگر و دهقان و کاسب و پیشه ور و خلاصه به همه و همه ضرر می رساند . سرمایه دارهایی که می توانستند اجناس لازم را در کشور تولید کنند و رشکته می شوند یا زیر فشار قرار می گیرند . کسبه و پیشه وران خانه خراب می شوند و کارگران و دهقانان به صورت نیروی کار توسط امپریالیستها بکار گرفته می شوند و مورد استثمار و بهره کشی شدید قرار می گیرند . در این میان فقط تعداد قلیلی دلال که نفعشان فقط نوکری در خانه امپریالیسم است ، سود می برند و از آنچه که امپریالیسم غارت می کند سهمی هم به آنها می رسد .

آنها همان وابستان و نوکران داخلی امپریالیستها هستند . البته امپریالیستها با غارتی که از این کشورها می کنند یک رفاه نسبی برای کارگران کشورهای خودشان بوجود می آورند تا دهان آنها را ببندند . به همین علت هم هست که در بین کارگران کشورهای امپریالیستی اقشار نسبتاً مرفهی بوجود می آیند که روحیه مبارزه جویانه خود را از دست می دهند و

## چهارمین کنگره اتحادیه سازمان گسترش

طالبانی طی نمازهای جمعه مطرح کرده بود بنمایش درآمد و سپس پیام شرکت کنندگان از جمله پیام سندیکای بانکهای ملی شده و پیام تعدادی از اعضای شورای هواپیمائی ملی خوانده شد و تعدادی از شوراهای کارخانجات نیز پیام های خود را قرائت کردند بعد پیام نماینده سیمانری بود که در آن با تجزیه تحلیلی هشدار

در تاریخ ۵۸/۸/۱۹ چهارمین کنگره اتحادیه کارکنان سازمان گسترش صنایع ایران با حضور ۱۷۰ نماینده از ۲۸ واحد تولیدی و شرکت های تابع ، در تهران شروع بکار کرد . این کنگره بمدت سه روز ادامه داشته و در دستور کار خود ، تغییر اساسنامه بنحوی که با شرایط جدید تطابق داشته باشد و انتخابات شهابی مرکز و هیئت احاطه را قرار داد .

حواستهای آنها به طور ۵۰ درصدی تمایز ...  
عوض صادقی ( ۲۷ سال سابقه کار، فرمانده مکانیک کرچی موتوری ) : "هنوز معلوم نیست اداره شیلات در دست کیست صاحب آن کیست آیا در دست دولت های خارجی است؟ در قبال ۹/۵ ساعت کار ۸ ساعت دستمزد پرداخته اند ۲۷ سال که دارم کار می کنم اگر ۳۱ روز کار کنم حقوقم ۲۰۴۶۰ ریال است. امام می گوید همه باید یکسان باشند ولی چرا در مورد تبدیل عنوان رسمی شدن استخدام کشوری و غیره تبعیض قائل می شوند. به نظر می آید هنوز هم "تصیری" رئیس ساواک وجود دارد که این مسئولین چنین اجحافاتی را در حق ما میکنند آیا باید فرقی بین رژیم سابق طاغوتی با رژیم کنونی وجود داشته باشد یا نه؟ ما از کاغذ بازی خسته شدیم. بیائید به درد ما رسیدگی کنید ما نمی خواهیم در مورد "تبدیل عنوان" تبعیضات از بین برود. کلیه کارگران باید بدل گرمی کار کنند نه اینکه ناله کنند. ما ۱۲۰ نفریم که در مورد ما تبعیض قائل شده اند در حالی که هر کدام اگر کار نکنند خسارات زیادی به شرکت وارد خواهد آمد. عمر ما در این کارگاه تپاه شده است و هنوز هم حقمان را نمی دهند. تازه نماینده ما هم که میخواهد از مداخله کند او را اخراج می کنند. باور کنید اینها ضد انقلابند. همان کسی که با شاهپورها زد و بند داشت، الان هم سر کار است. ما در زمان طاغوت فحش می شنیدیم کتک می خوردیم ... ولی حالا در دولت اسلامی چرا؟ همیشه با تأخیر به ما حقوق پرداخت می کنند ... با تمام این حرفها ما را اذیت هم می کنند."  
— رمضان علی اشرفی ( دبیر سندیکا )  
" کارگرهای دائمی اینجا از ۲۰ سال به بالا سابقه دارند. هستند کسانی که ۳۰ سال کار کرده اند. مسئله ای که مورد اعتراض کارگران است طرح طبقه بندی است که کارگران قبول ندارند. اینها می خواهند استخدام کشوری گردند. این طرح آن چنان قلابی است که موجب شده حتی عده ای به شرکت بدهکار گردند و از حقوقشان کسر گردیده است. در این مورد ما به مدیر عامل هم تذکر دادیم و گفتیم این چنین تبعیضات در میان کارگران ممکن است درگیریهائی بوجود آورد. چطور ممکن است نگهبان و کارگرهای معمولی از مزایای استخدام کشوری استفاده کنند ولی کارشناسان و متخصصین فاقد آن باشند. مدیر عامل می گوید که من بودجه ندارم در صورتی که اشخاصی که در ۱۵ یا ۲۰ سال پیش زدی می کردند و بیرون رفته بودند مجدداً راس کارها گذاشته شده اند. باین افراد پامه های عقب افتاده استخدامی و ۴۰ هزار تومن ما به التفاوت دادند. وقتی سر یک سفره هستیم وقتی عذائی وجود دارد باید برای همه باشد. خواست کلی ما همان تبدیل عنوان و به استخدام

کار و ۲۰٪ می باشد در حالی که اگر بخواهند حق را بدهند خیلی بیشتر از اینها میشود."  
— اسفندیار میرزائی ( مکانیک با ۲۷ سال سابقه ) : " چرا چنین حق کشی در حق ما می کنند؟ چرا زیر دستمان ما باید گروه ۶ باشند و من گروه ۵ باشم؟ من اگر فلج یا بیمارم هر چه هستم، در این اداره هستم. اگر خلاف دارم بگویند. درست است که یارتی نداشتم ... آقا طرح طبقه بندی آنها قلابی هست باید رسیدگی شود."  
— علی جهانی ( ۱۲ سال سابقه، فرمانده بالکاز ) : " اعتراض من این است که چرا کارمندی که با داشتن چندین ساختمان در بندر ترکمن و جاهای دیگر که آجاره می دهند، از ساختمانهای شیلات استفاده می کنند. این ساختمانهای بیت المال باید در اختیار کسانی قرار بگیرد که خانه ندارند و مستاجر هستند. خانه هایی که در شیلات به کارگران داده اند نه آب دارد نه برق حتی سقف آن را با نایلون پوشانده اند. هر دفعه که باران می بارد ما در وسط اطاق چندین سطل و لگن می گذاریم ... خانه هایی که در اختیار کارمندان گذاشته شده با این که مرفه هستند ماهی ۱۵۰ تومن میدهند در حالی که ما کارگران ۳۰۰ تومن آجاره می دهیم چرا؟  
— حسن حسین دوست ( ۱۷ سال سابقه ) :  
" ۱۰ ماه هست که مشاغل بندی را مطرح کرده اند. هنوز معلوم نیست اینها دارند چکار می کنند. بابت این طرح دو ماه هست که حقوقم را کسر کرده اند. آیا در این شرایط باید حقوقها را اضافه کرد یا کسر؟  
شغل سازمانی مرا مشخص کنید."  
— حسن محمدی ( ۶ سال سابقه کسک خاویار ساز ) : " شب و روز در صد گاه هستم. برای ما جمعه و شنبه ندارد. همان حقوق ثابت را به ما می دهند. ۸ الی ۹ نفر در یک منزل زندگی می کنیم. این خانه ها اصلاً تعمیر نمی شود. نه فوق العاده می گیریم، نه اضافه کار."  
— ابراهیم استان : " آقایان دبیر سندیکا نماینده ما هستند. خواسته اند رئیس را باز خرید کنند. کدام قانون گفته نماینده کارگران باید باز خرید شود؟ نماینده کارگران حق دارد از حقوق ما دفاع کند. بچه دلیل تصمیم گرفته اند او را بیرون کنند؟"  
— اعظم پایرامی : " من با اینکه حکم رسمی دارم و شغلم لوله کش هست به من زور می کنند که باید کمک آهنگری راهم انجام دهی. مگر یک کارگر چند شغل باید داشته باشد؟ کاری که من نمی دانم چرا زور می کنند باید انجام دهم؟ آیا اگر خطری صورت گیرد آنها به عهده می گیرند؟ هم اکنون خیلی از کارگران هستند که علاوه بر شغل خود شغل های دیگر را هم انجام می دهند."

— سون سوری روست : " وسی جسد در می کنیم ۸ ساعت می دهند وقتی کار نمی کنیم هیچی نمی دهند. تقاضای ما این است طبق مقررات استخدام کشوری اقدام کنند."  
— نعمت الله احمد حصار ( ۱۸ سال و ۶ ماه سابقه - نگهبان ) : " ۲۰۰ تومن دارم حقوق می گیرم، ۸ سر عائله دارم. خانواده ام در نهران هستند و خودم در اینجا دارم کار می کنم. مگر من چقدر حقوق می گیرم که باید دو جا خرج بپردازم؟ آقا در واقع اینها دارند به ما ظلم می کنند. تمام این چیزهایی که همکارانم گفته اند صحیح است و آنها باید رسیدگی کنند."  
— یوسف مددی : " ۶ سال دارم کار می کنم و ۹۵۰ تومن حقوق می گیرم. شغل من معلوم نیست چیست. همه جور از من کار می کشند. کارهایی که از من می کشند، کسک نجار - جوشکار - بنا - حلب سازی - لوله کشی ... مرا یک جا بگذارند که چیزی یاد بگیرم. در این مدتی که کار کرده ام هیچی کار یاد نگرفته ام. ما حتی مجبوریم کارهای منزل کار فرما را هم انجام دهیم چرا؟ این چه وضع کارگری است؟ این بیگاری است. آخر شما بگویید با ۹۵۰ تومن حقوق چکار کنم؟"  
خواسته های کلی کارگران شیلات اینها هستند که باید هر چه سریعتر اقدام شود:  
۱ - پرداخت چهار صد ساعت اضافه کار که طبق مدارک موجود است. از تاریخ ۵۷/۷/۱ اضافه کار را روی حقوق ۴۰ ساعت برده اند در حالی که کارگران اضافه کار می کرده اند.  
۲ - پرداخت ما به التفاوت اضافه کار.  
۳ - پرداخت ۲۶۷ ریال اضافه حقوق طبق بخشنامه به کلیه کارگران - این مبلغ به کارگران سراسر ایران پرداخت شده است.  
۴ - پرداخت مزایای شغلی به کارگران.  
۵ - پرداخت ما به التفاوت حق اولاد به کارگران.  
۶ - پرداخت ۲۰٪ سختی معیشت و بدی آب و هوا بر مبنای حقوق دریافتی.  
۷ - پرداخت حق نوار مرزی - این حق به بندر ترکمن - گمیشان - خواجه نفس - کرد کوی پرداخت می شود در حالی که در اینجا یعنی آشور آده پرداخت نمی شود.  
۸ - افزایش دستمزد کارگران از اول مهر ماه ۵۷ ( ۷۵۰۰ ریال ) به استناد تصویب نامه ۷۴۶۲۶ - ۵۷/۷/۲۵ هیئت وزیران دستور شماره ۱۳۸۸۴ - ۵۷/۷/۲ که در سراسر کشور به کارگران پرداخت شده است. مسئولین این جا از پرداخت این حق خود داری می کنند.  
۹ - رسیدگی به حقوق کارگران فصلی ( ۱۲۰ نفر ) که ۴۰ روز در سال حق مسلم آنها از بین می رود.  
بقیه در صفحه ۶

دستور کار خود، تغییر اساسنامه بنحوی که با شرایط جدید تطابق داشته باشد و انتخابات شورای مرکزی و هیئت اجرایی را قرارداد. کنگره با سخنان دبیر اتحادیه آغاز شد و سپس پیام یکی از کارگران تیریز قرائت شد. این کارگر به تشکیل چهارمین کنگره و علاقه آیت الله طالقانی به ایجاد شوراها اشاره کرده و از اشغال سفارت آمریکا بوسیله دانشجویان خط امام پشتیبانی نمود. و از تمام برادران شرکت کننده درخواست کرد که با شور انقلابی از اقدام دانشجویان پشتیبانی کرده و اشاره کرد که وظیفه کنونی ما ایجاد اتحادیه است تا بتوانیم بدین ترتیب دین خود را به مستضعفین ادا نمائیم. سپس با یک سرود انقلابی و با نشان دادن اسلاید کوشش ضد تضاد بین زندگی زحمتکش و زندگی سرمایه داران به نمایش گذارده شود. این اسلایدها همزمان با سخنانی که آیت الله

### ضد انقلاب را...

انقلاب از طریق دریا به این کشور فرار کرده اند اصولاً ساواک منفور در کشور کویت بطور سنتی نفوذ داشته بطور مسلم سازمان امنیت و پلیس کویت با ساواک زمان رژیم همکاری فشرده و نزدیک داشتند و حتی در بعضی موارد در هم ادغام شده بودند. عباس شهرپاری مرد هزار چهره ساواک و حزب توده سالها در کویت بود و یک شبکه ساواک را در آنجا رهبری میکرد آنها با راهکارگران مبارز ما را دستگیر و شکنجه کردند و یا به ساواک ایران تحویل دادند. نمونه آن در آبان ماه گذشته پلیس ارتجاعی کویت با همکاری ساواک منفور عده ای از کارگران مبارز ما را به جرم خواندن "نشریه ستاره سرخ" دستگیر و شکنجه کردند که در ستاره سرخ آن موقع درج شد. رژیم کویت بخاطر هم ارباب بودنش با رژیم شاه، خود یک متحد شاه بود.  
یکی از افراد معلوم الحال به اصطلاح ایرانی الاصل محمد قیازرد است که با اختیار نخست وزیر مخلوع نسبت دارد و اینطور که گفته میشود بختیار به هنگام فرار از ایران دو هفته را در خانه او گذرانده است. ایشان هم اکنون به اتفاق همدستانش و با پشتیبانی سازمان امنیت کویت به تبلیغات و شایعه پراکنی علیه دولت اسلامی ایران و رهبری پرداخته و با پخش اعلامیه های دروغین و شایعات بی اساس در میان کارگران به بی اعتبار ساختن انقلاب ما می پردازند. آنها به اصطلاح گروهی راجع تحت عنوان ( آزادخواهان شاه دوست ) تشکیل داده اند و با پخش اعلامیه هایی که در خود کویت چاپ میشود بی شرمانه ترین برجسیها و هرچه که به خود و اربابانسان میچسبد تثار رهبری انقلاب و انقلاب ایران میکنند. آنها را

های خود را قرائت کردند بعد پیام نماینده سیمانری بود که در آن با تجزیه تحلیلی هشدار میداد که باید توطئه های ابرقدرتها را خفنی نمود.  
هیئت اجرایی سومین مجمع توضیح دادند که کوشش اتحادیه بر این بود که از ایجاد درگیری با دولت جلوگیری بعمل آورد و تنها از طریق اعلامیه و بخشنامه و تماس با مقامات دولتی مسائل خود را مطرح کند. در مجموع جو حاکم در اتحادیه حاکمیت شوراها بر امور مربوط به تمام شئون مملکتی بوده و کلیه نمایندگان پیامها و سخنان خود را با پشتیبانی قاطع از رهبری امام ایراد میکردند.  
ما موفقیت کنگره را در جهت ایجاد اتحاد و تشکل بیشتر میان کارکنان سازمان گسترش آرزو می کنیم.

قوم و خویش بودن و ناگاه بودن بعضی از کارگران بختیاری با بختیار مخلوع سوء استفاده میکنند و آنها را برای پخش اعلامیه و پخش شایعات مورد استفاده قرار میدهند.  
هم اکنون عده زیادی از کارهای شاه و ساواکیها در کویت بسر میبرند و به قرار اطلاع کویت برای اینها گذرنامه صادر کرده که بتوانند از دانه همه جارت و آمد کنند. پس از افشاگریهای نماینده مهری ایشان را از کشور کویت اخراج کردند. در مرزهای این کشور ایرانیان را به سختی تفتیش میکنند بطوریکه نامه هارام باز کرده و کنترل میکنند. نوار و هرگونه روزنامه و بسته های راجع تحت عنوان تجسس از مسافران میگیرند. چند روز پیش پلیس همه عکسهای ما مآخیزان را از روی دیوارهای دکانهای ایرانیان پانچین آورد. در اداره های کویت به بهانه هایی مختلف هموطنان ما را سر میدوانند. بهر حال آنچه گفتیم شمای از اوضاع موجود در کشور کویت بوده ولی بیائید بررسی کنیم چرا چنین است. البته این عوامل سرسپرده کوچکترازند که انقلاب را به شکست کشانند ولی بی تاثیر هم نیستند. عکس شاه را بردیواریدیم. آنها اصولاً عکس العمل در مقابل این تهمت و برجسیها توسط ضد انقلاب نشان نمیدهند و نسبت به انقلاب دلسردی دارند. راستی چرا چنین است؟ ما در زیر به علل آن اشاره میکنیم.  
۱ - اختلال امیرالایسم آمریکا توسط دولت مزدور و پس مانده های ساواک منحل در ایجاد این وضع تأثیر شدید دارند.  
۲ - عواملی که خود دولت جمهوری اسلامی مسئول آن هستند به قرار زیر است:  
الف - دستگاههای خبری ایران یعنی رادیو تلویزیون منعکس کننده اوضاع درون ایران نیستند و اطلاعات و اخبار و انعکاس انقلاب ایران را به شکل قانع کننده ای نمیدهند.  
بقیه در صفحه ۷



# رویدادهای جهان



مصاحبه با

## نماینده جنبش آزادبخش خلق اریتره (۵)

ادامه مصاحبه خبرنگار رنجبر با رفیق "عمد میکائیل گاهسی" مسئول روابط خارجی "جنبه آزادبخش خلق اریتره" در اروپا

س. تضادهای درون جنبه دشمن وعلل آنرا شرح دهید.

ج. جنبش مقاومت اریتره نقش بسیار مهمی را در سرنگونی رژیم هایلاسلاسی در ۱۹۷۴ بازی کرد زیرا جنگ تضادهای درونی رژیم هایلاسلاسی را تشدید نمود. جنبش مقاومت به همراه جنبش تودم ای درونی اتیوپی رژیم را سرنگون کرد. هم اکنون رژیمی بر سر کار است که تمام منابع اقتصادی کشور را در راه جنگ در اریتره صرف میکند. هنگامیکه میلیونها نفر کار ندارند، زمانیکه چهار میلیون نفر بخاطر قحطی در حال مرگند (این خبر یکماه و نیم پیش به ما رسید). رژیم چاره ای ندارد جز اینکه تمام امکانات خود را برای ادامه جنگ به خدمت بگیرد. مثلا "بانکها و کارخانهها را بخاطر نظارت و کنترل مستقیم خود" ملی میکند، مالیاتها را افزایش داده و از دهقانان بهره و مالیات زیادی دریافت می نماید تا جنگ را در اریتره جلو ببرد. ولی با تمام این تلاشها اکنون دیده میشود که مساله اریتره حل نشده حتی منگستبو هم مجبور به اعتراف شده که این مساله حل نشده است.

پنجمین تهاجم رژیم اتیوپی که با کمک کادروهای ورزیده جنگی همراه بود با شکست روبرو شد و دو نفر از کلتلهای استراتژیست رژیم نیز کشته شدند. رژیم نیروهای شبه نظامی جدیدی را بسیج کرد. با آنها گفته شد که به اریتره میروید تا با ستجاوزین عرب بجنگید و در عرض یکی دو ماه تمام خواهد شد. چرا این دروغ بزرگ را با آنها گفتند؟ زیرا که این شبه نظامیان هیچ منفعتی در این جنگ نداشته و ندارند. حال پس از یکسال سربازانی که در اریتره هستند بخوبی مشاهده می کنند که حتی به حداقل اهداف گفته شده یعنی بدست آوردن شهرها نیز نایل نیامده اند. هنوز "ناکفا" مرکز استان ساحل و "کالورا" شهر مرزی در دست ما هستند. تمام کوشش های آنها برای بدست آوردن مجدد "ناکفا" با شکست مواجه شد. وهم اکنون مقاومت شدیدی در میان سربازان بوجود آمده و رژیم مجبور است تنها از طریق ایجاد اختناق و نظایب فاشیستی و کشتن سربازان آنها را وادار به ادامه جنگ کند، زیرا آنها معتقد شده اند که ادامه این جنگ بی فایده است.

تضادهای دیگر نیز موجود هستند. مثلا "تضاد بین حقوق شبه نظامیان و ارتش منظم و سربازان

# وحدت اسلام مبارز و سوسیالیسم انقلابی

افغانستان



خبر ایجاد جبهه های از وحدت چند سازمان و گروه از مسلمانان مبارز و کمونیستهای واقعی

در افغانستان، توسط نسریه " سوم عرب " ارگان مرکزی سازمان عمومی محصلان افغانی در خارج از کشور و همچنین از طریق یک خواننده افغانی بدست ما رسیده است.

این جبهه، به نام " جبهه مبارزین مجاهد افغانستان " که در تیر ماه سال جاری با انتشار یک پلا تفرم وجود خود را اعلام داشت، متشکل از سازمانهای زیر می باشد:

- ۱- حزب حرکت انقلاب اسلامی
- ۲- جمعیت دفاع از اسلام
- ۳- سازمان الجهاد
- ۴- سازمان نجات ملی
- ۵- گروه انقلابی خلقهای افغانستان

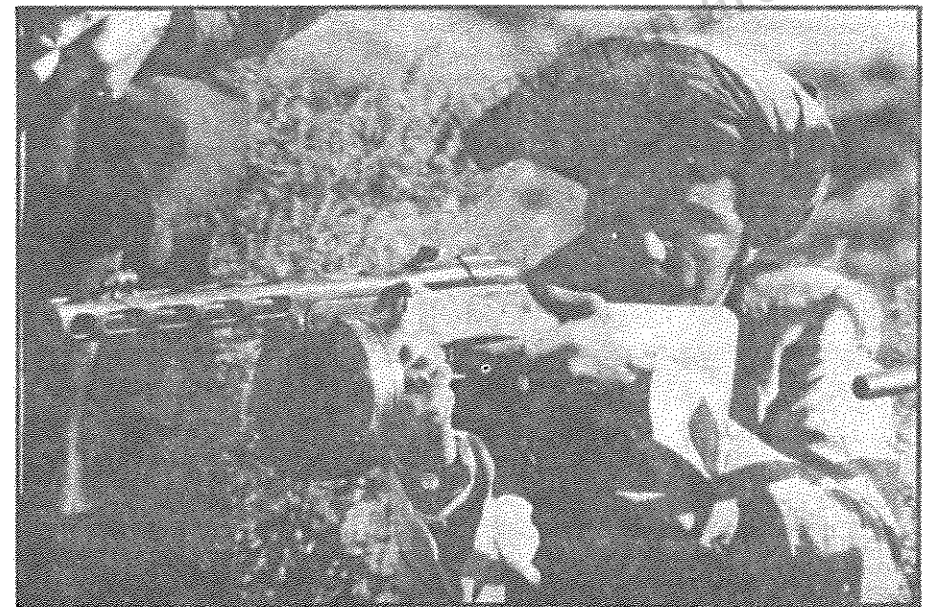
آرم چاپ شده در فوق، آرم این جبهه است.

" جبهه مبارزین مجاهد افغانستان " با مواضع قاطع علیه ابر قدرتها، خواهان جمهوری اسلامی افغانستان مستقل و آزاد بوده و بر

وحدت رزمندهی مردم تمام ملیتهای افغانستان و نیروهای مبارز اسلامی و ملی گرا بوده و "گروه وظیفه خود را در لحظه کنونی جنگ مقدس میهنی بر ضد روسها قرار داده است.

پنج سازمان متشکل در این جبهه از نیروهای مبارز اسلامی و ملی گرا بوده و "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" سازمانی است معتقد به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ماوتسه دون که در سال ۱۳۵۲ از کمونیستهای انقلابی افغانستان در جریان مبارزه بر علیه روزیونیسم تشکیل شده است.

وحدت این سازمانهای انقلابی که در زیر ضربات دشمن مشترک و در صحنه مبارزه ایجاد گشته وحدتی راستین است. شکی نیست که ایجاد این جبهه از گامهای نخستین است در جهت ایجاد وحدت سراسری کلیه نیروهای که با موضع قاطع علیه ابر قدرتها، برای استقلال افغانستان مبارزه می کنند.



## یک اقدام ضد سلطه جوئی دو ابر قدرت ایجاد خبرگزاری اسلامی

خبرگزاری های امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی چون رویتر، آسوشیتد پرسی، یونایتد پرسی و تاس و ... می باشد.

خبرگزاریهای فوق همیشه به دلخواه خود

در روز شنبه ۵۸/۷/۲۸ کنسره خبرگزاریهای کشورهای اسلامی منطقه با شرکت نمایندگان ۲۴ کشور یمن شمالی، لبنان، یمن جنوبی، موریتانی، تونس، سومالی، مغرب،

## روزی ۸ میلیون

داد نابرابر و غارتگرانه فروش گاز به شوروی ( که در زمان رژیم وطن فروش شاه بسته شد ) نبودیم، روزانه معادل ۷ میلیون تومان بیشتر به خزانه مردم ستمدیده ما واریز میشد.

در مقابل این غارت بزرگ گاز، سوسیال - امپریالیستهای شوروی کارخانه ذوب آهن اصفهان را به ما تحمیل نموده اند و همانطوریکه شماره قبلی توضیح دادیم این کارخانه معادل روزی بیش از ۱ میلیون تومان ضرر میدهد که باید از بیت المال ملت برداشته شود.

حال روشن است که چه کسی از این معامله سود میبرد و چه کسی غارت میشود. معامله اسارت بار و غارتگرانهی گاز - ذوب آهن بمعنای روزی ۸ میلیون تومان غارت ملی ما و سرازیر شدن آن به جیب سوسیال - امپریالیستهای شوروی است و چقدر خائنه است وقتیکه این جها نخواران بین المللی که دستشان تا مرفق بخون خلیجهای ستمدیده و منجمله خلقهای برادر افغانستان آغشته است، بیشرماندهم از "دوستی" با ملت و انقلاب ما میزنند و چقدر افشاگرانه است زمانیکه دارودسته کمیته مرکزی حزب توده دم از "مبارزه ضد امپریالیستی" میزند اما در مقابل این غارت بزرگ نفسش از سینه بیرون نمیاید. تعجبی نیست چه، این دارودسته مدافع امپریالیسم غارتگر روس در میهن ما است. بعلاوه چقدر بیشرمانه است وقتیکه این دارودسته قراردادها و روابط اقتصادی هم نوع و هم ماهیت این قرارداد گاز - ذوب آهن را بعنوان " رشد مستقل اقتصادی " معرفی میکنند در مقابل شعار بویدر، وابستگی، آمریکا، شعار وابستگی به روس

شده اند که ادامه این جنگی فایده است .  
تضادهای دیگر نیز موجود هستند . مثلا "تضاد  
بین حقوق شبه نظامیان و ارتش منظم و سربازان  
عادی . آنها تکیه نقشی در سرنگونی رژیم  
داشتند اولین خواستشان بهبود وضع زندگی  
دهقانان و زحمتکشان اتیوپی بود همچنین خواست  
افزایش حقوق برای خود را هم داشتند . به همین  
دلیل حقوق آنها از ۴۰ دلار اتیوپی در ماه ،  
به ۱۲۰ دلار اتیوپی ( هر دلار اتیوپی معادل ۶  
دلار آمریکائی است ) افزایش یافت در حالیکه  
حقوق شبه نظامیان که عمدتا " از دهقانان فقیر  
تشکیل شده اند از ۲ دلار اتیوپی تجاوز نمیکند .  
این شبه نظامیان نیروهای جلودار ارتش هستند  
بیشتر آنها در درگیریها و جنگها کشته می شوند .  
تضاد بین افسران و سربازان نیز بخاطر تشدید  
جنگ در اریتره در حال رشد است .

سربازان در ساحل ازن دستور منگستو در پنجمین  
تهاجم علیه اریتره سربچی کردند مدت ۳ ماه  
این دستور اجرا نشد . به همین خاطر در ژوئن  
گذشته جلسهای از کادرها ترتیب داده شد که  
در آن گروهی معتقد بودند تنها راه حل ، دادن  
استقلال به اریتره میباشد . عده ای معتقد بودند  
با کشورهای آفریقائی مذاکره شود تا مساله اریتره  
را در " سازمان وحدت آفریقا " طرح و راه حل  
فدراتیو برای آن پیدا کنند . ولی گروه منگستو  
که اکنون تمام قدرت را در دست خود متمرکز

### ● تهاجم شوروی ..

اما ایران چه خواهد کرد ؟ تمام مساله  
در همین جا است . ایران در مقابل با شوروی  
به غرب تکیه نمی کند و به شرق نیز نمی خواهد  
وابسته شود . و این برای استراتژی تهاجمی  
شوروی قابل تحمل نیست .  
کرملمین از زبان دار و دسته کیانوری به  
طور روز مره خشم و انزجار خود را نسبت به

وجود داشت و مبرزه مسخه ای را در سرزمین  
۱۹۶۲ سازمان دادند . رژیم های سلاسی همان  
سیاستی را که در اریتره بجلو میبرد یعنی سیاست  
" زمین سوخته " ، کشتن احشام و از بین بردن  
دهکده ها و ... را نیز در آنجا بکار برد این  
جنبش ضد فئودالیهای " اممارا " بود ، چون  
فئودالها از ترس جنبش دهقانی محل خود به  
این قسمت هجوم آورده و زمینهای دهقانان  
این قسمت را تصاحب کرده بودند . بخاطر روشن  
نبودن سیاست این جنبش ، پس از مدتی شکست  
خورد ولی اکنون تجدید سازمان داده و " جبهه  
آزادبخش ارومو " را تشکیل داده اند . رابطه ای  
بین آنها و " جبهه آزادیبخش خلق تیگرای " موجود  
است .

جنبشهای دیگری هستند مانند " جبهه  
آزادبخش سومالی غربی " که در منطقه وگادن  
عمل می کند ، و همچنین " حزب انقلابی خلق  
اتیوپی " است که بخاطر تمرکز در شهرها و هجوم  
رژیم بسیار ضعیف شد ولی هم اکنون فعالیتهای  
نظامی خود را در بخش غربی کشور سازمان داده  
و علیه رژیم میجنگد . می توان گفت که جنبش  
مقاومت اریتره و تمام این جنبشها و تضادهای  
درونی رژیم و غیره ... همه به رژیم اتیوپی  
ضربه می زنند لذا تنها امکانی که برای رژیم  
باقی میماند اینست که به نیروهای خارجی مثل  
شوروی تکیه کند .

سیاست " نه شرقی ، نه غربی " جمهوری اسلامی  
ابراز می کند . کرملمین برای به زانو در آوردن  
جمهوری اسلامی به تحریکات مکرر در شرق و  
شمال و غرب و جنوب دست زده و می زند .  
ترکمن صحرا ، کردستان ، خوزستان صحنه های  
بروز پی در پی تصادمات خونین بوده اند ،  
تصادماتی که در همه آنها دست عمال و  
متحدین شوروی به وضوح مشهود است . عراق  
با حملات مکرر به مرز ایران و پناه دادن سران

ایجاد انبارهای اسلحه در یمن جنوبی ( علاوه بر انبارهای اسلحه واقع در  
لیبی برای تجاوزات منطقه ای .  
استقرار زیر دریائی های هسته ای روسی در آبهای یمن جنوبی و استفاده از بنادر  
آن .

### در افغانستان :

در تاریخ ۱۳ آبان ، طبق خبر دیلی تلگراف لندن ، ۲۰ گردان سرباز روسی ( هر  
گردان معمولا حدود ۵۰۰ نفر است ) وارد خاک افغانستان شدند تا از " پایگاههای شوروی  
در مقابل حملات چریکهای مسلمان حفاظت کنند " . این تعداد سرباز به چند هزار نفر  
منتشار روسی و کویاکی در افغانستان اضافه می شوند .

### فعالتهای " دیپلماتیک " شوروی و عمال آن :

در تاریخ ۵۸/۸/۱۲ خبرگزاری فرانسه از هاوانا اطلاع داد که به زودی فیدل  
کاسترو به پنج کشور عربی سفر می کند . این پنج کشور عبارتند از : الجزایر ، لیبی ، عراق ،  
سوریه و یمن جنوبی .  
دکتر یزدی در بازگشت از جشن استقلال الجزیره اعلام نمود که به زودی ژنرال  
جباب به ایران خواهد آمد .

خبرگزاریهای کشورهای اسلامی منطقه با شرکت  
نمایندگان ۲۴ کشور یمن شمالی ، لبنان ، یمن  
جنوبی ، موریتانی ، تونس ، سومالی ، مغرب ،  
کویت ، اردن ، لیبی ، عراق ، بنگلادش ،  
الجزیره ، پاکستان ، اندونزی ، امارات عربی  
متحده ، سوریه ، قطر ، ... و مقامات خبرگزاری  
فلسطین و فآ ، خبرگزاری بین المللی اسلامی و  
فدراسیون سازمانهای خبری عرب در استانبول به  
میزبانی خبرگزاری " اناتولی " ترکیه به مدت یک  
هفته برگزار شد .

وزیر اطلاعات و جهانگردی ترکیه به  
مناسبت کتابش اجلاس کنفرانس طی سخنرانی  
خود ، خبرگزاریهای بزرگ بین المللی را متهم  
کرد که در گزارشهای خود بر علیه کشور های  
اسلامی تبعیض روا داشته و اخبار این کشور ها  
را به طور ناقص پخش می کنند و وقایع و حوادث  
مهم اجتماعی آنان را نا دیده می گیرند .  
همچنین در کنگره مطرح شد که کوششی جدی  
به عمل آید تا به جای خبرگزاریهای  
بین المللی ، منابع خبری منطقه تقویت شده  
ایجاد یک شبکه خبری متشکل از کشورهای شرکت  
کننده برای مقابله با گزارشهای خبری سازمانهای  
خبری امپریالیستی خواسته شد .  
برگزاری این کنگره اولین قدم در جهت  
تشکل خبری و اطلاعاتی جهان سوم و مقابله با

مزدور " حزب دمکرات " در این کارزار  
فعالانه شرکت می کند . دار و دسته ترکیه -  
امین بر تهدیدهای خود علیه ایران پیوسته  
می افزاید . در بلوچستان زمزمه های شومی از  
بر پا شدن آتش بلوای جدیدی خبر می دهند .  
ایران حلقه ای است که باید بشکند تا  
دست و بال شوروی در منطقه کاملا باز شود .  
برای شکستن این حلقه باید انقلاب راشکست .  
باید طلسم " نه شرقی ، نه غربی " راشکست .  
باید امام خمینی و خط استقلال طلبانه ضد دو  
ابر قدرت او را شکست ، تحریف کرد ، قلب  
ماهیت داد . بدین منظور ، سوسیال امپریالیسم  
و عمال او که از تحریکات خونین خود در مناطق  
مختلف کشور بهره چندان بهره اند . ( مگر  
در کردستان که مذاکره با مزدوران خود را به  
دولت تحمیل کرده اند ) ، در جبهه سیاست و  
ایدئولوژی به تکاپو افتاده اند تا مگر از موج  
خشم به حق جوانان و توده های مردم ما علیه  
امریکا سوء استفاده کنند . آنها ابلهانه  
پنداشته اند که می توانند با بهره گیری از  
انحرافات در صف بعضی از نیروهای خلقی تحت  
پوشش دفاع از طرفداران " خط امام " مبارزه ضد  
امپریالیستی و استقلال طلبانه مردم ما را از  
محتوی واقعی خود تهی کرده و بدان فقط رنگ  
ضد امریکائی بخشیده و بدین ترتیب راه را برای  
نفوذ و سلطه سوسیال امپریالیسم روس هموار  
نمایند .

در شرایطی که خطر تجاوز و تهاجم مستقیم

امپریالیستی چون رویسر ، سوسیالیست ،  
یونایتد پرس و تاس و ... می باشد .  
خبرگزاریهای فوق همیشه به دلخواه خود  
بر پایه منافعشان اخبار و وقایع را تحریف یا  
منتشر کرده اند . مثال زنده آن در مورد ایران  
می باشد . از آنجا که در رژیم فاشیستی شاه  
مخلوع ، منافعشان در ایران تا مین می شد ، پس  
از انقلاب شکوهمند ایران به دلیل به مخاطره  
افتادن این منافع ، اخبار و وقایع را وارونه  
جلوه می دهند . نمونه های دیگر را در مورد  
مبارزات خلقهای افغانستان ، کامبوج ، فلسطین  
و دیگر کشورهای جهان سوم می توان دید .  
در صورت تحقق یافتن ایجاد شبکه خبری  
کشورهای اسلامی ، منطقه افکار عمومی جهان  
بیشتر با حقایق و واقعیات این کشور ها آشنا  
خواهد گشت .

هر چند که در میان کشورهای شرکت کننده  
در این کنگره هستند دولتهایی که در زمینه های  
مختلف به این یا آن ابر قدرت وابستگی دارند  
و بر ملت خویش ستم می کنند ، اما علیرغم  
اینها ، اتحاد در زمینه ایجاد یک خبرگزاری  
مستقل ، از طرف دولتتهای کشور های فوق  
عمل مثبت خود را نشان می دهد و مبارزه ایست  
بر علیه انحصاری بودن بنگاه های خبری  
امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی .

و غیر مستقیم شوروی و عمال وی این چنین  
میهن ما را تهدید می کند ، آیا هنوز می توان  
امپریالیسم امریکا را به تنهایی دشمن اصلی  
ایران تلقی کرد ؟ در چنین شرایطی که در بالا  
شرح آن رفت ، آیا مبارزه علیه ابر قدرت امریکا  
که مبارزه ای است کاملا به حق و ضروری ، میتواند  
بدون مبارزه علیه رقیب نیرومند و مهاجم آن یعنی  
ابر قدرت شوروی ، به ثمر رسد ؟ روشن است که  
خیر .

خلقهای میهن ما انقلاب خود را در  
مبارزه علیه همه قدرتهای سلطه گر بیگانه و به  
ویژه علیه دو ابر قدرت جهانخوار ، امریکا و  
شوروی ، به پیروزی رسانده اند . اکنون نیز که  
پیروزی مرحله ای کسب شده ، هنوز تا کسب  
استقلال کامل سیاسی اقتصادی راهی بس طولانی  
و دشوار در پیش روی خود دارند ، راهی که جز  
باتعقیب قاطعانه متنی مبارزه استقلال طلبانه  
علیه هر دو ابر قدرت ، پیرومن آن ممکن نیست .  
مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم نه یک  
زائده بی اهمیت مبارزه علیه امپریالیسم  
امریکا ، بلکه یک ضرورت حیاتی مبارزه ضد  
امپریالیستی است . هر گونه کم بها دادن به  
این امر حیاتی و یا بدتر از آن مدارا جویی در  
قبال ابر قدرت شوروی ، بی تردید مصائبی را  
به دنبال خواهد داشت که در گذشتهی نهضت  
مکررا شاهد آن بوده ایم .

این قرارداد گاز ذوب آهن را بتوان رشد  
مستقل اقتصادی " معرفی میکنند در مقابل شعار  
بریدن وابستگی امریکا ، شعار وابستگی به روس  
و دفاع از اینگونه روابط غارتگرانه را میدهد .  
مردم میهن دوست و استقلال خواه ما خواهان  
پایان دادن به این غارت دوجانبه و عظیم اند .  
ما از شورای انقلاب و مسئولین شرکت ملی گاز  
میخواهیم که هر چه زودتر نسبت به تجدید  
نظر در قرارداد غارتگرانه گاز اقدام کنند و  
راههای جدیدی را برای قطع وابستگی و فروش  
انحصاری به امپریالیستهای روسیه جسته و گاز  
ما را با ابتکار عمل در بازارهای بین المللی به  
فروش رسانند .

## ● رشد دامداری

بنیادی در سیاستهای پیشین صورت گیرد .  
این تغییرات تا حدی در حال انجام است ولی  
به هیچ وجه کافی نیست و لازم است یا برنامه  
ریزیهای دقیقتر ، قاطعانه به پای اجرای آنها  
برویم .

اعطای وام و اعتبار لازم یکی از مسائل  
مهم کشاورزی و دامداری است در عین اینکه  
تهیه و تامین وسائل و مواد اولیه ضروری از  
قبیل کود ، علوفه ، چاه و وسائل بهداشت  
دامی ، جاده و غیره نیز اهمیت بسیاری دارند .  
سیاست رژیم شاه برای اعطای وام برای دامداران  
چنین بود که وام گیرنده می بایست ۱۳ درصد  
وام در خواستی را به صورت سند و یا تضمین  
بانکی تحویل دهد تا حداکثر ۱۰ میلیون تومان  
وام بگیرد . کاملا روشن است که این شرایط و  
انبوه مشکلات بعدی به هیچ وجه برای دامداران  
خرده یا نبود بلکه در جهت رشد اقتصاد وابسته  
و پر کردن جیب سر سپردگان بود .

امروز نیز این شرط بر قرار است . با این  
تفاوت که بانک تعاون کشاورزی اعلام نموده  
است که شعبه های این بانک می توانند راسا  
حداکثر تا ۳۰۰ هزار تومان وام تضمینی به  
کشاورزان و دامداران محلی پرداخت کنند .  
این وامها بخشی از طرح اعطای وام این بانک  
است که در آن شرایط نسبتا سبکی نیز در نظر  
گرفته شده است . لازم است که به موازات این  
کار اقداماتی در جهت تامین علوفه و گسترش  
خدمات بهداشت دامی نیز صورت گیرد . زیرا  
برای مثال بسیاری از دامهایی که در پاییز برای  
کشتار عرضه می شوند آبستن هستند و این صرفا  
به خاطر فقر دامداران است که قادر به تامین  
علوفه در زمستان نیستند . این مسئله خود  
باعث کاهش میزان دام و جلوگیری از رشد  
اقتصاد دامی می شود .





# از دهقانان «اسماعیل کل»

## \* مسئولین و دادستانی انقلاب پشتیبانی کنیم در کرمانشاه در کدام قسمت خواهند ایستاد؟ در کنار دهقانان ستم دیده یا در کنار مالک ستمگر و نماینده شاه در مجلس شوراه؟

به راستی کدام سمتگیری انقلابی است و مسئولین امور و نمایندگان انقلاب اسلامی میهن ما در کدام سمت باید قرار گیرند؟ کدام جهت گیری در خدمت به امر تحکیم دست آوردهای انقلاب است؟ و همراهی و همگامی با کدام قشر قادر به جلوگیری از نفوذ ضد انقلاب در منطقه می گردد، رفاه برای مستضعفین ایجاد می نماید و امر اتکا به خود و بی نیازی از خارج را در زمینه تولیدات کشاورزی سبب میگردد؟ پشتیبانی قاطع از مبارزات محقانه و خواستههای حق طلبانه دهقانان محروم و ستم دیده ی روستای "اسماعیل کل" تا باز پس گرفتن زمینهای که در دوران طاغوت به زور سربیزی زاندارمها و تهدید و ارعاب "ساواک" از آنان غصب گردیده و یا دفاع از محسن اجاق یکی از مدافعین جان نثار رژیم سرنگون شده و نماینده محمد رضا پهلوی جنایتکار فراری در مجلس میهن فروش "شورا"؟

این سؤال بیش از شش ماه است که در مقابل مسئولین امور در کرمانشاه طرح گردیده، علیرغم تاکید دفتر امام خمینی در قم بتاريخ ۵۸/۴/۲۸ مبنی بر رفع ظلم و تعدی از دهقانان این روستا و با توجه به ویژگی منطقه و وجود دهها تجربه که عدم توجه به خواستههای بر حق زحمتکش، بهترین دست آویز جهت بهره برداری دارو دسته های ضد انقلابی و سر سپرده از قماش "پالیزیان" و "هاو قاسلو" ها و چپ نماها گردیده، در عمل هیچ مقامی نه تنها قدمی در جهت رفع ستم از آنان بر نداشته بلکه در مواردی حتی در دفاع از خانواده ای اجاق دست به تهدید دهقانان نیز زده اند.

در رنجبر شماره ۲۰ شرحی تحت عنوان "پیروزی شورای دهقانی اسماعیل کل" به چاپ رسیده بود. به طور خلاصه: در دوران رفم نواستعماری ارضی، آقای اجاق مانند بسیاری دیگر از فتووالها و مالکین بزرگ ارضی به خاطر سر سپردگی به طاغوت و داشتن نفوذ

## مبارزه ضد امپریالیستی

زیر سلطه ابر قدرت روس به بار نخواهد آورد. موضع مردم ما موضع ضد امپریالیستی و علیه هر دو ابر قدرت آمریکا و شوروی است.

میان مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما بمتابه بخشی از مبارزه ضد امپریالیستی خله های ما و "مبارزه ضد امپریالیستی عمال روس در ایران دریاها فاصله است.

انقلاب ما انقلابی ضد امپریالیستی و علیه کلیه امپریالیستها به ویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی است. امام خمینی بارها روی این نکته با فشاری کرده و آمریکا و شوروی را به عنوان دشمنان انقلاب ما در یک ردیف قرار داده است. امام در گفتگویی با معلمان کرمانشاه گفتند:

"اگر ملت سر نوشت خود را در دست بگیرد نمی گذارد منافعی را از یک طرف آمریکا و طرف دیگر شوروی، انگلستان و قبیله بیگانگان ببرند."

اصام، رابطه مردم ما را با دو ابر قدرت آمریکا و شوروی چنین توصیف کرده است: "رابطه ما با آمریکا و شوروی رابطه بره و گرگ است."

امام این موضعگیری را از آغاز انقلاب ضد امپریالیستی مردم میهن ما علیه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی داشته و آن را طی ۱۵ سال مبارزه با رژیم منفر پهلوی و حامیان امپریالیست آن همچنان حفظ کرده است. مردم ما نیز در تمام طول مدت انقلاب و در ۹ ماه گذشته همیشه علیه ابر قدرتهای آمریکا و شوروی شعار داده اند. در راه پیمائیهای عظیم شعار مردم ما: "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی"، "امریکا، شوروی، مرگ به نیرنگان، خون شهیدان ما می جکد از چنگتان" و "انقلاب، انقلاب، هرگز وقی ندارد. آمریکا، شوروی، فتح و ظفر ندارد" و... بوده است. چرا؟ برای اینکه مردم ما با گوشت و پوست خود ظلم و تعدی و تجاوز و غارت امپریالیستهای شرق و غرب را احساس کرده اند. امپریالیستها بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی منابع ثروت طبیعی ما نفت و گاز و... را غارت کرده اند. اسلحه و تجهیزات نظامی برای کشتار و قلع و قمع مردم مبارز ما در اختیار شاه خائن قرار داده اند و در مقابل سیل خروشان قیام مردم ما خاسته ما ایستاده و آن را "ارتجاعی" و "عقب افتاده" خوانده اند. مردم ما همانقدر که از امپریالیسم خونخواه آمریکا صدمه دیده اند، زخم خنجر امپریالیسم روسیه را نیز بر پیکر خود لمس کرده اند و طبیعی است که از هر دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی نفرت داشته باشند. از این رو موضع ضد امپریالیستی مردم ما

تبلیغی از موضع ضد امپریالیستی آنان و برای کسب استقلال کامل ملی است. موضع کیانوری موضع انقیاد طلبانه و در خدمت امپریالیسم روسیه است! اما موضع ضد امپریالیستی دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده ناشی از خواست استقلال

با تاجا رسانده است که می گوید:

"کسانی می گویند همبستگی دولت اتحاد شوروی با انقلاب مردم ایران و دوستی سنتی بی شائبه این کشور را با کشور ما تخطئه کنند و با استفاده از هر فرصتی، میهن انقلاب اکتبر را به عنوان "ابر قدرت" با امپریالیسم دد منش آمریکا در یک ردیف قرار دهند. و بعد بپوشانند می افزایند: "همه تلاشهای دشمنان خارجی و داخلی انقلاب همگانی مردم ایران و کلیه تشبیهات کسانی که به تبعیت از منافع محدود طبقاتی خویش آتش دشمنی با اتحاد شوروی... را دامن می زنند، با تاکامی روبرو خواهد شد." (روس نامه مردم، شماره ۸۵، سهشنبه ۱۵ آبان).

یعنی در واقع این دار و دسته، امام خمینی، روحانیت مبارز، نیروهای مترقی و انقلابی جامعه و همه کسانی را که بدرستی امپریالیسم روسیه در ردیف امپریالیسم آمریکا دشمن انقلاب ما می دانند "دشمن انقلاب" هستند! دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده برای دفاع از اربابان روسی خود مجبور است تا یکسره دستاوردهای انقلاب را نفی کرده و پیروزی انقلاب را موهون قدرت نمائی امپریالیسم روسیه بداند و تمام مبارزات و فداکاریهای مردم ما را نفی کند. مثلاً "مردم" (شماره ۸۵) مینویسد:

"در جریان انقلاب همگانی خلق قهرمان ایران، میهن ما بار دیگر از همبستگی انترناسیونالیستی و از پشتیبانی نیرومند کشور زادگاه انقلاب اکتبر برخوردار گردید. رفیقین برزنف... ضمن مصاحبه با خبرنگار "پراودا" صریح و قاطع اعلام کرد که اتحاد شوروی "با هرگونه مداخله در امور داخلی ایران از جانب هرکس، به هر شکل و تحت هر عنوان که باشد، مخالف است"... این موضعگیری قاطع موجب شد که امپریالیسم آمریکا نتواند علیه مردم ایران متوسل به اعمال زور شود و در نتیجه مردم ما امکان یافتند در برابر دشمنان داخلی و خارجی خویش، با اتساک به نیروی پیکار جانبازانه خود، عمل کنند."

چنانکه می بینیم دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده بپوشانند پیروزی انقلاب ما رانه نتیجه مبارزه میلیونها نفر و دهها هزار شهید، بلکه نتیجه تهدید امپریالیستی روسیه نسبت به آمریکا می بیند و همانند دیگر وابستگان به بیگانه هیچگونه اصلتی برای انقلاب قائل نبوده و در مقابل آن می ایستد و آن را نفی می کند.

امپریالیسم روسیه دشمن انقلاب ایران کارنامه امپریالیستهای روسیه در رابطه با انقلاب ایران سیاه است. دار و دسته رهبری شوروی چند ماه قبل از این رژیم منفر شاه قرار داشتند، همچنان به حمایت خود از رژیم ور شکسته شاه ادامه می دادند. مردم ما مقاله "پراودا" راکه سال گذشته در چنین روزهایی انتشار یافت و در آن به امام خمینی رهبر انقلاب ایران حمله شده بود هرگز فراموش نمی کنند. پراودا در آن زمان

## توضیح

### درباره روستای قصبه شهریار

در روز شنبه ۱۹ آبان ماه آقایان برادران سلطانی، (رحمت الله، حسن، محمود و قاسم سلطانی) به اتفاق آقای کیومرث سلطانی فرزند آقای اکبر سلطانی به دفتر "رنجبر" آمدند و توضیحاتی درباره مقاله "جنبش باز گشت به کشاورزی در شهریار" (مندرج در رنجبر شماره ۲۳) دادند که در زیر می آوریم:

این جانبان اخوان سلطانی به نام های حسن - رحمت الله - قاسم - محمود و اکبر سلطانی ساکن قصبه شهریار با تحمل مشقات و صدمات و صرف هزینه زیاد زمینهای مزروعی را آباد و کشت و زرع نمودیم. در سال ۱۳۴۹ ما مورین اصلاحات ارضی به محل آمدند و اهل ده را جمع نموده و از ایشان سؤال کردند که زارعین این محل چه کسانی می باشند، جواب دادند برادران سلطانی صورت مجلس نموده و از آنان امضاء گرفتند که صورت مجلس در اصلاحات ارضی موجود می باشد (فقط ۸ نفر امضاء نکردند) در همان موقع اعلام نمودند اگر کسی مدرکی دارد می تواند به کرج مراجعه نماید تا حق کسی یا پیمان نشود و مدت ۹ ماه تمام پرونده را کد نگه داشتند تا اگر کسی مدرکی دارد ارائه نماید ولی کسی نتوانست مدرکی ارائه دهد و در سال ۱۳۵۰ اسناد مالکیت بنام ما صادر شد. در طول این مدت ما مشغول کشت بوده ایم ولی امسال عدای دست به تحریک افراد زده و یا عدای که وضع مالی بعضی آنها خوب هم هست به زمینهای ما حمله کرده و آن را تصرف نمودند و مشغول کار شدند و ما هم برای جلوگیری از بروز حادثه با آنها مقاله نگه کرده و فقط به مقامات ذیصلاح شکایت نمودیم که اکنون پرونده کار در جریان است.

آقای حاجت الاسلام ثمری مسئول کمیته امام در شهریار در جریان کار ما هستند و ایشان متذکر شدند که افراد متصرف نباید دست به اعمال خلاف شرع و قانون بزنند و اگر ادعائی دارند باید به محاکم صالحه مراجعه نمایند و الا این مسئله در دهات اطراف هم اتفاق افتاده و در نتیجه منطقه دچار آشوب و هرج و مرج خواهد شد. ولی متأسفانه این افراد باین تذکرات توجهی نکردند.

در ضمن آقایان سلطانی کله داشتند که چرا مطالب اهانت آمیزی به نقل قول از یکی از کشاورزان در مقاله آورده شده است. رنجبر: ما مطالبی را که آقایان سلطانی راجع به مسئله مورد اختلاف طرح کردند به طور خلاصه ذکر کردیم و امیدواریم مسئله در محاکم صالحه مورد رسیدگی واقع شود و حق به حقدار برسد. اما در مورد دو نسبت اهانت آمیزی که در مقاله به نقل قول از یکی از کشاورزان ذکر شده است توضیح این مسئله را ضروری میدانیم که روش نشریه ما چنین نیست و این دو نسبت اهانت آمیز که به صورت نقل قول از یکی از

زرم نوا استعماری ارضی فضای اجاق مانند بسیاری دیگر از فتودالها و مالکین بزرگ ارضی به خاطر سرسپردگی به طاغوت و داشتن نفوذ فوق العاده در منطقه ( در مورد محسن اجاق خویشاوندی با برادر شاه مخلوع ) نه تنها اصلاحات نیم بند فرمایشی در چند روستای متعلق به آنها انجام نمی پذیرد ، بلکه با اعمال خشونت از طریق عمال ژاندارمری و "ساواک" بیش از یک سوم از زمینهای راکه این دهقانان آبا و اجدادی در آن زراعت می کردند و نسفتان بوده تحت عنوان اینکه " دیگر از شما بهره نخواهم گرفت " از آنان غصب می نماید . اعتراض دهقانان در آن دوران با زندان و شکنجه و تبعید پاسخگویی می شود . بسیاری دهقانانی که هفته ها در طولی ژاندارمری طبق دستور ارباب زندانی شده اند . جمع زمینهای غصب شده از اهالی بیش از دویست هکتار است که بر بیش از ۱۲۰۰ هکتار زمینهای مکانیزه محسن اجاق و برادرانش ( محمد و ابول ) افزوده شده است .

پس از انقلاب اهالی پیگیرانه خواستهای خود را دنبال می نمایند تا جایی که موفق می شوند محصول گندم زمین غصب شده خود را تا تعیین تکلیف از طرف مقامات مسئول نگهداری نمایند . اهالی پس از اینکه از مسئولین محلی که به خواستهایشان ترتیب اثر نمی دهند ، شکایت خود را مستقیما به قم و به خدمت امام می برند ، دفتر امام در قم از طریق ارسال نامه به یکی از مسئولین انقلاب در کرمانشاه ، خواهان " اقدام جهت رفع ظلم و تعدی از آنان می گردد ولی متاسفانه مقام مذکور در جواب مورخ ۱۳/۵ این امر را " تقسیم زمین مالک " نام می برد و آن را از " اختیار کمیته " خارج می داند و ذکر می کند که " ساکیان " فاقد سند " می باشند و " سند به اسم مالک است " . گذشته از اینکه اساسا نسق دارها در گذشته همیشه فاقد سند بوده اند و نه تنها اهالی " اسماعیل کل " بلکه در هیچ کجای دیگر هم نسق دار زمین ، دارای سندی نبوده ولی در سند مالک جملهای تأکیدی ذکر شده که خود دلالت بر این دارد که در گذشته این بخش زمین از آن مالک نبوده است . از طرف دیگر زمینهای غصب شده سالیان دراز در اختیار این روستائیان ستم دیده قرار داشته و حداقل اهالی روستاهای اطراف به این امر آگاهند و کافی بود مقام مسئول مقداری بیشتر از دیدن سند آقای محسن اجاق ( که خود وکیل دعاوی نیز بوده و با امکانات طاغوتی اش هر عمل خلافی را قادر بوده شکل " قانونی " به آن ببخشد ) در این امر پیگیری می نمودند و به خاطر اینکه " حتی " ضایع نگردد ، از هزاران شاهد زنده ای این در خواست تیز تحقیق بعمل می آوردند .

موصول ( نه آتش زدن آن ) تا تعیین تکلیف ایجاد بلوا و آشوب است ؟  
محسن اجاق گذشته از یافتن پشتیبانانی مثل آقای فضل الله حیدری ، تا قبل از اعدام انقلابی چند فتودال در سنندج توسط دادگاههای انقلابی از پشتیبانی مسلحانه برخی از فتودالهای صاحب نفوذ در منطقه ی سنجایی نیز بر خوردار بود که پس از این واقعه پشتیبانی مستقیم این عناصر از میان می رود . ولی آقایان اجاق که دهقانان را مصمم در احقاق حقوقشان می بینند ، دست به دامن ژاندارمری پاسگاه کرز ران می شوند و شکایتی علیه نمایندگان شورای ده به پاسگاه می نمایند . رئیس پاسگاه دهقانان را متهم به خرابکاری می نماید و نمایندگان شورا ( آقای مراد خاموشی ، حبیب خاموشی و عزیز سلیمی از دهقانان ده ) را به پاسگاه می برند . رئیس پاسگاه طبق شکایت آقای اجاق آنان را مسئول شکستن موتور آسیاب ( در تظاهرات دوران انقلاب موتور میزور شکسته شده ) معرفی می کند و از آنان خسارت می خواهد .

هدف آنان این بوده است که از طریق ارباب نمایندگان شورای ده توسط ژاندارمری ، آنان را از ادامه ی شکایت خود منصرف سازند . رئیس پاسگاه و یکی از برادران اجاق وقتی قاطعیت دهقانان را می بینند شیوه ی تهدید را کنار می گذارند و آقای محمد اجاق پیش نمایندگان شورا شروع به گریه می کند که من با شما برادرم ، ما با هم در کودکی هم بازی بودیم . ( که البته دهقانان می گفتند ما در مقابل اینها حتی اجازه ی نشستن هم نداشتیم و اگر از شدت خستگی چند لحظه می خواستیم بنشینیم ما را از اطاق بیرون می انداختند ) و التماس به آنان که دست از شکایت بردارند و در مقابل ، هر کدام از نمایندگان شورا ۵ هزار تومان پول نقد ( خروار زمین ) ۲۰ هکتار ) بگیرند باضافه اینکه مسئولیت نظارت بر زمینهای آنان را نیز داشته باشند و کاری به کار دهقانان دیگر هم نداشته باشند . که این توطئه نیز موفق نمی شود و نمایندگان شورای ده می گویند ما حاضر به خیانت به برادران خود نیستیم . ترس مالک از این است که نه تنها این دهقانان با پیگیری به خواستهای بر حق خود دست یابند ، بلکه دهقانان روستاهای دیگر نیز برای کسب حقوق از دست رفته ی خویش متحد و یکپارچه اقدام نمایند .

بدون شک دهقانان مبارز روستای " اسماعیل کل " با پیگیری خستگی نا پذیر خود و با وحدت و یکپارچگی تمام روستائیان بخصوص " آب خور " ها که از ستم دیده ترین اقشار روستا می باشند به خواستهای به حق خود دست خواهند یافت و با هوشیاری کامل از نفوذ عناصر سرسپرده به " پالیزیسان " و دموکرات " ها جلو گیری خواهند نمود .

امپریالیسم روسیه است اما موضع ضد آمریکائی دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده ناشی از خواست استقلال ملی نبوده ، از منافع امپریالیسم روسیه منشاء می گیرد و تبلیغ انقلابطلبی ، بیرون آمدن از زیر بار امپریالیسم آمریکا و رفتن زیر بار امپریالیسم روسیه است . این دار و دسته که نقاب باصطلاح " ضد امپریالیستی " بچهره زده است ، با دامن زدن به مبارزه ضد آمریکائی موجود می خواهد آن را در خدمت امپریالیسم روسیه و تبلیغ خط انقلابطلبی به نفع روسها قرار بدهد . تمام مبارزه " ضد امپریالیستی " این دار و دسته در ۹ ماه گذشته ، روی مبارزه ضد آمریکائی و قطع وابستگی کشور از آمریکا و تبلیغ برای امپریالیسم روسیه بعنوان جانشین امپریالیسم آمریکا در ایران ، متمرکز بوده است . موارد زیر را بعنوان نمونه ذکر می کنیم :

۱- در تمام مدتی که این دار و دسته بخاطر لغو قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا یقه درانی می کردند ، در مورد قرارداد دو جانبه ۱۹۲۱ ایران و شوروی سکوت کرده بودند .  
۲- پس از آنکه هیئت دولت لغو این قرارداد اسارت بار را به شورای انقلاب پیشنهاد کرد این دار و دسته بدفاع از آن بر خاسته و حقوقی را که این قرارداد به امپریالیسم روسیه برای اشغال ایران داده بود به نفع استقلال ایران قلمداد کردند ! ( روس نامه مردم ، شماره ۷۲ ، دوشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۵۸ ) .  
۳- این دار و دسته که خواهان لغو قرارداد های تسلیحاتی با آمریکا ، انگلیس و سایر کشورهای امپریالیستی غرب است ، در مورد قرارداد های خرید اسلحه از شوروی که در زمان شاه خائن منعقد شده است ، سکوت می کنند !  
۴- آنها به غارت منابع گاز توسط امپریالیسم روسیه هیچگونه اعتراضی نمی کنند . مگر بنا به اظهار مقامات دولتی قیمتی که روسها بابت گاز ایران می پردازند - قیمت های بین المللی نیست ؟

دار و دسته کیانوری با موضع گیری مردم و رهبری انقلاب علیه امپریالیستها بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی بخاطر این که آتش حمله متوجه اربابان روسی آنها نیز هست مخالفند و این مخالفت خود را کرارا " ابراز کرده اند . این دار و دسته در اینکار تا آن جا پیش رفته است که بخود اجازه می دهد شعارهای مردم ما را عوض کرده ، آنها را تحریف نماید و با اینکار آتش حمله مردم ما را که علیه هر دو ابر قدرت آمریکا و شوروی است از روی اربابان روسی خود بردارد . این دار و دسته حتی گفته های امام خمینی را که حاکی از موضع قاطع امام علیه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی است ، دستکاری کرده و امپریالیسم روسیه را از آن حذف می کند . این دار و دسته گستاخی را تا

چنین روزهایی انتشار یافت و در آن به امام خمینی رهبر انقلاب ایران حمله شده بود هرگز فراموش نمی کنند . پروا در آن زمان نوشت .

" رهبران مذهبی ایران برای رسیدن به هدف های ویژه خود توده های مردم را به قیام و شورش وادار کرده اند " و وقیحانه ادامه داد : " بی شک آیت اله خمینی در مبارزه ی جاری نمی تواند روی کوچکترین پشتیبانی شوروی حساب کند " ( ) . در این مقاله پروا روی " اهمیتی " که کرملین برای " ثبات اوضاع " در ایران قائل است تأکید نمود . در ۳۰ اکتبر همان سال ، برژنف پیام گرمی برای شاه خائن فرستاد و در آن " موضع همیگی کرملین را نسبت به ایران " تأیید نمود .

اما کارنامه ی ۱۵ ساله آنها نسبت به جنبش اسلام مبارز و روحانیت مترقی سیاه تر از اینست امپریالیستهای روسیه قیام تاریخی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را مورد حمله قرار دادند و آن را " ارتجاعی " و " عقب افتاده " و کار مشت " روحانیون مرتجع " معرفی کردند . ایزوستیا ارگان دولت شوروی در این تاریخ نوشت : " دیروز در پایتخت ایران ( تهران ) ، در مشهد ، قم ، ری و مراکز بزرگ مذهبی کشور به تحریک عده ای از روحانیون مرتجع مسلمان ، آشوب و بلبلائی برپا شد . آشوب طلبان برای مبارزه علیه اصلاحات ارضی دولت ، از ایام سوگواری مراسم مذهبی که هر سال در روز شهادت امام حسین پیشوای مسلمانان بعمل می آید ، استفاده کردند . . . عده ای از جوانان متعصب عقب افتاده چند نمازه را عارت کردند . . . و اکنون مرتجعین سعی دارند از مرحله ی تبلیغ وارد مرحله عمل شوند " .

در جریان قیام قهرمانانه تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ نیز ما شاهد " موضع گیری " امپریالیسم روسیه علیه این خیزش مردمی بودیم و دیدیم که چگونه رادیو مسکو بلندگوی تزارهای نوین قیام خلق بیا خاسته ما در تبریز را " مشتئ او باش و ساواکیها " معرفی کرد . اینهاست اسناد " همیستکی " امپریالیسم روسیه با انقلاب مردم ایران و " دوستی سنتی دیرینه " تزارهای نوین با مردم میهن ما ! موضع خصمانه تزارهای نوین نسبت به انقلابات رهایی بخش ملی مردم کشورهای دیگر نیز بر مردم ما پوشیده نیست . مردم ما بوضوح شاهد گشتار بیرحمانه خلقهای قهرمان و ببا خاسته افغانستان توسط دار و دسته وابسته به روس امین و حامیان روسی او هستند . سرگوب انقلابات خلقهای دلاور اریتره ، کامبوج . . . نمونه های دیگری از دخالتها و تجاوزهای امپریالیسم روسیه برای به انقیاد کشاندن خلق های مبارز کشورهای جهان سوم می باشند .

شده است توضیح این مسئله را ضروری میدانیم که روش نشریه ما چنین نیست و این دو نسبت اهانت آمیز ( که به صورت نقل قول از یکی از کشاورزان بوده است ) سهوا در مقاله آورده شده است . ما از این امر متأسفیم و کوشش خواهیم کرد تا در آینده چنین اشتباهات سهوی صورت نگیرد .

انحرافات موجود را تصحیح کنیم و مبارزه ضد امپریالیستی را تا آخر ادامه دهیم

از اینروست که می بینیم مبارزه ضد آمریکائی مردم ما از یک خاستگاه اصیل و ملی است در حالیکه حرکات ضد آمریکائی دار و دسته ی کیانوری از خاستگاه امپریالیسم روسیه وبخاطر منافع جهانی و منافع غارتگرانه او در ایران است . آنها و اربابانشان در ۱۵ سال گذشته همیشه یا در مقابل جنبش مردم ما ایستادند و بآن ناسزا گفتند یا سعی نمودند آن را منحرف نمایند . امروزه نیز آنها تلاش می کنند از مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما سوء استفاده کرده و آنرا بسوی وحدت با ابر قدرت روس هدایت کنند . دار و دسته " کمیته مرکزی حزب توده عناصر شناخته شده و منفوری در میان خلق ما هستند . اما در اینجا بیان خطری که در حال حاضر انقلاب ما را تهدید می کند از ناحیه نیروهائی است که ندانسته و از سر عدم شناخت و آگاهی ، مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما را منحصر " در مبارزه ضد آمریکائی خلاصه می کنند مشی انحرافی جز اینکه هشیاری مردم ما را نسبت به خطری که از طرف امپریالیسم روسیه انقلاب ما را تهدید میکند باین بیورد و زمینه را برای بهره برداری عمال امپریالیسم روسیه در ایران فراهم نماید ، نتیجه و حاصل دیگری ندارد . با ندیدن امپریالیسم روسیه که برای بلعیدن ثمرات انقلاب ما دندان تیز کرده است ما حتی موفق نخواهیم شد مبارزه ضد آمریکائی خود را اینتا به آخر به پیش ببریم . آنچه که توده های میلیونی ما در ادامه و تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی خود خواهان آن هستند تا مین استقلال کامل کشور و قطع نفوذ و سلطه کلیه قدرتهای امپریالیستی بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و ایستادن در مقابل توطئه های آنها است و مردم ما در تداوم انقلاب برخط مشی درست خود ، بر مبارزه ضد امپریالیستی علیه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی با فشاری خواهند کرد و علیرغم خواست دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما علیه همه قدرتهای امپریالیستی بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی تا آخر ادامه خواهد یافت .



# گزارش فروش رنجبر و ...

بعد از ظهر روز شنبه ۲۰ مهر ماه با حدود ۱۰ نفر از رفقا به محل پارک دانشجو رفتیم . جلوی درب شمال پارک در خیابان انقلاب بساط نشریات سازمان را پهن کردیم و چندین روزنامه دیواری نیز بالای بساط به روی دیوار نصب نمودیم . ساعت ۳/۵ بود که چند نفر از رفقا را به داخل پارک فرستادیم تا رنجبر بفروشند . بعد از نیم ساعت عده‌ای از مردم برای خواندن روزنامه دیواری جمع شدند . فرصت خوبی بود برای تبلیغ نظرات سازمان در رابطه با وحدت سه نیرو که به این کار اقدام نمودیم . طولی نکشید دستجات ۴۰ الی ۵۰ نفری را هر رفیق به دور خود جمع نموده و صحبت می‌کرد .

در آغاز مردمی که جمع شده بودند نمی‌دانستند که ما از طرف چه سازمانی صحبت می‌کنیم . اما خوشبختانه با بحثی که ما بین ما و چند نفر توده‌ای آغاز شد و با توضیح خط سازمان بر علیه دو ابر قدرت خیلی زود مردم دریافته‌اند که این نظریه مربوط به سازمان انقلابی است . در میان بحث‌ها وقتی عده‌ای می‌آمدند و سؤال می‌کردند که این چه سازمانی است خود مردم به همدیگر می‌گفتند که سازمان انقلابی است که صحبت می‌کند . بعد از چند لحظه عناصر توده‌ای را در بین مردم افشاء نموده و مردم آنها را با صدای اینکه ما نمی‌خواهیم بعد

## اصفهان

من روزی همراه دو رفیق دیگر طبق برنامه هفتگی به خیابان چهارباغ رفتیم و رنجبر و مقداری کتاب دیگر را که همراه خود برده بودیم در کنار پیاده‌رو پهن کردیم و شروع به فروختن کردیم . یک ساعتی از فروختن میگذشت و در طی این یک ساعت ما با چند بحث روبرو شدیم .

یکی از این بحث‌ها از جنبه منطقی خود دور شد و به تند خوبی کشیده شد . مردم بسیاری در پیاده‌رو جمع شده بودند . ناگهان یک نفر از میان جمعیت بطرف نشریه‌ها آمد و با شعار صلوات میخواست نشریه‌ها را جمع کند . من و دو رفیق دیگر نشریه‌ها را که دست او بود از او گرفتیم و گفتیم اینکار را نکن آقا و بعد آن یک نفر چند نفر شدند و می‌خواستند به نشریه‌ها حمله کنند ولی مردم جلوی نشریه‌ها ایستادند و مقاومت کردند و میگفتند آقا نکن تو با این کار اسلام را خراب میکنی . بگذار کارشان را بکنند ، آزادند و میتوانند نشریه‌شان را بفروشند و عده‌ای دیگر هم میگفتند اجازه رسمی دارند بعد از کمی درگیری و بحث یکی از میان مردم به کمیته خبر داده بود و مردم دیگر ساکت شدند و منتظر ماندیم تا مامورین کمیته برسند .

در این حین مردم از ما رنجبر میخواستند و ما نمی‌فهمیدیم که چگونه مردم از ما رنجبر میگرفتند و حتی خود مردم هم برای ما رنجبر

از امریکا ، روسیه به ایران بیایند آن عناصر مجبور به ترک محل شدند . بعد از این امر چپ‌های قلابی نیز سعی کردند که با راه انداختن بحث اسلام و مارکسیسم بحث را منحرف کنند که با توضیح رفقا درباره وحدت سه نیرو آنها نیز در مانده شده بودند . توانستیم تعداد زیادی رنجبر به فروش برسانیم که از تعداد کل آمار دقیق نداریم . این امر تا ساعت ۵/۳۰ ادامه داشت و مردم به همان صورت اجتماع خود را حفظ کرده بودند که در آن ساعت حدود ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر تعدادشان می‌رسید .

بعد از ساعت ۵/۳۰ هنگامی که می‌خواستیم نشریات را جمع نماییم هنوز مردم آنجا جمع بودند و نمی‌خواستند که بحث‌ها ناتمام باشد . اما با همکاری رفقا جمع بندی از کل بحث‌ها نمودیم و روی وحدت سه نیرو و حفظ استقلال ایران و مبارزه علیه دو ابر قدرت و دفاع از جمهوری اسلامی بحث‌ها را تمام کردیم . رفقای که در این امر شرکت کرده بودند اکثریت از رفقای جوان ما از سازمان جوانان بودند که بعد از این بحث روحیه رفقا بالا رفته بود و پیشنهاد می‌دادند که این کار را به طور مداوم و حتی هفته‌ای دو بار تشکیل بدهیم و آمادگی خود را بر شرکت در این امر اعلام نمودند .

دو رفیق دیگر میدادند . من رفتم با رفقای دیگر تماس بگیرم و وقتی برگشتم دیدم آن دو رفیق نیستند و مقداری نشریه پاره شده در آن محل ریخته است . من از مردمی که آنجا بودند پرسیدم آنها که داشتند نشریه میفروختند کجا رفتند . گفتند آن دو نفر رفتند کمیته .

دوستان ما بقیه ماجرا را اینطور نقل کردند : ما از مردم خواستیم متفرق شوند و با آن چند نفر که قصد اخلاص داشتند و پاسانی که آنجا بود و خیلی تلاش کرد تا درگیری نشود به سیاه پاسداران رفتیم . در سیاه پاسداران انقلاب اسلامی به آن چند نفر گفتند که رنجبر یک نشریه کمونیستی است ولی در مسیر انقلاب میباشد و توطئه هم نمیکند . بهمین دلیل اجازه انتشار دارد و نباید مانع پخش آن شد ، چون موضوع برای آن چند نفر روشن شد ، آنها از ما عذرخواهی کردند در نتیجه ما هم از شکایتمان صرفنظر کردیم .

در موقع بازگشت ما مواضع خودمان را برای آنها توضیح دادیم از جمله خطر دو ابر قدرت امریکا و شوروی و مساله اتحاد بزرگ ملی که مورد استقبال آنها واقع شد و آنها گفتند ما فکر میکردیم که شما توده‌ای هستید و حالا اسم عوض کرده‌اید .

آنها هم از مبارزاتشان در دوره انقلاب برای ما تعریف کردند و گفتند که ما نمی‌خواهیم که زیر سلطه کشورهای خارجی برویم . ما هم

## گفتگو با آقای سید

و "علی‌خان" (ساواکی) به "عزاز محمد خدایار" واگذار شده بود . در این مورد در واگذاری این زمین حتی یک نفر هم کشته شده است . کشاورزان زحمتکش انتظار دارند که اکنون که جمهوری اسلامی برقرار شده ، این مزارع متعلق بآنها باشند نه دست یک عده محدود . در این مورد شکایاتی به زاندار مری شد و پیرونده آنها تکمیل درگیری بوجود آمد که منجر به مجروح شدن ۱۷ نفر گردید . از آنجائیکه فرصت طلبان ضد انقلاب منتظر چنین صحنه‌هایی هستند به دبیرستانهای پسرانه میروند و آنها را تحریک میکنند که بیایند معلمتان در دادگاه کشته شده است . در حالیکه چنین نبود . اگر چه دانش آموزان در جلو دادگاه اجتماع کردند ولی وقتی که دیدند چنین چیزی نیست با توضیح مسئولین دادگاه و شهرداری متفرق میشوند . من پیش بینی میکنم اگر به نمونه چنین مسائلی که چند روز پیش اتفاق افتاد ، هر چه زودتر رسیدگی نشود باز هم درگیری بوجود خواهد آمد . وضع کلی منطقه بعد از پیروزی انقلاب متأسفانه نظوری که باید و شاید رضای بخش نبوده و عده‌ای که خود را طرفدار زحمتکش معرفی میکنند تحریکاتی در منطقه بوجود آوردند . آنها چند ساختمان دولتی را تصرف کردند . بعد از صدور دستور پاکسازی از طرف امام در مورد کردستان عوامل ضد انقلاب در این منطقه عقب نشینی کردند ولی مانند آتش زیر خاکستر منتظر فرصت هستند . در حال حاضر اعلامیه چریکهای فدائی خلق و خبرنامه آنها مرتباً " در این بخش توزیع میشود و هدف این عده انگشت شمار ضد انقلاب بوجود آوردن هر چه مرج و تعطیل مدارس است . ۹۵٪ مردم مسلمان این منطقه در مسیر انقلاب و رهبری و دولت موقت هستند ولی متأسفانه مسئله نداشتن رهبری روحانی و یافرد مبارز که بتواند مردم مسلمان خاموش را بیدار کند ، مطرح میباشد . داشتن نماینده امام در این منطقه بسیار ضروریست افرادی که خود را طرفدار " خلق " و " زحمتکش " میدانند در واقع ضد خلقند زیرا عوض اینکه مشکلات و معضلات را حل کنند با پخش اعلامیه‌ها ، دانش آموزان را به تعطیل مدارس تشویق میکنند . . . روز جمعه گذشته (۵۸/۷/۲۷) از طرف جهاد سازندگی اعلام پاکسازی شد و برادران و خواهران مجاهد شروع به پاکسازی شهر کردند . . . در همان روز متأسفانه عده‌ای انگشت شمار که با عوامل پشت پرده تحریک شده بودند مانع پاکسازی شهر میشوند . آنها روز شنبه فارغ التحصیلان بیکار را راه انداختند که ضمن راه پیمایی آموزش و پرورش را تعطیل کردند و در بخش‌های اجتماع کردند و بلافاصله راه پیمایی صیادان که دانش آموزان درون آنها بودند ، در بخش‌های اجتماع کردند . ما ضمن راهنمایی و ارشاد آنها متذکر شدیم انجام خواسته‌های شما صیادان و فارغ التحصیلان احتیاج به راهنمایی و تظاهرات ندارد و مسلماً "خواستهای منطقی شما برآورده خواهد شد ولی احتیاج بزمن و آرامش منطقه دارد . ولی آنهائی که مخالف جمهوری اسلامی

## اقدام شود :

۱- بزرگترین مشکل این منطقه نبودن آب مشروب است . در مراکز بندر ترکمن و گمیشان تا اندازه‌ای در رفاه هستند ولی روستاها همگی از آب مشروب محروم هستند . آنها حمام ندارند آب برای وضو ندارند . آنها هنوز در قرن اتم از آب باران استفاده میکنند .

۲- راه ارتباطی جاده بندر ترکمن به گمیشان و بندرگز که سالهاست وعده داده‌اند ، اعتبار آن تعیین شده ، پیمانکار تعیین شده ، ولی اقدامی بعمل نیامده است .

۳- بکارگرفتن صیادان آزاد در این زمینه کمپسیون صیاد شناسی تشکیل شده و صلاحیت ۶۵۸ نفر مورد تأیید است . یکی از اعتراضات بحق صیادان آزاد که همگی بعلت نداشتن شغل دیگر از لحاظ مالی نهایتاً " در مضیقه هستند ، به پیمانکارانی هست که متأسفانه ضمن قرارداد با شیلات در دریا انواع ماهی صید میکنند و اکثر این پیمانکاران سرمایه دارانی هستند که خود هیچگونه کاری انجام نمیدهند بلکه با بکارگرفتن زحمتکشان و استفاده از منابع طبیعی دریا که بعموم ملت ایران تعلق دارد استفاده‌های کلانی میبرند . بنظر من باید هر چه زودتر قرار داد این افرادی که پیمانکار هستند ، لغو شود و یک نظام صیادی عادلانه در منطقه بوجود آید . . .

۴- بخش بندر ترکمن هیچ گونه محل تفریح و یا پارک ندارد . اکثر کوچه‌ها و خیابانها خاکی است . آنها از دولت جمهوری اسلامی انتظار دارند که بیش از گذشته که در واقع توجهی به این منطقه نمیشد برای اجرای پروژه‌های عمرانی توجه مبذول دارند .

۵- در مورد زمین دو مسئله وجود دارد : الف - زمینهای ساحلی که قبلاً " در تصرف " منوچهر طائی " و اخیانا " هژبر یزدانی بود . آنها تا سیسات دامپروری بوجود آوردند . وضع این زمینها مشخص نیست که آیا به بنیاد مستضعفین تعلق دارد یا به افرادی که مدعی مالکیت اند .

ب - زمینهای مرتعی عمومی که در قریه " قره قاشلی " هست که در رژیم گذشته بوسیله عواملش به افراد معینی سپرده شده که باید تکلیف همه اینها روشن گردد .

ج - ایجاد مراکز تربیت و تحصیل علوم دینی فقه حنفی که هم اکنون مکانهای مناسب ندارند و همچنین مراکز تحصیل علوم اسلامی . . .

۷- پاکسازی ادارات بطور کلی نتیجه کلی اینست که اگر کارهای عمرانی بسرعت شروع شود ، نارسائی‌ها از بین خواهد رفت و مطمئناً " بهانه‌ای برای محرکین و عوامل ضد انقلاب بوجود نخواهد آمد . من معتقدم نمیتواند کارها را جلو ببرد . باید کارهای عمرانی و سیاسی همه را با هم جلو ببرد . . .

این خلاصه‌ای از نظرات یکی از مسئولین بندر ترکمن بود . دولت باید بدانند مسئولینی را که در شهر گمارده‌است مردم از آنها انتظار دارند . مردم انتظار دارند که آنها برایشان کار کنند و آنچه مربوط به رفاه اجتماعی میگردد توجه نمایند . برای همه سوال است که دولت این مسئولین را

## کارگران شیلات ...

۱۰- رسیدگی به وسایل ایاب و ذهاب و در اختیار گذاردن ۲ دستگاه مینی بوس برای کارگران و کارمندان و محصلین .

۱۱- احداث بیمارستان در جزیره آشور آده . ماهیانه ۳۵۰ هزار تومان پول بیمه ۷٪ از کارگران دریافت می‌شود در حالی که دکتر روزی ۲ ساعت دارند و دارو به حد کافی وجود ندارد .

۱۲- رسیدگی به وضع طرح طبقه بندی که به حالت قلابی صورت گرفته و به استخدام کشوری درآمد تمام کارگران بدون تبعیض و تبدیل عنوان .

۱۳- پاکسازی اداره از افراد ضد انقلاب و فاسد .

۱۴- و کلیه خواسته‌های دیگر کارگران که به صورت جداگانه در این گزارش عنوان کرده اند .

\*\*\*

در زیر متن صورتجلسه کارگران را که به امضای ۶۷ نفر از کارگران رسیده و سندیکای کارگران شیلات ناحیه ۴ کارگران نیز آن را تأیید نموده است ، چاپ می‌کنیم .

صورت جلسه

مورخ ۱۳۵۸/۸/۲

بسم الله الرحمن الرحيم

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند این جانبان کارگران فنی و تکنیسین و میکانیسین و الکتریسیین و رانندگان دریائی و غیره شیلات ناحیه چهار ، صورت جلسه حاضر را تنظیم می‌نمایم مبنی بر اینکه کارگران شیلات ناحیه چهار مدت ۱۵ الی ۳۰ سال در اداره شیلات ناحیه چهار مشغول انجام وظیفه بوده و هستیم و در این عصر طلائی منویات دین مبین اسلام و عدالت گسترده‌ای که در سراسر کشور و انقلاب اسلامی ایران را فرا گرفته و از تراوش افکار زعمیم عالیقدر حضرت آیت الله امام خمینی که همیشه در فکر و آسایش کارگران مستضعف بوده و می‌باشد ، جای نگرانی اینجاست در اثر بی عدالتی و زور گوئی و حق کشتی مسئولان رژیم سابق در شیلات استان مازندران و گرگان و هیچوقت توجه به قانون کشور و بخشنامه‌های دولت را ندارد و اخیراً طی بخشنامه شماره ۶۷۱۸ که از نخست وزیر صادر شده کلیه کارگران و کارکنانی که از تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱ لغایت ۱۳۵۷/۷/۲ در خدمت بوده‌اند ، دولت موظف است آنها را رسمی و استخدامی کشوری نماید . هیئت مدیره به این بخشنامه اصلا توجهی نمی‌کند و زیر بار چار چوب قانون کشور جمهوری اسلامی نمی‌رود مداخله استدعا داریم امر مقرر فرمایند نسبت به استخدام کشوری نمودن کارگران شیلات در اسرع وقت اقدام و نتیجه را به ما کارگران ابلاغ نمایند .



در این حین مردم از ما رنجبر میخواستند و ما نمی فهمیدیم که چگونه مردم از ما رنجبر میگرفتند و حتی خود مردم هم برای ما رنجبر میفرخواستند و عده ای از مردم فریاد میزدند آقا اگر تو مسلمان هستی نشریه ها را سجانی نبر و بعد از این من میدیدم که چگونه خود مردم برای ما پول رنجبر را جمع میکردند و به من و

### خط امام...

بندی روشن و قاطع خود علیه دشمنان رنگارنگ استقلال و آزادی ایران را تاکید خود را روی دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکا و نوکرد داخلی آن گذاشته و با پا فشاری روی مواضع انقلابی و استقلال طلبانه، به حق رهبری مبارزات اسلام مبارز و روحانیت مترقی را در طی این سالها به عهده داشتند.

انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی توده های میهن ما تحت رهبری امام خمینی به جهت آنکه عمیقاً بر مواضع ضد امپریالیستی استوار بود، در عین اینکه ضربه مهلکی به دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا وارد آورد و یکی از جنایتکارترین مهره های این ابرقدرت را از اریکه قدرت به زیر کشاند، اما به لحاظ هوشیاری و مرز بندی با ابر قدرت روسیه و دیگر امپریالیستها توانست استقلال خود را حفظ نموده و در زمره انقلابات اصیل مستقل و متکی به خود درآید. این خواست عمیق استقلال طلبانه انقلاب خود را هزاران بار در شعارهای " نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی " و " استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی " نمایانگر ساخت.

خط انقلاب اسلامی ایران، خط امام، همیشه خطی استقلال طلبانه و علیه هر دو ابر قدرت آمریکا و روسیه بوده است. مروری بر مواضع قاطع و همه جانبه ضد امپریالیستی امام در طول یکسال گذشته، مشت کسانی را که سعی می کنند از خط امام تحریف یک جانبه نموده و آن را فقط علیه آمریکا تفسیر نمایند، باز میکند. امام در بخشی از مصاحبه خود با " امل " در ۱۶ آذر ۵۷ گفتند:

"... ما همان طور که آمریکا را مورد حمله قرار دادیم، شوروی هم مورد حمله است. برای ما فرقی بین شرق و غرب نیست. ما با اتکا به خدا و ملت شجاع استقلال واقعی را به دست می آوریم".  
"... ما همان طور که آمریکا را مورد حمله قرار دادیم، شوروی هم مورد حمله است. برای ما فرقی بین شرق و غرب نیست. ما با اتکا به خدا و ملت شجاع استقلال واقعی را به دست می آوریم".  
پس از سر و صدای برژنف در سال قبل مبنی بر اینکه دخالت نظامی آمریکا در ایران باعث بر خطر انداختن مرزهای شوروی خواهد شد و شوروی را ناچار به اجرای قرار داد ۱۹۲۱ ( یعنی اشغال ایران ) خواهد نمود. امام گفتند: "بهر حال تاریخ نشان داده است که مهاجمان مدت درازی در کشور ما نمی توانند بمانند. ایران بهیچوجه زیر لوای سرخ نخواهد

انها هم از مبارزاتشان در دوره انقلاب برای ما تعریف کردند و گفتند که ما نمیخواهیم که زیر سلطه کشورهای خارجی برویم. ما هم از این خواسته آنها پشتیبانی کردیم و با هم دوست شدیم بطوری که سه چهار مرتبه با هم خدا حافظی کردیم ولی دوباره صحبت در میگرفت و در آخر با آرزوی موفقیت از هم جدا شدیم.

رفت، زیرا ایرانیان یکپارچه با فشارهای آمریکا و شوروی مقابله خواهند کرد. اطلاعات ۱۸ دی ۵۸ امام در زمان ملاقات با سفیر شوروی ( اسفند ماه ) گفتند:

" با ایمان، مشت غلبه کرد، برابر قدرتها و ما مصمم هستیم، ما همه قدرت با کسانی که بخوانند در کشور ما مداخله کنند، مبارزه می کنیم " کیهان، ۶ اسفند ۵۷.

امام در اعلامیه ۱۴ نکته ای تاریخی خود در آستانه ترک تهران به قم فرمودند: " ملت شجاع باید توجه داشته باشد که گر چه استبداد داخلی فرو ریخته و مردم آزادی را لمس کرده اند، ولی هنوز ریشه های استعمار آمریکا، شوروی، انگلستان و صهیونیسم سایر دول چپا و لنگر از این مرز و بوم کاملاً قطع نشده است. " ( اطلاعات، ۱۹ اسفند ۵۷ )

امام در اردیبهشت ماه ۵۸ در دیدار با نمایندگان فرهنگیان کرمانشاه چنین بیان کردند:

"... اگر ملت سرنوشت خود را در دست بگیرد نمی گذارد منافعی را از یک طرف آمریکا و طرف دیگر شوروی، انگلستان و بقیه بیگانگان ببرند. تمام افکار باید متوجه باشد که دست خائنین کوتاه شود و سپس وقت است که ریشه های عفونت بار رژیم سابق و اجنبی و عمال آنان را قطع کرد. والا هیچ کار انقلابی نمی توانست بکنند. ما هنوز در بین راه انقلاب هستیم.

ما هنوز در حال مبارزه هستیم".  
امام در ملاقات با گروهی از نمایندگان مردم در جواب اعتراض سناي آمریکا به اعدامهای انقلابی در ایران گفتند:

" البته سناي آمریکا ما را محکوم میکند، مجالس انگلستان ما را محکوم می کند، مجالس شوروی ما را محکوم می کند. ما هیچ توقعی نداریم که دولت آمریکا یا سایر دول ابر قدرت و آنهایی که می خواهند منافع ما را ببرند، حالا که ما دستشان را کوتاه کردیم، بیابند از ما تشکر کنند، البته نباید تشکر بکنند خیلی هم اظهار تاسف باید بکنند. " ( اطلاعات ۳۰ اردیبهشت ۵۸ )

در ملاقات با عده ای از دانشجویان دانشگاه پلیس امام متذکر شدند: " ... در هر مملکتی می بینید با دخالت همین آمریکا و با دخالت همین شوروی آدم کش هست. در افغانستان الان به دخالت شوروی آدم کشی است. در بسیاری از جا ها مثل

خواهد شد ولی احتیاج بزمان و آرامش منطقه دارد. ولی آنهایی که مخالف جمهوری اسلامی هستند تمام دیوارهایی که پاکسازی شده بود بر از شعار کردند که در واقع شعار نبود بلکه تحریک بود.

آقای سیداصغر مرادی سپس ادامه دادند: اما چگونه باید مشکلات را بر طرف کرد؟ با توجه به اوضاع منطقه و کمبودهایی که مردم مسلمان دارند باید مسائل زیر هر چه سریعتر

لبنان به دخالت آمریکا آدم کشی است. " ( اطلاعات - ۲۲ خرداد ۵۸ )

هنگام تدوین قانون اساسی، امام در ملاقات با اعضای جامعه و عاظم تهران گفتند: " ما نمی خواهیم قانون اساسی مسکو را و یا قانون اساسی آمریکا را درست کنیم. " ( اطلاعات، ۲۸ خرداد ۵۸ )

در پیام خود به مناسبت بزرگداشت روز تاریخی ۱۷ شهریور امام چنین گفتند:

شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید و کربلاي ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. اکنون وقت آن است، ما که وارثان این خونها هستیم و باز ماندگان شهیدان به خون خفته هستیم از پای ننشینیم، تا فداکاری آنان را به ثمر رسانیم و با اراده مصمم و مشت محکم بقایای رژیم ستمکار و توطئه گران جیره خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم

رهبر انقلاب در ملاقات اعضای خانواده و اطفال شهدا در مهر ماه ۵۸ در بخشی از سخنان خود یاد آور شدند:

" اگر بخواهید مملکتتان از خودتان باشد کشورتان یک کشور سالم باشد. خود کفا باشد باید این سوغاتی هایی که غرب برای ما فرستاده و می فرستد از قطع کنید. ما با صنعت مخالف نیستیم. ما با هیچ یک از آثار تمدن مخالف نیستیم. ما می گوئیم غربی و شرقی کلاه سرمان می گذارند، می خواهند ما را نگهدارند، متوقف کنند. می خواهند ما را محتاج به مستشار کنند. نظام مان مستشار داشته باشد. فرهنگ مان مستشار داشته باشد، همه چیزمان مستشار داشته باشد. "

امام در سخنان خود در ملاقات با معلمین آذربایجان در روز ۳ آبان که از سیمای جمهوری اسلامی سخن شد، فرمودند:

" رابطه ما با آمریکا و شوروی رابطه بره و گرگ است. "

آیا باز هم می توان به تحریف واقعیات متوسل شد و مواضع قاطع و عمیق ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه امام را فقط در مبارزه علیه آمریکا خلاصه نمود؟ و انحرافات

مردم مسلمان را به هم برپایان تر نمودند آنچه مربوط به رفاه اجتماعی میگردد توجه نمایند. برای همه سوال است که دولت این مسئولین را برای چه به این مناطق فرستاده است. دولت باید بکارهای آنها رسیدگی کند به درخواستهایی که دارند جواب دهد تا آنها بتوانند به مردم جواب دهند. هم اکنون دست آنها خالی است. آنها فقط میتوانند مردم حرف تحویل دهند. و قدرت اجرایی و امکانات ندارند. دولت باید با اتکاء به مردم، عمل کند و بس.

و مواضع انقیاد طلبانه خود را در زمینه مبارزه علیه امپریالیسم و سازشکاری با امپریالیسم روسیه را بجای مواضع امام جا زد؟ مسلماً نه، چرا که حقایق بیانگر آن است که رهبری انقلاب بارها و بارها طی سخنرانیها و مصاحبات خود بر ادامه مبارزه ضد امپریالیستی تاکید گذاشته و تمام جهانخواران بین المللی، به ویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی را مورد حمله قرار داده و دشمن انقلاب ما معرفی نموده است.

در هفته های اخیر که پناه دادن شاه جنایتکار مخلوع توسط ابر قدرت آمریکا انجام پذیرفته و به درستی لبه تیز مبارزات مردم و امام متوجه این امپریالیسم خونخوار و نوکر سر سیرده اش شاه مخلوع گشته است، عده ای و در رأس آنها دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده این مهره های قسم خورده ابر قدرت شوروی تلاش می کنند از این اوضاع کمال سوء استفاده را نموده، خط انقلابی امام را علیه تمام جهانخواران و علیه دو ابر قدرت آمریکا و روسیه تخریب و آن را تنها به " نبرد با آمریکا " خلاصه نمایند، آنها می کوشند نقطه نظرات ضد آمریکائی خود را که نه از مواضع ضد امپریالیستی بلکه از موضع سر سپردگی و انقیاد طلبانه نسبت به سوسیال امپریالیسم شوروی است، به مثابه مواضع انقلابی امام عرضه دارند. عده ای دیگر در مبارزه علیه امپریالیسم دچار انحراف بوده و سیاست مدارا جوئی و تزلزل نسبت به ابر قدرت شوروی را در پیش گرفته اند با این توجیه که مبارزه با آن را باید یا به بعد موکول کرده و یا با چشم داشت به کمکهای روسیه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را جلو برد، نتیجتاً آنها با سکوت و عدم موضع گیری خود در قبال شوروی، عملاً با کمیته مرکزی حزب توده در یک صف قرار گرفته و در همسویی با آن زمینه را برای سوء استفاده امپریالیسم روسیه آماده و انقلاب ضد امپریالیستی ما را به انحراف می کشانند.

به نظر ما خط قاطع استقلال طلبانه امام علیه امپریالیسم به ویژه دو ابر قدرت آمریکا و روسیه بیان قشرده و حاصل درس گیری از مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی توده های زحمتکش ما در طول هشتاد سال گذشته است. این خط مستقل مهمترین عنصر در ادامه

استخدام تشوری نمودن کارگران شیلات در اسرع وقت اقدام و نتیجه را به ما کارگران ابلاغ نمایند.

با تقدیم احترامات کارگران شیلات ناحیه چهار گرگان

( امضاء ۶۷ نفر از کارگران )  
( امضاء و مهر تأیید سندیکای کارگران شیلات ناحیه ۴ گرگان )

پیروزمند انقلاب بوده و از این رو باید چون مردک چشم از آن پاسداری کرده و با هر گونه انحرافی که می خواهد آن را به سوی شرق یا غرب بکشاند و منحرف سازد، شدیداً مبارزه نمود.

### لازمه جاسوسی

با اشغال سفارت آمریکا اسناد و مدارک بی شماری از جاسوسی و دخالت ابر قدرت آمریکا در امور داخلی ایران بدست آمد. از جمله ماشینهای فرستنده و گیرنده الکترونیکی، دستگاههای پیچیده مخابراتی، دستگاههای نابود کننده مدارک مهم جاسوسی ... و خلاصه پایگاه جاسوسی بودن سفارت آمریکا بیش از پیش روشن شده است.

اعلامیه های و فیلمهای افشا گرانه از سفارتخانه آمریکا در ایران نشان دهنده این واقعیت بود که چگونه غارتگران بین المللی از جمله امپریالیسم آمریکا از تمام امکانات از جمله سفارتخانه و کنسولگری های خویش برای حفظ منافع خود و سلطه جوئی در رقابت با ابر قدرت دیگر استفاده می کنند.

امام خمینی به درستی اعلام نمودند که آمریکا هیچ غلطی نخواهد کرد زیرا اگر می توانست شاه را در ایران نگاه می داشت. عینیات جهانی بیانگر واقعیت ضعف امپریالیستی است که زمانی با تفنگداران دریائی خود جزایر دریای کارائیب و لیبیان را یک شبه تسخیر می کرد و نیم میلیون سرباز به هندوچین می ریخت اما امروز عاجز از حمایت از سفارتخانه و کارمندان خود، دست به دامان شورای امنیت سازمان ملل و پاپ گردیده است. این نشانه دیگری از افول امپریالیسم جهانخوار آمریکا است.

امروز دو ابر قدرت بزرگ امپریالیستی در حال دست و پنجه نرم کردن بر سر تقسیم مجدد جهان بین خود هستند. جنبش ما باید آگاهانه از این کشمکش امپریالیستی خود را مصون نگهدارد و در حالیکه امپریالیسم آمریکا را از در می راند مواظب شوروی باشد تا از پنجره داخل نشود.

# رنجبر و خواننده

رفقای عزیز رنجبر!

صحت و پیروزی تمام شمارفاراخوانانم . من دو سه ماه می شود ازکشورم افغانستان به خارج آمده ام . در کشور ما چنانچه میدانید دولتی از مزدوران امپریالیزم شوروی حاکم است . اوضاع برای مبارزه کمونیستهای میهن پرست کشور ما بسیار دشوار است . با این همه کمونیستهای افغانستان در پهلوی دیگر نیروهای آزادی خواه ، از مرگ و شکنجه نترسیده و فداکارانه بر ضد روسها و گدی های کوكی شان می جنگند .

چندی پیش عده ای از اعضای " گروه انقلابی خلقهای افغانستان " در اثر شکست نقشه یک قیام بزرگ ، شهید و زندانی شدند . " گروه انقلابی " که متشکل از مارکسیست - لنینیست هاست با چند سازمان مبارز اسلامی متحد شده و قیام هم از طرف همه آنها پلان شده بود .

پس از شکست آن قیام ، " گروه انقلابی " به خاطر شهادت یکی از اعضای اعلامیه ای منتشر ساخته است . من تا کنون سه شماره از نشریه " رنجبر " را دیده ام و خواستم فوری این اعلامیه را برایتان بفرستم . چرا که فکر می کنم شما همان سیاستی را علیه دو ابر قدرت دارید که مارکسیستهای افغانستان باید داشته باشند و دارند . شما به درستی از دولت ملی و مستقل ایران به رهبری امام خمینی دفاع و حمایت می کنید . مارکسیستهای واقعی افغانستان هم از جنبش ملی اسلامی کشور خود ما و جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی دفاع میکنند . من سیاست شما را نسبت به عقاید خود منطبق یافته ام . دوستانی گفتند شما تا به حال چند نوشته در پشتیبانی از مبارزات به حق مردم انتشار داده اید . به عنوان یک فرد طالب استقلال و آزادی کشورم ، بنویس خود از شما تشکر می کنیم که صدای خلقهای دلاور و آزادی خواه ما را انعکاس می دهید . اینک خواهش می کنم اعلامیه ارسالی را هم چاپ نمائید تا مردم قهرمان ایران از مبارزه مارکسیست - لنینیستهای افغانستان نیز آگاه شوند . امیدوارم تمام آن شماره های " رنجبر " را که درباره افغانستان مطلب دارند ، برایم بفرستید .

رفقای عزیز ، در نشریاتتان از مردم قهرمان ایران بخواهید برادران افغانی شان را در مبارزه علیه سوسیال امپریالیزم تنها نگذارند . شوروی می خواهد برای برآورده شدن مقاصدش تمام ملت ما را از تیغ بکشد .

دو صد هزار شهید و دهها هزار زندانی ما را از یاد نبرید . شوروی امپریالیستی و عواملس چنانیکارانه تر از آمریکا و شاه خائن ، به کشتن و غارت مردم ما مشغول اند .

با ایمان به ستم ، کاما ، خلقها .

شرف باخته ترین نوع وطن فروشان ، دشمنان و خابنین به طبقه کارگر و آرمان آن میدانست . . . رفیق محسن با اینکه خود منسوب به اقلیتی ملی بود اما هرگز به ابتذال بر خورد تنگ نظران و غیر مارکسیستی نسبت به مسئله ملی گرفتار نیامد و در برابر آنانیکه در مسئله ستم ملی دارای نظراتی شونیستی و سبکسرانه هستند قاطعانه می ایستاد .

از سال قبل که گروه همهی تیرویش را به شرکت فعال در مبارزه ی مسلحانه ضد روسی خلق ما تمرکز بخشید و برای انجام بهتر و مشترک این امر بادر نظر داشت وضع و خصوصیات مشخص کشور و بی ارزش انگاشتن طعنه ها و مخالفت های " چپ ها و " انقلابیون " لفظی و کاذب ، ایجاد جبهه های واحد از مبارزین مسلمان و مارکسیست را ضروری دانست ، رفیق محسن بنویس خود شب و روز با اشتیاق وجدیت فراوان در این راه بکار پرداخت . سهم او در ایجاد یک چنین وحدت بزرگ و بی نظیر که در " جبهه مبارزین مجاهد افغانستان " تبلور یافت ، از یاد نرفتنی است . . .

بگذار باند وطن فروش تره کی - امین این سگهای دیوانه که به جان مردم ما افتاده اند ، شهادت محسن ها را جشن بگیرند و از خوشحالی پیش پای صاحبان روسی شان دم تکان بدهند . ولی چه باک ! شهادت رفیق محسن نشسان پیوند انقلابیون مسلمان و مارکسیست رادر کشور ما با قطره های خون ترسیم نمود و این بحیث صفحه ای درخشان و داستاوردی والا در تاریخ جنبش رهایی بخش خلقهای ما ثبت خواهد شد . . . ما در برابر هزاران هزار شهید جنگ رهایی بخش ضد سوسیال امپریالیستی ما و در برابر خون گرم شهید عزیز ماریف محمد محسن عهد می بندیم که اندوه سنگین شهادت آنان را به عزم و نیرو بدل کرده و به خاطر انجام رسالت سترگ آنان استوارتر از پیش ، تا آخر و تا قربان شدن به خاطر میهن و مردم مبارزه را ادامه دهیم .

رفیق محسن ، آتش زندگی و مرگ جلیل تو الهام بخش هزاران پیرو راهت خواهد بود!

درد و افتخار بیکران بر رفیق شهید محمد محسن ! درد و افتخار بیکران بر کلیه شهیدان راه مردم آزادی و استقلال کشور ما ! زنده و پیروز باد جنگ رهایی بخش خلقهای ما علیه سوسیال امپریالیزم شوروی ! مرگ و نفرین بر باند میهن فروش ، ضد خلقی ، خائن و سفاک تره کی - امین !

۲۳ اسد ۱۳۵۸  
گروه انقلابی خلقهای افغانستان

تمسخر آمیز هم نمی زدند . اینجاست فهمیدم که چرا جلسات سازمان انقلابی را بر هم می ریزند چون واقعا جوانهای دمکرات و آزاد میخواه و کمونیستهای واقعی در این سازمان هستند .

موفق و پیروز باشید  
د پیلمه مسلمان محمد صادقی  
۵۷/۲/۳۰

☆ بنام خدا

مدیر نشریه رنجبر

۵۸/۸/۵

سلام . . . امید است حال شما خوب باشد و راه پر افتخار خود را ادامه دهید و از هیچ تهدیدی نهراسید .

نشریه شماره ۳۰ شما را خواندم ، قسمت خوانندگان آن سه نامه از کردستان برای شما فرستاده بودند که بی شرمانه به انقلاب و سازمان شما حمله کرده بودند . مثلاً یکی از نویسندگان نامه که از مهاباد بود شما را متهم کرد که چرا دار و دسته قاسملورا می گوید و اصولاً چرا شوروی را می گوید ؟ زهی بی شرمی .

آری توطئه گران و ضد انقلابیون و یادی امپریالیستهای جهان خوار از اینکه شما از انقلاب اسلامی پیروی می کنید ناراحت هستند و شما را متهم به سازشکاری می کنند ولی اگر شما هم اسلحه بگیرید و با ملت بچنگید انقلابی خواهید شد و از شما به عنوان یک انقلابی اصل و مارکسیست لنینیست کامل نام می برند . باز هم یکی از نویسندگان به رهبری انقلاب توهین کرد و او را فردی مرتجع نامید .

آری اگر امام خمینی منافع اربابان آنها را به خطر انداخته و بکسانی که وابسته به شوروی و امریکا هستند لقب ضد انقلاب می دهد ، فردی است مرتجع ولی آقای قاسملو و دار و دستاش که وابسته به شوروی بوده و باروحنای نمای محل همکاری کرده و بر علیه انقلاب و حتی خلق کرد بر می خیزد فردی است مترقی ؟ اگر قاسملو راست می گوید چرا خودش در جلوی جبهه قرار نمی گیرد و از خلق کرد دفاع کند ؟ هیچ گاه امام خمینی نگفتند که خلق کرد تجزیه طلب است بلکه ایشان فرمودند که : " عده ای از اجانب می خواهند خلق کرد از ایران جدا شود که باید دست این اجانب از خلق کرد کوتاه شود . " و تا این اجنبی پرستان در کردستان هستند خلق کرد به خواسته های قانونی خود نخواهد رسید . به امید آن روزی که دست این اجانب از کردستان کوتاه شود و خلق کرد به خواسته های به حق خود برسد . باکمال تشکر

" درود به خلق کرد و تمام خلق های ستمدیده جهان  
" دست مزدوران شوروی از کردستان کوتاه  
" پیش به سوی ایرانی مستقل و متکی بخود

محمد رضا بهوند یوسفی

مدت هفته نامه رنجبر

## جزوه آموزنده

اخیرا جزوه ای به نام " نگاهی به مسائل کردستان و شرق ایران " از طرف " گروهی از جوانان خیابان ایران " منتشر شده و به دست ما رسیده است که به علت کمبود جا در این شماره ، در شماره آینده به معرفی آن خواهیم پرداخت .

### استعفای دولت

۱- نییوستن به " جبهه مخالفین "

بازرگان در آخرین پیام خود در باره شورای انقلاب چنین گفت : . . . اگر اختلاف و ایرادی هم داشتیم ، سعی می کنیم دوستانه با آنها و گردانندگان مملکت با دلالت و تذکر بگوئیم . اگر به مرحله ای برسد که بخواهیم تند و خصومت بکنیم ، نمی کنیم .  
بازرگان با این موضع گیری نشان داد که بر خلاف برخی از نیرو های ملی دیگر ، از تجربیات تاریخ به خوبی آموخته است و نسبت به توطئه های امپریالیستها و عمالشان برای نفاق افکنی ، هوشیار است . لذا اعلام می کند که در هر صورت همراه انقلاب است و به جبهه ناراضیان و مخالفین نخواهد پیوست .

۲- جدا نشدن از رهبری انقلاب

بازرگان در پیام خود خطاب به ملت چنین گفت : . . .  
حفظ وحدت ، ایمان ، توکل به خداست و دل سرد نشدن ، یکپارچه بودن و در صف خط امام پیش رفتن .  
این موضع بازرگان نیز بیانگر آن است که به درستی او به عنوان یک سرباز نهضت ملی ، از دوران مصدق این درس تاریخ را با خود به یادگار دارد که چگونه جدا شدن از رهبری انقلاب ، دیر یا زود ، به رو درروئی با پیشرفت انقلاب منجر می شود . لذا بروی پیش رفتن در صف امام پا فشاری می کند .

بهر حال بازرگان چه در دولت باشد و یا خارج از آن ، او و نهضت آزادی که خود یکی از پایه گذاران آن بود ، همیشه بخش جدا نشدنی از نهضت استقلال طلبانه میهن ما و بخشی از نیروهای ادامه انقلاب بوده و خواهند بود و جایگاه و نقش نهضت آزادی و بازرگان در صفوف نیروهای سیاسی نهضت و در سر نوشت آینده مملکت و انقلاب باید مورد توجه قرار گیرد .

### از مواضع ضد...

مماشات با شوروی برای مبارزه با امریکاهشیار بود .

در زمینه مبارزه با بقایای فئودالیسم باید این کار را اساساً با تکیه به توده های دهقانی ، بویژه دهقانان فقیر و میانه حال به پیش برد .

## ضد انقلاب را...

سفارت جمهوری اسلامی ایران در کویت هم یک موضع دفاعی و پاسیوا اتخاذ کرده و در مقابل شکوه و شکایت ایرانیان مقیم ، یک " ما میدانیم " تحویل میدهد .

ب - کارگرنیکه به ایران سفر میکنند هم عملاً می بینند که هنوز همان قانونهای گذرنامه ای ، گمرکی و مالیاتی و ادارهای طاغوت موجودند . یعنی هنوز مدت اقامت این کارگران در ایران چهار ماه است . عوارض همان دوهزار تومان است و ارز با بان گمرک هم همان سخت گیری های سابق حتی بدتر اعمال میکنند . بانکها هیچگونه پولی را منتقل نمیکند و انتقال آن بصورت نقدی بوده که در فرودگاه این افراد دچار گرفتاری میشوند که شما این پولها را از کجا آورده اید باید به قیمت تبدیل ارز ایران پول بردارید و خلاصه هیچ امتیازی به کارگران زحمتکش مقیم خلیج که میلیونها دلار سالانه از طریق وارد کردن ارز به کشور سود میبرسانند ، داده نشده و چنان رفتاری با کارگران ماکه برای دیدار زن و بچه خود به کشوری آیند میشود ، که با فلان پولدار که برای تفریح به اروپا می رود ، نمیشود .

خلاصه مطالب بالا گوشه هایی از علل ناراضی مردم مادر خلیج است . به نظر ما باید دولت انقلابی برای کوهنا کردن و نقش بر آب کردن توطئه های ابرقدرتها در میان کارگران خلیج و نظر به اهمیت فراوانی که خلیج برای ایران دارد لازم است این نکات از طرف دولت جمهوری اسلامی رعایت شود :

۱- دستگاههای خبری ایران از موضع تهاجمی کلیه توطئه های ابرقدرتهای شرق و غرب را در مورد ایران بی پروا افشا کرده و حقیقت موجود را در ایران به گوش مردم ایران و کشورهای همجوار برساند ( توضیح اینکه تلویزیون آبادان در بیشتر امارتهای خلیج به خوبی گرفته میشود )  
۲- سفارتخانه جمهوری اسلامی باید یک مرکز بزرگ آگاه سازی هموطنان ما باشد . سفارت جمهوری اسلامی باید با ترتیب دادن جلسات فرهنگی به افشای این توطئه ها و آگاه سازی ملت پرداخته و به سئوالات آنها پاسخ داده شود این حق یک نمایندگی در کشور دیگر است که اتباع خود را از اوضاع کشورشان با اطلاع سازد .

۳- دولت ومسئولین باید برای کارگرانی که بعلت بیکاری و فقر ، دور از خانواده خود ، برای کار به کشورهای منطقه میروند ، تسهیلاتی قائل شوند و از نظر رفت و آمد و گمرک با آنان همکاری کنند .

## از سه درس بزرگ تاریخ...

رهبران حزب توده ، سرانجام این جنبش با شکست مواجه شد و زمینه برای کودتای ۲۸ مرداد فراهم گردید .

سه درس مهم تاریخی  
از ضروری که بطور فشرده و سریع از تاریخ میهن مان داشتیم ، ما سه درس مهم را برجسته می یابیم :

با ایمان به پیروزی کامل خلقهای ایران و افغانستان!

دست شما را صمیمانه میفشارم

۲۷ اکتبر

رنجبر - به علت کمبود جا ما در زیر قسمتهائی از اعلامیه "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" را چاپ می‌کنیم:

اعلامیه

هموطنان:

باند وطن فروش و در اگولایی تره‌کی - امین از ریختن و مکیدن خون خلق مبارز ما سیر نمی‌شود. این سیاهترین جانیان و دزدان تاریخ کشور به منظور ارضای اربابان کرملین نشین و حفظ سلطه ننگین و منفور شان چنانکه خود از دهان کثیف شان بیرون داده‌اند حاضرند فقط بر دو میلیون از شانزده میلیون خلق ما حکومت کنند و بقیه را از تیغ کشند.

یکشنبه (۱۴) اسد قیام "جبهه‌مبارزین مجاهد افغانستان" شکست خورده و در کنار سایر افراد جبهه عده‌ای از رفقهای "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" که مسئولیتهای اساسی و مهمی را در جبهه هم‌بدوش داشتند، دستگیر می‌شوند... روسها و مزدوران وطنی‌شان که در وجود همه‌ی این انقلابیون بیدرنگ آنان را به سلاخ خانه می‌برند... رفیق محمد داود که قسمتی از پوست سرش را کنده و تمامی بدنش را سوختانده‌اند...

اما رفیق محمد محسن، از بنیادگذاران، عضو مرکزیت "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" و از مسئولان مهم "جبهه مبارزین مجاهد افغانستان" دو روز پس از مقاومتی پر شکوه در حالی که کوهی از اسرار گروه و جبهه را در قلب سرخ خویش نگاه میدارد، قهرمانانه شریست شهادت نوشید و بدین گونه "گروه انقلابی" ما، جنبش مارکسیستی - لنینیستی کشور خلق ما یکی از انقلابیون راستین، آگاه و آتشین خود را از دست داد.

رفیق محسن در زمان شهادت بیش از (۲۸) سال نداشت...

رفیق محسن همیای آشنایی با مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه ماوتسه دون به ماهیت - رویزونیسم در سطح جهانی و در داخل کشور پی برد. او با تمام تار و بود وجودش نسبت به عناصر "پرچمی" و "خلقی" احساس نفرت و کینه عمیق می‌کرد و آنان را دلالان روس و

در تاریخ ۵۸/۷/۲۶ محمد ارسوی در دانشگاه شیراز سخنرانی داشت تحت عنوان چرا دولت کنونی ملی است. من هم چون علاقه داشتم این سخنرانی را گوش کنم به نجار فتم. هنوز برنامه شروع نشده بود، جو محیط نا جور بود. اعلامیه‌هایی از طرف دانشجویان پیشگام و سازمان پیکار بر علیه سازمان انقلابی دیدم که حدس زدم برخورد زیادی با توجه به این که سازمان انقلابی بر روی حزب توده و چپ نما موضع می‌گیرد، بوجود می‌آید. وارد سالن شدم دیدم که بیشتر بچه‌ها نگاه می‌کنند و می‌خندند. مقداری از سخنرانی ارسوی گذشته بود که دانشجویان "آزادی خواه" و "دمکرات" ماهیت خود را نشان دادند. یکی می‌گفت امریکائی - ساواکی - چینی خلاصه همه شلوغ می‌کردند. باز یک نفر دیگر می‌گفت بر افراشته باد پرچم بورژوازی ملی و یک نفری خنده با کمال بی شرمی می‌گفت تکبیر و هر چه تهمت بود به ارسوی زدند.

جلسه به صورت عادی بر گشت ولی فقط چند دقیقه باز روز از نو، روزی از نو، حتی خدا شاهد است خودم دیدم که یک دانشجو که خود را جز طبقه روشنفکر و مترقی می‌داند به یک خواهر که فقط گفته بود بابا بگذارد حرفش را بزند، حرفهای رکیک می‌زد که من با توجه به اینکه با طبقه دانشجو بر خوردی نداشتم کاملاً گیج شده بودم و می‌گفتم آیا اینها هستند آینده سازان فردای ما!

از اعلامیه‌هایی که بر روی دیوار بر علیه سازمان انقلابی نوشته شده بود می‌شد حدس زد چه کسانی قصد داشتند جلسه را بهم بزنند (توده‌هایها و فدائیان و سازمان پیکار) بلکه این چپ نماها که همیشه دم از آزادی بیان و عقیده می‌زنند، دیدیم چگونه طرفدار آزادی بیان هستند. فقط دوست دارند خودشان حرف بزنند و اگر کسی جلسه آنها را بر هم زد فوراً می‌گویند آزادی نیست و پیشنهاد جنگ مسلحانه می‌دهند. اینها خودشان را دانشجویدمکرات و آزادی خواه می‌دانند ولی از آن چماق بدستان پست‌تر و ارتجاعی‌تر هستند.

نگته جالب اینجاست که روز یکشنبه ۵۸/۷/۲۹ در همین دانشگاه، حزب توده به خاطر شهدای نظامی خود سخنرانی داشت ولی جلسه بسیار آرام بود و حتی چند نفر از هوا داران سازمان انقلابی را که از جلسه سخنرانی قبل شناخته بودم در آنجا دیدم که سخنرانی را گوش می‌دادند حتی یک لب‌خند

مدیر هفته نامه رنجبر  
با سلام - اگر مقتضی میدانید این چندکلمه را امر بطبع فرمائید.  
با تشکر: ابوالقاسم - م. افسروزیف

چون بین مطبوعات موجود نشریه‌های ما میهن پرست تر و واقعگرا تر از دیگر نشریات تشخیص داده‌ام، معتقدم شما بدون انحراف از مسیر انقلاب احساس مسئولیت میکنید، مطلبی را که مدتهاست بذهنم نیش می‌زند و سیر حوادث نیز در جهت تأکید است بوسیله آن نشریه می‌خواهم از نظر خوانندگان و دلسوزان این مملکت بگذرد باشد که قدمی در راه آگاهی باشد.

دو سه گرایش مهم در حکومت فعلی ایران - که هنوز بمعنی علمی کلمه "دولت" نشده چشم می‌خورد که در پشت پرده و گاه آشکارا در مبارزه‌اند یک‌گرایش انحصارطلب متکی به خرده بورژوازی سنتی (که لزوماً "مبین منافع نهائی آن نیست ولی از حمایت وسیع آن سود میجوید) دوم. یک گرایش لیبرال متکی به سرمایه داران ملی و بعضاً وابسته و ایضا "بورژوا بوروکراتها و بعضی تکنوکراتها. سوم و این در واقع مهم‌تر و مخفی‌تر است جناح میلیتاریست عمیقاً امریکائی که با باز گشتن عدده زیادی از تصفیه شدگان و بازنشستگان دارد جان میگیرد و می‌رود که گرایش اصلی شود. توضیح اینکه هم اکنون دو گروه اول و نیز

مسلمانان مترقی (خارج از دولت و حکومت) بین نیروهای مسلح طرفدارانی دارند اما نهادپایدار میلیتاریسم وابسته به بلوک آمریکا در شرایط کشورهای جهان سوم فی‌النفوس چیزی شده است منتزعه و مستقل از منشاء اصلی و بالعیان می‌بینم در غالب کشورهای جهان سوم پنهان یا آشکار نظامیان نیرو و حکومت و دولت را در دست دارند. در اینجا هم از طرفی فشار موج نیرومند توده‌های (که هنوز ادامه دارد) وانعکاس آن روی سربازان و درجه‌داران و همافران و افسران و از طرف دیگر وجود گروه‌های مسلح ملی (پاسداران و کمیته‌ها و غیره) که در مجموع بیشتر سیاسیند و هنوز از منشاء مردمی خود بریده نشده‌اند و از سوی دیگر عدم امکان تداوم حکومت شاه‌ارزش را از شاه رویگردان کرد و گارد هم که متلاشی شد و

این کارد بود که نیروی سلطنت خواه بودنه‌همه ارتش، اما گرایش اصلی نهاد ارتش طاغوتی که امریکائی بود هنوز هست و خطر همین جاست. ببینید چگونه با توطئه چپ نمایان و صهیونیسم و ندامتکاری دولت لیبرال و الیگارش مذهبیبون افراطی در کردستان زمینه‌جویی فراهم شد که ملتی که دو سال فریاد می‌زد ارتش در سیاست داخلی دخالت نکند ارتش با سلام و صلوات روانه کردستان شد و اکنون بیشتر پاسداران هستند که

باید این کار را اساساً با تکیه به توده‌های دهقانی، بویزه دهقانان فقیر و میانه حال به پیش برد و نه تکیه به ادارات و روش‌های دولتی و بوروکراسی یا پیداز مبارزه‌ی دهقانان حمایت سیاسی و مادی کرد و شرایط را برای رشد تولیدات دهقانان فقیر میانه حال و خرده‌پا برای تقویت تولید دهقانی و بستن راه بازگشت استعمار حاکمیت فئودالی بیروستا آماده ساخت.

در زمینه مبارزه با بوروکراسی، پاکسازی ادارات دولتی از عناصر وابسته و فاسد و ایجاد نظم انقلابی امری بحق و لازم است اما مسئله انقلاب مادراین زمینه بس بزرگتر است. سرمایه داری بوروکرات (دولتی) بار بزرگی بردوش خلق ماست که در رژیم سابق نقش دوگانه ابزار وابستگی و چپاول امپریالیستی و استثمار خلق و سرکوب سرمایه داری ملی را بازی میکرد و نهادی ضد ملی و ضد خلقی بوده است.

حال با روی کار آمدن قدرت سیاسی ملی نقش سرمایه‌داری دولتی در اقتصاد کشور باید به میزان قابل توجهی تنزل یابد، بخش خصوصی ملی رشد کند و دولت تنها رشته‌های اساسی محدودی را در کنترل خود داشته باشد. در مقابل، دولت وظیفه حراست از تولید ملی در مقابل غارت امپریالیستی، کمک به تولید سرمایه ملی خصوصی و تولید تعاونی زحمتکشان را بعهده بگیرد و در این راه از حجم عظیم یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفری بوروکراسی گاسته‌شده و این نیرو قدم قدم به امور تولیدی در صنایع و کشاورزی انتقال یابد.

برنامه عمومی شورای انقلاب گام اول و دوستی برای حل این مسائل و ضربه زدن به این سده‌شمن بزرگ انقلاب ایران است. ما امیدواریم شورای انقلاب با قاطعیت انقلابی و با تکیه به توده‌های خلق و نه بوروکراسی دولتی، بتواند در پیاده کردن و تعمیق این برنامه انقلابی موفق باشد.

کشته میشوند و ارتش از دو جانب "رعایت" میشود.

آیا نمی‌بینید آینده‌ای را که ناامنی و بی-نظمی و گسیختگی و نارسائی دولتی بر زمینه‌بیکاری و تورم و نبردهای سیاسی بالاخره صداها را بلند کند که ای ارتش نجات بخش قدرت را در دست بگیر! آیا پاکستان نمونه گویائی در برابر چشم ما نیست؟

این تقدیس ارتش، این شعار نازی "لنت فدای ارتش" این کنار نشستن و ظاهراً "بیدخلتی تعجب‌انگیز ارتشیان سطح بالا و تبعیت از نخست وزیر قانونی - امری که سالهاست سابقه و زمینه نداشته. و آن صاحب‌های عمیقاً برنامه‌دار که گاه میکنند...

آیا وقت آن نرسیده‌است که نیروهای سیاسی ما با ارزیابی صحیحی از نیروها و زیر پرچم امام روی یک دولت سیاسی مقتدر بتوافق برسند؟

میهن‌مان داشتیم، ما سه درس مهم را برجسته می‌یابیم:  
۱- در جنگ علیه امپریالیسم حاکم باید روی استقلال و اتکاء به توده‌ها یا فشاری نمود برای مبارزه با یک قدرت امپریالیستی یا امپریالیست کمین کرده دیگری تکیه نکرد نسبت به خطر او هوشیار بود و فریب "حمایت" او را نخورد و مبارزه برای استقلال را علیه قدرتهای مهاجم امپریالیستی بطور همه جانبه و قاطع به پیش برد.

۲- هر زمان که وحدت سه جریان اجتماعی - اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی - سوسیالیسم انقلابی برقرار باشد زمینه پیروزی آماده شده و در غیر اینصورت شکست حتمی بوده‌است.  
۳- زمانی که توده‌های وسیع بی پروا به میدان آمده و نقش بازی کرده‌اند جنبش قدرتمند شده و توانائی مبارزه با دشمنان را پیدا کرده، اما زمانیکه توده‌ها به کنساری نهاده شده‌اند جنبش همیشه شکست خورده است.

انقلاب کنونی و ادامه آن

با تگاهی به انقلاب پیروزمند اخیر ایران بخوبی می‌توان جمع بودن هر سه درس تاریخی را مشاهده کرد. بسیج بی‌پروای توده‌های میلیونی عمدتاً "برهبری اسلام مبارز، هوشیاری و حساسیت آنها نسبت به وحدت کلمه و عمل بین همه اقشار و طبقات و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، و مهمتر از همه اتکاء به نیروی خود و پیش‌بردن مبارزه قاطع علیه امپریالیسم آمریکا در عین داشتن موضع قاطع علیه ابر قدرت در حال تهاجم روسیه از خصوصیات برجسته انقلاب اسلامی بود، خط انقلاب ما ریشه در تجارب ۸۰ سال مبارزه داشت و بسه این دلیل پیروز شد

این سه درس تاریخ باید گسترش و تعمیق یابد. ادامه انقلاب و یافتن سمت درست تنها با حفظ دستاوردهای گذشته و پند گرفتن از اشتباهات ممکن می‌گردد.

هفته نامه  
رنجبر  
ارگان مرکزی سازمان انقلابی  
مدیر مسئول - علی حجت  
مردم‌پسیر - فرامرز وزیر  
نشانی: خیابان معدوق، پانزین تبر  
از میدان ولی عصر، خیابان زمره  
تلفن: ۶۲۲۹۱۴  
نشانی پستی: تهران، ۱۴۰۱-۴۱۴  
چاپ گاه



# شوروی : (۳۱) کشوری امپریالیستی

## شوروی و کامبوج

قبل از اینکه به چگونگی نفوذ سوسیال امپریالیستهای شوروی در کامبوج بپردازیم بدینست نیم نگاهی به تاریخ گذشته کامبوج بیاندازیم . خلق خمر که در سرزمین کامبوج یا کامبوجیا زندگی می کند دارای بیش از دو هزار سال تاریخ ثبت شده است . این کشور در سال ۸۰۲ میلادی به صورت یک حکومت سلطنتی مقتدر درآمد که تا سال ۱۴۳۱ میلادی بر بخش بزرگی از آسیای جنوب شرقی حکومت می کرد . دولت خمر از این سال به تدریج در اثر حملات دولت های مجاور یعنی سیام ( تایلند کنونی ) از یک طرف و ویتنام از طرف دیگر تضعیف شد .

از همین ضعف مفرط درونی کامبوج بود که امپریالیستهای فرانسه برای غلبه بر این کشور استفاده کردند و در سال ۱۸۶۳ پادشاه کامبوج را وادار کردند تا عهدنامه ای را که کامبوج را تحت الحمایه فرانسه می کرد امضاء کند . در سال ۱۸۸۴ عهدنامه جدیدی به دولت کامبوج تحمیل گردید که عملاً این کشور را به مستعمره فرانسه تبدیل نمود .

کامبوج در طی جنگ دوم جهانی به اشغال امپریالیسم ژاپن درآمد ولی بعد از شکست ژاپن امپریالیسم فرانسه کوشید تا یک بار دیگر این کشور را به مستعمره خود مبدل کند . اما این بار خلق خمر همدوش با سایر خلقهای هند و چین به مقاومت در مقابل ارتش فرانسه پرداخت و امپریالیستهای فرانسه بالاخره مجبور شدند استقلال کامبوج را به رسمیت بشناسند ( ۹ نوامبر ۱۹۵۳ ) .

در این موقع شاهزاده نور دوم سیهانوک که مردی استقلال طلب و مترقی بود پادشاه کامبوج بود او در سال ۱۹۵۵ از مقام خود استعفا کرد و " جامعه توده های سوسیالیستها " را تشکیل داد " جامعه توده های سوسیالیستها " قدرت دولتی را به چنگ آورد و کوشید تا سیاست بی طرفی و استقلال طلبی را در پیش بگیرد و از نفوذ کلیه کشورهای خارجی در کامبوج جلوگیری نماید . اما این سیاست که لازمه آن مبارزه با نفوذ دو ابر قدرت آمریکا و شوروی بود باعث شد که این دو امپریالیسم جهانخواه در صدد سرنگون کردن دولت سیهانوک بر بیایند . و بالاخره در ماه مارس ۱۹۷۰ ( اسفند ۱۳۴۹ ) با یک کودتای امپریالیستی که توسط ژنرال لون نول انجام گرفت دولت سیهانوک سرنگون شد .

بقیه در صفحه ۲

# از سه درس بزرگ تاریخ مبارزات مردم مان پیاموزیم

و برخی محافل محصور شد . تقی ارانی و دیگر کمونیستها نیز با کار محدود خود ( و آنهم جدا از توده ها ) تنها توانستند مشعلی رازنده نگه دارند در اواخر سلطنت رضاخان با رشد امپریالیسم نوخاسته آلمان و تهاجم آن علیه انگلیس ، گرایش به این امپریالیسم مهاجم در اثر تنفر از انگلیس در بسیاری از نیروهای ملی در ایران و نیز در بسیاری از کشورهای عربی منطقه مشاهده می شود که البته با رشد مبارزه توده ها بر علیه فاشیسم تصحیح می گردد .

در نهضت ملی کردن صنعت نفت و مبارزات ضد امپریالیستی این دوره ، مصدق رویه توده ها نمود و با تکیه به آنها به مبارزه دامن زد . و بالاخره در قیام سی تیر وحدت عملی سه نیروی سیاسی اسلام مبارز ، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی علیرغم خواست رهبران حزب توده بوجود آمد که باعث پیروزی گشت اما عدم شناخت اغلب نیروهای سیاسی از آمریکا بعنوان امپریالیستی که پشت سرحاساسات ضد انگلیس از نظرها پنهان شده و بالاخره بلعت جسداشن بخشی از نیروهای اسلامی از مصدق و خیانتست بقیه در صفحه ۷

( اسلام مبارز ) وستارخان و باقرخان ( ملی گرائی مترقی ) کنار هم قرار می گیرند و بی پروا به آگاهی دادن و مسلح کردن توده ها دست می زنند . در این دوران پیروزی با خلق است .

ولی بالاخره نهضت مشروطیت دچار شکست شد . خلق سلاح کردن و خانه نشین کردن توده ها ، عدم بسیج آنها در ادامه انقلاب بلعت محدود کردن مبارزه در مجلس . رخنه عوامل انگلیس در صف خلق ، و تفرقه در صفوف خلق مجموعه عوامل موثر در شکست نهضت بود .

در جنبش جنگل دوره وحدت حیدرخان و کوچک خان از دوره هایی است که پیروزیهای چشمگیری را نصیب نهضت نمود . ولی بعد با غالب شدن مشی " چپ " و ماجراجویانه امثال سلطانزاده و احسان الله خان ، این اتحادازهم پاشید که نتیجه منطقی آن شکست بود .

بالاخره رضاخان پالانی با کودتائی وضع را در دست گرفت . دکتر مصدق و مدرس در وحدت با یکدیگر دست بمبارزه بر علیه رضاخان زدند ولی بلعت عدم مراجعه و تکیه به توده ها صدای اعتراضات آنها در چهار دیواری مجلس

ما بارها از تجارب تاریخی صحبت کردیم ، ولی هر بار که مسائلی در پیش پای انقلاب قرار می گیرد ، مجدداً لازم می بینیم به تاریخ برگردیم تا با بررسی زوایای آن بتوانیم از تاریخ و گذشته ، برای مبارزه ی حال و آینده درس بگیریم .

در سهائی که در پیچ و خم های تاریخ نهفته است ، مروری بر تاریخ کشورمان نشان می دهد که یک قرن مبارزه ضد امپریالیستی خلق دارای نکات مثبت و منفی بسیاری است که می تواند برای تشخیص سمت درست اوضاع کنونی آموزنده باشد .

از جنبش تنباکو شروع می کنیم که با بسیج عظیم توده ها همراه بود . جنگی علیه انگلیس تنها با اتکاء به توده مردم و بدون اتکاء به هیچ قدرت خارجی با وحدت صفوف همه طبقات و افشار خلق ، که حاصل آن پیروزی خلق بود .

در انقلاب مشروطیت ، سوسیال دمکراتهای انقلابی ، مسلمانان مبارز و ملیون در جبهه های واحد متشکل از افرادی چون حیدرخان ، ملک المتکلمین و صور اسرافیل در رهبری و سمست دادن به نهضت نقش برجسته ای داشتند . اما در همین نهضت ما با انحرافات از قبیل تحصن در سفارت انگلیس بر علیه روس مواجه هستیم که نشان می دهد کسانی می خواهند با تکیه به انگلیس به روسیه فائق آیند و نتیجه آن شده که انگلیس مشروطه خواه شد و تقوی زاده در صف آزادیخواهان جا گرفت و به برخی افراد استقلال خواه مهر ارتجاعی زده شد .

محاصره تبریز در جریان استبداد صغیر بسیج عظیم توده ها را به همراه داشت . علی مسیو پسرانش ( سوسیالیست ) ، ثقه الاسلام

## لغو قراردادهای ۱۹۵۹ و دو بند از قرارداد ۱۹۲۱ چه کسانی از اقدام ضد امپریالیستی شورای انقلاب بخشم آمدند؟

۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ سخت بخشم آمده و این کار را " انحرافی " از مسیرواصلی مبارزه ارزیابی نموده است .

خشم و ابستگان روس و موضع گیری علنی آنها در مخالفت با لغو قرارداد فوق الذکر دلیل دیگری بر واقعیت انقیاد طلبانه و ضد ملی آنهاست آیا هیچ میهن پرست واقعی هست که از لغو قراردادهایی که به یک ابر قدرت امپریالیستی اجازه اشغال نظامی کشورش را میدهد ، آزرده خاطر و خشمناک نشود ؟ موضع دارودسته کمیته مرکزی حزب توده علیه لغو قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی بخوبی نشان میدهد که اینها بهیچ وجه به استقلال ایران نمی اندیشند و بوئی از میهن پرستی نبرده اند و هیاهوی ضد آمریکائی آنها هم نه از موضع مردم ما ، یعنی موضع ضد امپریالیستی و عشق به استقلال میهن ، بلکه از موضع ضدیت امپریالیسم روسیه با امپریالیسم آمریکا است .

دفاع از " حق " اشغال نظامی میهن مابه وسیله امپریالیسم روسیه و مبارزه علیه لغو قرارداد ۱۹۲۱ بار دیگر ماهیت این دارودسته را به مردم مامی شناساند . نه آنها جائی در صفوف خلق و مردم میهن پرست نداشته و ندارند و همکاری با آنان همکاری بادشمن و ضدیت با خلق است

لغو قرارداد دوجانبه نظامی ۱۹۵۹ ایران و آمریکا و بندهای ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی در هفته گذشته از سوی شورای انقلاب یکی از دستاوردهای بزرگ ضد امپریالیستی در تاریخ معاصر مبارزاتی کشور ماست . این قراردادهای اسارتبار از یکطرف منافع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا را در صورت خطر افتادن آن ، مداخله نظامی تثبیت و تضمین میکرد و از طرف دیگر راه را برای مداخله نظامی امپریالیسم روسیه در هنگام خطر افتادن منافعش باز می نمود .

لغو این قراردادها از جانب دولت و شورای انقلاب پاسخ مثبت به ندای استقلال طلبانه خلقی است که بیش از ۸۰ سال مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیری را علیه استعمار و امپریالیسم پشت سر دارد و با تجربه نمودن شکست ها و پیروزیها ، این بار مصمم تر از همیشه با تکیه و پافشاری بر روی شعارهای " نه شرقی نه غربی ، جمهوری اسلامی " و " استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی " قطع نفوذ کلیه امپریالیستها و عوامل داخلی آنها را در دستور کار خود قرار داده است .

دارودسته کمیته مرکزی حزب توده که وظیفه تنگن کارگزاری و دفاع از منافع امپریالیسم روسیه در ایران را بعهده دارد از لغو بندهای

## انقلابیگری کاذب ، هیزم کش و ابستگی به شرق

وابستگی به او :  
۲- راه حل گرایش به ابر قدرت روسیه و وابستگی به او  
۳- راه حل مستقل و متکی بخود ایرانی طرفداران راه حل اول کسانی هستند که با بریدن قاطعانه بندهای وابستگی به غرب و ایستادن بر سر پای خود مخالفتند . آنها مخالف مبارزه جدی با نظام اداری و بوروکراتیک و ضد خلقی و ضد ملی بازمانده از رژیم گذشته هستند . نظامی که هم کاملاً " در جهت مخالف منافع توده های خلقی قرار دارد هم مانع رشد و شکوفائی اقتصاد و سرمایه ملی را فراهم آورده است . آنها وانمود میکنند که ایران بدون اتکاء به غرب نمی بقیه در صفحه ۲

انقلاب ایران به سلطه غرب بویژه امپریالیسم آمریکا لطافت و ضربات بسیار جدی وارد آورده است . این انقلاب حاکمیت رژیم سیاسی وابسته به امپریالیسم آمریکا را واژگون ساخته ، ایران را از حالت یک پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا خارج ساخته و به تسلط اقتصادی امپریالیسم ضربات کاری وارد آورده است . اما انقلاب هنوز نتوانسته است نفوذ امپریالیسم ، بویژه امپریالیسم آمریکا را منهدم و ریشه کن نماید . در مقابل این اوضاع نیروهای سیاسی و اجتماعی مختلف راه حل های مختلفی برای ادامه انقلاب پیش نهاد و تبلیغ میکنند . این راه حل هارامیتوان بطور اساسی در سه راه حل عمده خلاصه کرد :

۱- راه حل باقی ماندن در چوب غرب و

مدت است که ما شاهد طرح شعارهای " داغ " و اصطلاح " انقلابی " علیه " سرمایه " و " سرمایه دار " بطور کلی هستیم . آنچه که در این میان توجه را جلب میکند اینست که اینبار این شعارها نه تنها از سوی چپ نمایان بلکه از سوی جناحهایی از نیروهای که خود را وابسته به جنبش اسلامی میدانند هم داده میشود .

این شعارها هر چند از ظاهری " انقلابی " برخوردار است اما یک ارزیابی مختصر نشان میدهد که چرا و چگونه در شرایط مشخص کنونی ایران و اوضاع جهان ، این شعارها عمیقاً " انحرافی " بوده و بطور عینی در خدمت ابر قدرت روس قرار میگیرد . برای درک مطلب لازم است اندکی اوضاع کنونی انقلاب را بررسی نمائیم :

## رویدادهای اقتصادی



موزبانان عراقی از انقلاب ما

# از انقلاب ما پشتیبانی کردند

گزارشی از بر خورد ماهی گیران جنوب با پاسداران مرزی عراقی به دست ما رسیده که در اینجا می خوانید:

\*\*\*  
" مشغول ماهی گیری بودیم که یک گروه گشتی عراقی ما را تعقیب می کنند و لنج ما را به کناری می برند. آنها با ما خوش رفتاری میکنند و با ما به گفتگو می پردازند و اظهار می کنند از کارهایی که دولت عراق علیه دولت ایران انجام می دهد ناراحت هستند.

اول ما می ترسیم و فکر می کنیم می خواهند از ما حرف بکشند ولی پذیرائی خوبی که افسران عراقی از ما می نمایند اعتماد ما را جلب می کند. آنها از ما ماهی می خریدند. ما میخواستیم پول ماهی ها را نگیریم ولی آنها با اصرار پول ماهی ها را می پردازند.

افسران عراقی شروع به صحبت می کنند که چرا مرز دارهای شما جلوی خرابکاران را نمی گیرند. می گویند دولت ما مرتب خرابکار تربیت می کند و به ایران می فرستد و پول و اسلحه در اختیار آنها قرار می دهد. ما از این وضع ناراحت هستیم. دولت ما یک دولت فاشیست و جنایتکار است و هیچگونه آزادی در عراق نیست. همین دیروز بود که دوازده نفر را به جرم پخش اعلامیه اعدام کردند.

آنها گفتند شما قدر این آزادی را که در کشورتان هست بدانید و از مرزهایتان دفاع کنید و این وظیفه شما مرز بانان است. دولت جوان شما مشکلات زیادی دارد و از همه طرف توطئه می کنند که انقلاب شما را شکست بدهند و این وظیفه کلیه مردم ایران است که از انقلابشان پشتیبانی بنمایند. ما برای پیروزی شما دعا می کنیم.

بعد آنها برای ما جای درست کردند و در آخر با گرمی از ما خداحافظی نمودند."

\*\*\*

مردم میهن ما و مردم تحت ستم عراق سابقهای طولانی در دوستی و همبستگی دارند. چون ما هر دو زیر فشار امپریالیسم بوده ایم و برای استقلال و آزادی مبارزه می کنیم. رژیم عراق با توطئه ها و تبلیغات فاشیستی اش علیه ایران، شریک جرم توطئه های ابر قدرتها شده و بیهوده کوشی می کند بین دو خلق برادر دشمنی ایجاد کند. نمونه فوق نشان می دهد که توطئه ها نمی تواند در دوستی بین خلقهای ایران و عراق خلی وارد کند.



گفتگو با آقای سید اصغر مرادی، بخشدار منطقه

## در باره اوضاع بندر ترکمن

۱- وجود عوامل رژیم سابق و زمینداران و فئودالها که کماکان به تجاوزات خود مشغولند.  
۲- بی توجهی دولت نسبت به منطقه و رسیدگی نکردن به وضع مردم حتی در سطح عمران و آبادی.

۳- اخلال چپ نماها در منطقه آقای بخشدار نظر کلی اش را در منطقه و آنچه را که باید رسیدگی گردد اینطور توضیح داد:

در درگیری ای که چند روز پیش بوجود آمد مسئله زمین مرتعی عمومی بود که از طرف "مزین" بقیه در صفحه ۶

همانطوریکه میدانید در تاریخ ۸/۸/۵۸ یک درگیری در بندر ترکمن بوجود آمد که موجب زخمی شدن عده زیادی از ترکمنها شد. محرک اصلی آن هم شخصی بود بنام "عراز محمد خدایار" که در این مورد گزارشی از اهالی تهیه شد که در رنجبر ۳۳ چاپ شد.

بهمین منظور ماسعی کردیم نظر کلی بخشدار منطقه، آقای سید اصغر مرادی را هم جویا شویم. آنچه که از تحقیق و بررسی مامشخص میشود این است که برای جلوگیری از هر گونه هرج و مرج باید به مسائل زیر توجه و رسیدگی نمود:

# رویدادهای اقتصادی

## روزی ۸ میلیون تومان ضرر معامله با

### امپریالیسم روسیه

\* روزی ۷ میلیون تومان

خسارت گاز

\* روزی ۱ میلیون تومان

ضرر ذوب آهن

روز سه شنبه ۱۵ آبان ماه، مسئولین شرکت ملی گاز ایران طی یک مصاحبه مطبوعاتی اطلاعاتی را درباره صدور (یا بهتر بگوئیم غارت) گاز ایران به شوروی فاش نمودند.

طبق این اطلاعات، ایران روزانه ۱۳ میلیون متر مکعب گاز به شوروی صادر میکند و بابت هر هزار متر مکعب آن ۲۶ دلار میگیرد. مسئولین شرکت گاز بروشنی اعلام کردند که قیمت گاز در بازارهای بین المللی ۴ برابر قیمتی است که شوروی به ما میپردازد. و بدین وسیله ماهیت واقعی و غارتگرانه سوسیال - امپریالیسم شوروی و قرار - داد استعماری گاز - ذوب آهن را افشاء نمودند.

یک حساب ساده نشان میدهد که ما به التفاوت قیمت فروش گاز ما به روسها نسبت به قیمت واقعی آن در بازارهای بین المللی روزانه معادل ۷ میلیون تومان است. یعنی اگر ما سیر قرار - بقیه در صفحه ۴

## رشد دامداری

### در جهت توسعه

### اقتصاد ملی است

در یک اقتصاد ملی و غیر وابسته دامداری اهمیت زیادی دارد. زیرا توسعه دامداری اولاً به خود کفایی در بخش مهمی از محصولات غذایی کمک می کند و ثانیاً زمینه بسیار مناسبی برای صادرات و توسعه صنایع کوچک و متوسطی در رابطه با آن است. توسعه دامداری در عین حال نمی تواند مستقل از گسترش کشاورزی باشد.

سرمايه داری ملی ایران در طول تاریخ حیات خود اتکا فراوانی به تولید و تجارت کالا های کشاورزی و دامی داشته است. امپریالیسم جهانی نیز برای نابودی زیر بنای اقتصاد ملی ایران و تبدیل بازار ایران به زائده بازار جهانی ضربه اصلی خود را متوجه این دو رشته نمود. یکی از هدفهای اصلی اصلاحات ارضی و ملی شدن مراتع از هم پاشیدن پایه های اقتصاد ملی و تبدیل آن به یک اقتصاد وابسته و انگلی بود. تا پیش از اصلاحات ارضی ایران جزو صادر کنندگان کالاهای کشاورزی و مواد دامی، حتی به قلب اروپا بود.

انقلاب اسلامی ایران که هدف اساسیش کسب استقلال سیاسی و اقتصادی است، برای قطع وابستگی و باز سازی و توسعه اقتصاد ملی باید گسترش کشاورزی و دامداری را محور برنامه ریزیها و عملیات خود قرار دهد. این دور رشته علاوه بر اینکه قادرند زیر بنای یک اقتصاد ملی را تشکیل دهند، در عین حال میتوانند زمینه بسیار مناسبی برای رشد و توسعه صنایع کوچک و متوسط باشند.

امروز ایران قادر نیست بیش از ۳۰ درصد از نیاز های خود را در زمینه کشاورزی و دامداری تامین کند و این امر اساساً معلول سیستم بیمار سرمایه داری وابسته وارث رسیده از رژیم شاه است. برای حل این مشکل باید تغییر بقیه در صفحه ۴

### شیواز

از دوماه پیش گونی قیر گونی سقف ساختمان کمیاب و گران شده بود و از سه هفته پیش دیگر حتی یک متر گونی در مغازه ها پیدا نمی شد.

بالاخره بعد از چند بار تجمع متقاضیان هفته پیش مسئولین اتاق اصناف آنها را که حدود سه هزار نفر بودند در مسجد وکیل جمع نمودند لیکن فقط به حدود صد نفر گونی داده شد و به بقیه قول دادند که فردا بین همه گونی تقسیم می شود. اما تا کنون هر روز بد اینها می گویند فردا بیایید.

دوشنبه ۳۰ مهر عده ای از متقاضیان از مسجد وکیل به طرف استانداری راه پیمائی کردند ولی استاندار حاضر به ملاقات با آنها نمی شود و نماینده استاندار با آنها به اتاق اصناف می رود و مجدداً به آنها وعده میدهد که تا آخر هفته به همه گونی بدهند.

اکثر این افراد که یا روستائی و یا ساکن محله های فقیر شهر بودند، معتقدند گونی در شیراز هست اما بازاریان آنها را احتکار کرده اند. آنها می گفتند که وضع قیر هم به همین صورت است و فقط از بازار سیاه به قیمت بشکای ۸۰۰